

## پیرامون حوادث ۱۴ اسفند دانشگاه

# آقای رئیس جمهور این بازی ها درد مردم را درمان نمی کند

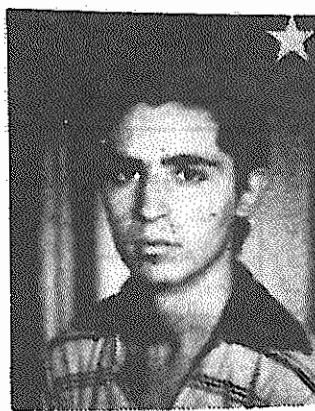
- چماقداری و شیوه های ترور و تهدید مردم باید برای همیشه ریشه کن گردد
- امپریالیسم، صهیونیسم، ورژیم صدام از وقایع دانشگاه شادمان شدند
- رئیس جمهور هیچ صحبتی از امپریالیسم نکرد و از خواست های زحمتکشسان سخنی به میان نیاورد
- مجاهدین سازمان سیاسی خود را در حد گارد ضربت رئیس جمهور تنزل دادند

در صفحه ۲

## طرح مجلس در مورد آزادی احزاب مخالف مصالح انقلاب است

در صفحه ۱۸

## رفیق فدائی سید طه محدث در جبهه جنوب بشهادت رسید



یک روز سید طه به من گفت:  
"تو تا آنجا که می توانی باید علیه نظام  
سرمایه داری تبلیغ کنی و همه جا آن را بگویی.  
تو باید از نظام سوسیالیستی دفاع کنی."  
برادرم (سید طه) ساعت ها می نشست و با  
مادرم صحبت می کرد. به او هم می گفت:  
"بیسوادی تو تقصیر سرمایه داری است."

در صفحه ۲۵ (از خاطرات برادر سید طه)

## نامه یک انقلابی کمونیست از زندان جمهوری اسلامی

در صفحه ۱۲

جنبش کارگری ایران در صفحه ۶

اعتصاب در کارخانه کفش ملی

**بی اعتنائی به خواست های کارگران  
مهمترین عامل اعتصاب بود**

جنبش دهقانی ایران در صفحه ۱۹

با اجرای هرچه سریع تر بند (ج)  
پایگاه اجتماعی انقلاب را گسترش دهید

اتحادیه های  
کارگری  
در شوروی در صفحه ۱

## متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم!

پیرامون حوادث ۱۴ اسفند دانشگاه

## آقای رئیس جمهور این بازی ها درد مردم را درمان نمی کند

از آنجا که دولت جمهوری اسلامی با وجود مشخص بودن بسیاری از عناصر و سازماندهندگان چماقداری، برخورد جدی برای ریشه کن کردن این پدیده ضدانقلابی و خطرناک نکرده است. از آنجا که اکثریت عظیم مردم از سوئی به شدت علیه این پدیده خطرناک و ضدانقلابی برانگیخته شده و از سوی دیگر سکوت توأم با رضایت و حتی در پاره‌های موارد حمایت برخی محافظ خط امام را از این پدیده مشاهده می‌کنند، همه آنها که از تداوم و تعمیق انقلاب هراس دارند، به ویژه رئیس جمهور فرصت یافته‌اند با در دست گرفتن علم مخالفت با این پدیده به شدت مورد نفرت مردم، بهترین زمینه پیشبرد سیاست‌های خود که جوهر آن سیاست نزدیکی با امپریالیست‌های اروپائی و ژاپنی است و نیز بهترین وسیله برای بی‌اعتبار کردن نیروهای خط امام را به دست آورند. در واقع پدیده حمله به اجتماعات و شیوه تهدید و ارباب و ترور دقیقاً به سود و در خدمت سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و مخالف خط امام و انقلاب عمل کرده و از این روست که هرگونه اهمال و سکوت در برابر آن دشمنی با انقلاب و هرگونه حمایت از آن قطعاً اقدامی ضد انقلابی است.

در مینیک ۱۴ اسفند، بی‌صدر و بطور کلی همه نیروهای متحد جنبه او، هوشیارانه و کاملاً حساب شده مترصد بودند که به تمام معنی از هرگونه حمله به مینیک و هر تلاشی برای برهم زدن آن در جهت بی‌اعتبار کردن نیروهای مخالف خود، به‌ویژه خط امام تا آنجا که ممکن است، بهره‌برداری کنند و معدود عناصر با آگاه، متعصب و مشکوکی که همواره برای فراهم کردن زمینه و فرصت بهره‌برداری آقای رئیس جمهور و غیره دست به زنده‌ترین و مخرب‌ترین اقدامات می‌زنند، فرصت کافی را برای رئیس جمهور و متحدان وی پدید آوردند.

در دانشگاه وقتی افراد گارد رئیس جمهور که یک کلت در سمت چپ و یک کلاشینکوف بر شانه راست داشتند، بر بلندی‌های ساختمان ظاهر شدند، عده‌ای که از پیش علیه رئیس جمهور شعار می‌دادند آنان را هو کردند. این عده بعداً از طرف گارد شهربانی عقب رانده شدند. در این هنگام این عده پس از تکرار شعار "گارد بنی‌صدر را به خاک و خون می‌کشیم" به پرتاب سنگ و پاره‌آجر به سوی جمعیتی که در زمین گرد آمده بودند، دست زدند و رئیس جمهور و متحدان او بار دیگر تلاش کردند با بهره‌برداری از فرصتی که پیش آمده، توجه میلیون‌ها هم‌میهن ما را از حیاتی‌ترین مسایل امروز انقلاب به‌جای دیگری معطوف سازند.

رئیس جمهور که هیجان‌زده شده بود، بدون آنکه به عواقبی که شیوه برخورد او در کل جامعه به‌جای می‌گذارد، توجه کند، بدون آن که به نتایج شیوه عمل خود در جنبه‌های مقاومت و در عرصه‌های مختلف حیات انقلاب التفات داشته باشد، دستور حمله به کسانی که سنگ پرتاب می‌کردند و شعار می‌دادند صادر کرد و مجاهدین خلق به پیروی از دستور رئیس جمهور بی‌درنگ وارد عمل شدند و نشان دادند که در

ان بود که در تمام نطق آقای رئیس جمهور و در جریان همه شعارهایی که داده شد هیچ صحبتی و شعاری از امپریالیسم و مبارزه ضد امپریالیستی به میان نیامد. رئیس جمهور هیچ اشاره‌ای به دردهای مردم زحمتکشی که به قول خود او، به ریاست جمهوری انتخابش کرده‌اند نکرد. مسایل و دشواری‌های گوناگون کارگران، مسئله دهقانان که در راس آن خواست آنان مبنی بر اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی است و دهها مسئله حیاتی انقلاب، نه تنها در سخنان رئیس جمهور جای نداشت، بلکه او زیرکانه کوشید توجه مردم را به این مسایل اساسی انقلاب که مرگ و زندگی انقلاب در گرو حل آنها است، به‌جای دیگری متوجه سازد. چنین کاری قطعاً مورد حمایت سرمایه‌داران و تجار و زمینداران بزرگ است. در تمامی سخنان رئیس جمهور مثل اغلب سخنرانی‌های ماه‌های اخیر او، هر چه بگردد، هرگز حرفی و اشارتی پیدا نمی‌شود که باعث رنجش خاطر سرمایه‌داران، تجار بزرگ، زمینداران بزرگ، روحانیون مرتجع، لیبرال‌ها و دیگر مخالفان انقلاب شود.

سازمان مجاهدین خلق نیز که در تراکت دعوت به میتینگ اعلام داشته بود برای وحدت و مبارزه علیه امپریالیسم در میتینگ شرکت می‌کند، طبق النعل به النعل مثل رئیس جمهور، مثل نهضت آزادی و دیگر شرکت‌کنندگان در میتینگ عمل کرد و در تمامی شعارهایی که در جریان میتینگ و چه پس از آن در خیابان‌ها تکرار کرد، اثری از جهت‌گیری علیه امپریالیسم و یا طرح خواست‌های زحمتکشان به چشم نمی‌خورد. گویی به‌خاطر حفظ "وحدت" (وحدت با بنی‌صدری‌ها، لیبرال‌ها و غیره) تکرار این شعار صلاح نبود و این البته حقیقتی است که حفظ "وحدت" با آن نیروها قطعاً با مبارزه ضد امپریالیستی و با طرح خواست‌های توده‌ها جور در نمی‌آید.

بهره‌برداری زیرکانه رئیس جمهور از انحصارطلبی‌های سیاسی و تکنظری‌های نیروهای خط امام

بارها گفته‌ایم که نادیده گرفتن حقوق دمکراتیک توده‌ها از جمله آزادی‌های سیاسی، بیشترین فرصت را برای بهره‌برداری نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری پدید آورده است. حمله به اجتماعات، حمله به کتابفروشی‌ها، انواع شیوه‌های تهدید و ارباب و ترور که در برخی مناطق ایران مثل خرم‌آباد، کرمان، کرمانشاه، آذربایجان، شمال و غیره تکان دهنده‌ترین نمونه‌های آن را شاهد بوده‌ایم، ضرباتی مهلک بر وحدت مردم و حیثیت و اعتبار انقلاب وارد ساخته و می‌سازد و موجب بیشترین بهره‌برداری نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری و همه مخالفان دوآتشه تداوم انقلاب می‌گردد. از آنجا که این شیوه‌ها مدت‌ها است از جانب برخی محافظ خط امام مورد حمایت بوده است،

کشمکش جنبه نیروهای مخالف خط امام که بنی‌صدر در راس آن است، با نیروهای موسوم به خط امام دم به دم شدت و حدت بیشتری می‌گیرد. این کشمکش که در ماه‌های گذشته تحت تاثیر جنگ ایران و عراق و رهنمودهای مصلحت‌اندیشانه آیت‌الله خمینی با همه حدت و شدت آن به درگیری‌های خشونت‌آمیز وسیع نینجامیده است، در روزهای آتی به‌ویژه در صورت پایان گرفتن جنگ می‌تواند به رویارویی حتی قطعی و نهایی میان نیروهای خط امام و نیروهای مخالف گسترش انقلاب منجر شود. حوادث ۱۴ اسفند در دانشگاه تهران و پی‌آمدهای آن که با تشنجات گسترده در سراسر میهن و با بیانیه‌ها و اعلامیه‌های محافظ و عناصر طرفین همراه بوده است، بیانگر عمق و گستردگی تضاد میان این دو نیرو و همچنین بیانگر آغاز مرحله جدیدی در عمق و گسترش این تضاد است.

رئیس جمهور از هفته‌ها پیش برای روز ۱۴ اسفند، که روز درگذشت دکتر محمد مصدق رهبر نهضت ملی است، اعلام میتینگ کرده بود. سازمان مجاهدین خلق ایران، نهضت آزادی، جنبه ملی، جاما و گروهک. سه‌جانبی به‌طور رسمی هواداران خود را به شرکت در این میتینگ فراخوانده بودند، برخی گروه‌های چپ‌رو نیز بطور غیررسمی در میتینگ حضور داشتند. با این همه کل جمعیتی که در دانشگاه حضور یافت، به‌سختی به رقم صد هزار نفر می‌رسید و این خود رویدادی است در خور تعمق و نشان می‌دهد که الف: با همه تلاشی که این جنبه برای بسیج نیرو و جلب مردم کرده است با وجود آن که زمینه‌های وسیع رشد نارضایی توده فراهم بوده و بنی‌صدری‌ها تا اندازه‌ای رشد کرده‌اند، اما اغلب مردم دارای آن اندازه آگاهی سیاسی هستند که دریابند این جنبه نه در جهت خواست آنان که خلاف مصالح و منافع توده‌های زحمتکش مردم و انقلاب حرکت می‌کند

ب: اگر توجه کنیم که در گذشته سازمان مجاهدین به‌تنهایی می‌توانست بیش از کل نیرویی که به دعوت آقای رئیس جمهور و ۵ جریان سیاسی از جمله مجاهدین، روز ۱۴ اسفند در دانشگاه گرد آمد، بسیج کند درمی‌یابیم که سیاست انحرافی سازمان مجاهدین که عمدتاً در پی گردآوری نیرو از هر ماهیت طبقاتی بوده است، حتی در زمینه این هدف نادرست خود نیز موفق نبوده است. و این خود می‌تواند بیانگر آن باشد که بخش مهمی از نیروهایی که از سازمان مجاهدین حمایت می‌کردند، آگاهانه تصمیم گرفته‌اند، به‌راهی که لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها می‌خواهند، به راهی که خلاف آرمان انقلابی حنیف‌نژادها و رضایی‌های شهید است، به راهی که مخالف انقلاب و طبقاً مورد حمایت جنبه سرمایه‌داران است، نروند. چه خوب است که این خود درسی باشد برای رهبری و کادرهای سازمان مجاهدین و آنان را به تامل جدی در حقانیت راهی که در پیش گرفته‌اند، وادارد.

یکی از بارزترین ویژگی‌های میتینگ ۱۴ اسفند

نیمه از صفحه ۲

### آقای رئیس جمهور...

کمال تاسف سازمان سیاسی خود را در حد گارد ضربت رئیس جمهور تنزل داده‌اند. گارد ویژه رئیس جمهور نیز وارد عمل شد و نتیجتاً مقابله به مثل مجاهدین و گارد ویژه رئیس جمهور دامنه درگیری را به شدت گسترش داد و درست در بحبوحه همین درگیری‌ها در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر رادیو صهیونیستی تل‌آویو با خوشحالی برنامه خود را قطع کرد و خبر درگیری و تشنج در دانشگاه تهران را پخش نمود. راستی اگر پدیده حمله به اجتماعات، حمله به کتابفروشی‌ها و شیوه‌های تهدید و ارباب و ترور وجود نداشت اگر آزادی‌های سیاسی به گونه‌ای که در قانون اساسی از آن سخن رفته است به رسمیت شناخته می‌شد و اگر نیروهای خط‌امام با قاطعیت علیه این پدیده موضع می‌گرفتند، آقای رئیس جمهور چه چیزی برای پیشبرد سیاست خود و تضعیف نیروهای خط‌امام در چنته داشت؟

امروز جوهر سیاست آقای رئیس جمهور، جبهه ملی، سه‌جبهانی‌ها و نهضت‌آزادی، خلاصه می‌شود در تلاش برای گسترش رابطه با امپریالیست‌ها، جلوگیری از گسترش روابط با دول ترقیخواه و مدافع استقلال و آزادی میهن ما دشمنی با کشورهای سوسیالیستی جهان، مخالفت با خواسته‌های اساسی زحمتکشان مثل

ملی‌کردن صنایع، ملی‌کردن تجارت خارجی اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی و غیره، و از همین رو است که آقای رئیس جمهور و متحدان او جملگی مورد حمایت تجار بزرگ بازار، سرمایه‌داران لیبرال، زمینداران بزرگ و بطور کلی بقایای رژیم گذشته هستند. اما در کمال تاسف پدیده حمله به اجتماعات، تهدید و ارباب و ترور و محدود کردن آزادی‌های سیاسی دقیقاً وسیله‌های شده است که آقای رئیس جمهور و متحدان او جوهر سیاست خود را که مغایر منافع و مصالح توده‌ها و انقلاب ایران است، از چشم مردم پنهان سازند و دعوای خود را با نیروهای خط‌امام دعوای به اصطلاح طرفداران آزادی با مخالفان آن جلوه دهند. از این رو است که قطعاً آقای رئیس جمهور و یاران او در عمق ضمیر خود نباید از پدیده چماقداری و از این قبیل ناراضی باشند. چرا که از آن بهره برداری می‌کنند و به ریش کسانی که ناآگاهانه و ناشیانه به شیوه‌ای که در دانشگاه شاهد آن بودیم به جنگ رئیس جمهور می‌روند، می‌خندند! از این رو است که هر نیروی انقلابی باید به ماهیت عناصر و محافظی که از این پدیده حمایت می‌کنند شک کند و همچنین باید تاکید شود که هرگونه مامشات خط‌امام در برابر این پدیده مشخصاً و همانگونه که تاکنون بارها به اثبات رسیده، در خدمت نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری قرار می‌گیرد.

راه افشای سیاست‌هایی که می‌خواهند با نزدیک ساختن ایران با امپریالیست‌ها و جلوگیری از اقدامات اساسی داخلی، انقلاب را به شکست کشانند، این نیست که به مصدق که یک دوره از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما را رهبری کرده و مورد علاقه توده‌های مردم است توهین شود، این نیست که به اجتماعات حمله شود، شیوه‌های توهین، تهدید و ارباب در پیش گرفته شود و غیره، چنین شیوه‌ای درست به تقویت آن سیاست منجر می‌شود و در خدمت آن قرار می‌گیرد. از دیدگاه هر فرد مبارز

و انقلابی و هر نیروی سیاسی مردمی، چنین شیوه‌هایی قویاً محکوم است. و باز از همین رو است که باید تاکید کنیم کسانی که چنیین شیوه‌هایی را به کار می‌گیرند، یا ناآگاهند یا مشکوک. به‌ویژه که امروز دیگر اثرات مخرب این شیوه‌های ضد انقلابی بر همگان معلوم شده است. شیوه‌عمل رئیس جمهور که کوشید همه توجه مردم ایران را به حوادث دانشگاه جلب کند، ادامه همان سیاست‌های گذشته رئیس‌جمهور و سیاست‌گذشته و جاری‌روزنامه انقلاب اسلامی، سه‌جبهانی‌ها و دیگر متحدان آنان است. سیاستی که زیر پوشش مخالفت با چماقداری و دفاع از آزادی‌های سیاسی، از یکسو سیاست سازش با امپریالیست‌های اروپائی و ژاپنی و دشمنی با دول ترقیخواه جهان را تبلیغ می‌کند و حل مسائل اساسی انقلاب و زحمتکشان را که در قطع دست امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته به آن است، بی‌پاسخ می‌گذارد و از سوی دیگر زیر پوشش حمله به "بدترین" پدیده‌ها و عناصر، "بهترین" نهادهای جمهوری اسلامی مثل بسیج، مجلس، سپاه پاسداران و حتی من غیر مستقیم خود شخص آیت‌الله خمینی را زیر ضرب می‌گیرد.

حوادث دانشگاه بار دیگر نشان داد که نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری ایران و همه متحدان ریز و درشت آنها بر آنند به‌همسر وسیله‌های شده، نیروهای خط‌امام را تضعیف کرده و سیاست نزدیکی با امپریالیست‌ها را در حکومت غالب سازند. سخنان بنی‌صدر و مجموعه حوادثی که در دانشگاه اتفاق افتاد، درست مثل اجرای نمایشنامه‌ای بود که قصد نویسنده، کارگردان و بازیگران آن همگی کاستن از حیثیت خط‌امام و تضعیف نهادهای انقلابی و خریدن اعتبار و حیثیت برای نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری بود. همه اجزای این نمایش از بنی‌صدر گرفته تا طرفداران او و همچنین مخالفان دو آتشه که در نقش چماقدار ظاهر شدند و رشیدی نماینده مجلس که با ظاهر شدن در این نقش که در تخصص اوست به حیثیت مجلس آسیب جدی رسانده است، در همین راستا عمل کردند (رشیدی همان کسی است که در آبادان در رأس چماقداران، در زمان حکومت موقت به دفتر سازمان حمله کرد) همه آنها شرایطی ایجاد کردند که برای پیشبرد سیاست نمایندگان سرمایه‌داری لازم است.

ما امروز باید برای آن عده از زحمتکشانی که ماهیت سیاست‌های بنی‌صدر و یاران او را درک نکرده و همچنان به او دل بسته‌اند، توضیح دهیم که چرا بنی‌صدر که این همه دم از آزادی می‌زند در برابر مهم‌ترین مسائل اساسی زحمتکشان مثل بند "ج" اصلاحات ارضی، عدم اجرای سیاست ملی‌کردن تجارت خارجی ملی کردن صنایع و غیره، که استقلال و آزادی ایران در گرو آن است، زیرکانه سکوت می‌کند و حتی می‌کوشد توجه مردم به این مسائل جلب نشود.

رئیس جمهور در شرایطی که میهن ما در جنگ مقاومت علیه رژیم تجاوزکار صدام و حامیان مرتجع و امپریالیست آن درگیر است، در شرایطی که توطئه‌های همه‌جانبه امپریالیسم برای شکست انقلاب ایران، پیرامون مرزهای ایران و در درون آن به اجرا گذاشته می‌شوند، در شرایطی که حساسیت امروز در دانشگاه چنان برخورد کرد که قطعاً حاصل چنین کاری می‌تواند تضعیف نیروهای مقاومت ایران در جبهه و تقویت صفوف دشمنان انقلاب باشد.

این برخورد رئیس جمهور در سراسر ایران مورد حمایت سرمایه‌داران، زمینداران بزرگ و تجار بزرگ قرار گرفت که این خود باید برای

آن دسته از زحمتکشان ما که هنوز از ماهیت سیاست آقای رئیس جمهور مطلع نیستند، درسی آموزنده باشد. مردم اینک بیش از پیش به این صرافت می‌افتند که از خود بیرسند چرا دشمنان طبقاتی آنها از آقای رئیس جمهور حمایت می‌کنند؟ نمونه بارز آن، برخورد‌های بازار تهران است. (در بازار تهران برخی صاحبان زرگری‌ها که سرمایه‌دار هستند، به طرفداری از بنی‌صدر با کفاشان و بزازان که در زمره کسبه و پیشه‌ورانند و از خط‌امام حمایت می‌کنند، درگیر شدند. چنین حوادثی در برخی از نقاط دیگر ایران نیز رخ داده است) مردم از خود می‌پرسند چرا صاحبان صنایع و کارفرمایان از رئیس جمهور حمایت می‌کنند؟ چرا روحانیون سازشکار و ضد اصلاحات ارضی، چرا روحانیون طرفدار سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ از آقای رئیس جمهور حمایت می‌کنند؟ چرا خان‌های گردن کلفت از آقای رئیس جمهور حمایت می‌کنند؟ چرا دول غربی از آقای رئیس جمهور حمایت می‌کنند؟ چرا آقای رئیس جمهور همواره می‌کوشد مردم به ریشه‌گرانی، بیگاری، کمبود مسکن و همه‌رنج‌های دیگرشان که همان سرمایه‌داری ایران و وابستگی آن به امپریالیست‌هاست، توجه نکنند؟ و در پاسخ به همین چراهاست که مردم به تدریج درخواست یافت که چرا آقای رئیس جمهور از پدیده ضد انقلابی چماقداری که به حق مورد تنفر توده‌های مردم است چماقی ساخته است برای کوبیدن خط‌امام و دیگر نیروهای ضد امپریالیست و در جهت پیشبرد سیاست‌های خود.

اما مهم‌ترین مسئله امروز انقلاب ما آن است که با سیاست آقای رئیس جمهور و بطور کلی با سیاست نمایندگان سرمایه‌داری و متحدان آنها چگونه باید برخورد کرد؟ چگونه می‌توان مردم را از حمایت آنها بر حذر داشت و از غلبه خط سازش در حکومت جلوگیری کرد؟

به اعتقاد ما فقط یک راه وجود دارد که اگر طی شود نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری منزوی خواهند شد و انقلاب تداوم خواهد یافت و اگر طی نشود انقلاب در خطر شکست قرار خواهد گرفت. این راه کدام است؟

همان‌گونه که بارها گفته‌ایم، پاسخگویی به نیازهای اساسی انقلاب، تنها راه تداوم انقلاب، تقویت جبهه انقلاب و تضعیف خط سازش است.

ملی‌کردن صنایع و تجارت خارجی، اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی، احقاق خواسته‌های دمکراتیک توده‌ها از جمله احترام به آزادی‌های سیاسی و پایان دادن به چماقداری و همه شیوه‌های مغایر با آزادی مردم و طرد انحصار طلبی‌های سیاسی، احترام به آزادی عقیده، شغل و مذهب مردم، حل عادلانه مسئله کردستان، اتخاذ سیاست خارجی منطبق با مصالح انقلاب که قطعاً ضامن تداوم و پیروزی انقلاب ما است، و ارائه برنامه‌ای که بتواند هدف‌های فوق را به اجرا درآورد و اعتماد توده‌ها را برانگیزد و تلاش در جهت وجدت همه نیروهای وفادار به انقلاب، قطعاً می‌تواند ماهیت نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری را برای مردم روشن سازد، مردم را به انقلاب امیدوار گرداند و میلیون‌ها توده مبارز و زحمتکش را به حمایت فعال و جانبازان از انقلاب وادارد.

هرگونه تعلل در جهت تحقق هدف‌های فوق، هرگونه محدودیت آزادی سیاسی نیروهای مردمی و هرگونه مامشات در برابر شیوه‌های ارباب و ترور تنها، همان بستری را فراهم می‌سازد که مخالفان تداوم انقلاب بر آن رشد می‌کنند. و از همین رو قطعاً باید با مخالفت همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست مواجه گردد.

## از یادداشت‌های فدائیان خلق در جبهه‌های جنگ

# سرود پیروزی در ارتفاعات میمک

● سراسر ارتفاعات به وسیله دشمن سیم‌خاردار کشیده شده بود و مهاجمین تجاوزگر با اجدات سنگرهای بتونی و ایجاد میدان‌های مین تمام ارتفاعات را در اختیار خود گرفته بودند. نگهبانان عراقی در سراسر منطقه پاسداری می‌دادند. دشمن با استحکاماتش که برپا نموده بود، مثل موش‌هایی ترسو در قسمت عقب منطقه تجمع کرده و در زیر زمین‌های مجهز به انواع وسایل و لوازم زندگی پنهان شده بودند. آنها هیچگاه تصور نمی‌کردند که نیروهای ایرانی جرات یک قدم پیشروی را به خود بدهند. آنها چهار هزار مین در ارتفاعات "میمک" کار گذاشته بودند طوری که امکان تک‌جبهه‌ای، یعنی حمله از روبرو برای نیروهای خودی وجود نداشت. در واقع هرگونه حرکتی جهت حمله از روبرو چیزی جز خودکشی نبود.

به همین خاطر فرمانده انقلابی عملیات این جبهه تاکتیکی جدید و قابل تحسین را بکار گرفت. فرمانده عملیات، محور حرکتش را بر غافلگیری دشمن گذاشته بود.

راس ساعت ۴/۵ با ممداد یکی از روزهای دی ماه، دو دسته ۲۵۰ نفری مرکب از ارتش، بسیج و سپاه حمله را آغاز نمودند.

توپخانه خودی از ساعت ۳ با ممداد همان روز، جهنمی از آتش روی مواضع دشمن بپا کرده بود. و با این حمایت آتش توپخانه خودی نیروهای ایرانی به پیشروی خود ادامه می‌دادند. به علت عدم امکان حمله از روبرو، فرمانده انقلابی عملیات طرح ریزی کرده بود که از یک سو نیروهای پیاده از پشت جبهه، دشمن را مورد حمله قرار دهند و از سوی دیگر همزمان با این حمله نیروهای زرهی با سبک‌پا کردن میادین مین و

برداشتن موانع به سمت ارتفاعات مورد نظر شروع به پیشروی نمایند.

تا یک روز قبل از اجرای این نقشه، هیچکدام از واحدهای مستقر در جبهه از این عملیات اطلاعی نداشتند. این مسئله از یک سو ناشی از رعایت مسائل امنیتی و از سوی دیگر ناشی از تضاد سرهنگ باوندپور فرمانده لشکر با فرمانده انقلابی عملیات بود. فرمانده عملیات فردی مبین پرست قاطع و یکی از پرسنل انقلابی ارتش بود، اما سرهنگ باوندپور که از فرماندهان بنی‌صدری است دائم در تلاش تهیه مدارکی بود که فرمانده عملیات را به علت آنکه خارج از "باند" وی بود، از فرماندهی این ناحیه برکنار نماید.

به همین دلیل فرمانده عملیات بدون اینکه فرماندهان بنی‌صدری را در جریان بگذارد از یک‌ماه قبل از روز حمله، طبق یک نقشه کاملاً دقیق و حساب شده، هر شب یک دسته ۴۰-۳۰ نفری از سربازان گروهان را به عنوان گروه شناسایی به مسیری می‌برد، که همان مسیر حمله بود. فرمانده بی‌آنکه گروه را در جریان طرح بگذارد، بطور غیر مستقیم موارد و مراحل طرح را با آنها تمرین کرده و آموزش‌های ضروری را به آنها داده بود. هر گروه شناسایی در هر شب مقدار قابل توجهی مهمات با خود حمل می‌کردند و آنها را در محلی در پشت جبهه نیروهای عراقی می‌گذاشتند مراحل اولیه طرح آنچنان موفقیت‌آمیز پیش رفته بود که این گروه‌ها حتی جهت تسهیل در امر ارتباط‌گیری پشت جبهه واحدهای عراقی را نیز سیم تلفن کشیده بودند.

صرف ارتفاعات "میمک" از اهمیت خاصی برخوردار بود. تا آن موقع صدها سرباز دلاور ایرانی در آن

ارتفاع به شهادت رسیده بودند. برای همین قبل از شروع حمله فرمانده عملیات ۱۰ نفر از سربازانی را که از خدمه آر. پی. چی. بودند، صدا زده و در برابر راننده تانک‌ها به آنها گفت که: "شما ۱۰ نفر فقط یک مأموریت دارید، آنهم این است که، اگر هر کدام از تانک‌های خودی بدون دستور یک‌قدم عقب‌نشینی کردند درجا آنها را نابود کنید"

موقعی که نیروهای خودی بالای سر نیروهای عراقی رسیدند، دشمن هنوز در خواب بود. در اولین حمله ۱۰۰ نفر از نیروهای عراقی اسیر شده و بقیه عراقی‌هایی که ارتفاعات "میمک" را اشغال کرده بودند یا ازپا درآمده و یا از جنگ نیروهای خودی گریختند.

همینکه نیروهای خودی ارتفاعات "میمک" را به تصرف خود درآوردند، و آنجا را از وجود متجاوزین پاک کردند، نیروهای عراقی دست به ضدحمله‌ای گسترده زدند. برای عقب نشاندن مجدد نیروهای مهاجم فرمانده عملیات به هلی‌کوپترهای ایرانی دستور درهم کوبیدن تانک‌های آنها را داد. هلی‌کوپترها بلافاصله به پرواز درآمده و با قهرمانی تمام، حدود ۳۰-۲۰ تانک عراقی را نابود کردند. سپس به کمک واحدهای زرهی، واحد پاتک کننده (ضدحمله) دشمن را درهم کوبیده و ۳۶ تانک دشمن را سالم به تصرف درآوردند. در همان حال که نیروهای خودی مشغول درهم کوبیدن آخرین حرکات واحد پاتک کننده دشمن بودند، ۸ تانک عراقی از فرصت استفاده کرده و منطقه را دور زده و قصد داشتند با بکار گرفتن همان تاکتیکی که فرمانده عملیات بکار گرفته بود، نیروهای خودی را غافلگیر کرده و از پا درآورند. درست همزمان با حرکت تانک‌های عراقی یک سرباز

هوشیار دیده‌بانی که منطقه را زیر نظر داشت به حضور تانک‌های دشمن در پشت جبهه خودی پی‌برده و فرمانده را در جریان گذاشت اما از آنجایی که در طرح، احتمال چنین مساله‌ای را پیش‌بینی نکرده بودند، طبعاً نیرویی نیز برای دفاع و مقابله با آن در نظر گرفته نشده بود. حضور تانک‌های عراقی در پشت جبهه خودی سربازها را به شدت نگران کرده بود تا اینکه با از خود گذشتگی و جانبازی یک درجه‌دار و سه سرباز این خطر حتمی هم برطرف گردید این چهار نفر با فداکاری بی نظیری با آر. پی. چی. به مقابله تانک‌های دشمن رفتند نگرانی در میان نیروهای خودی موج می‌زد که آنها پس از نابود نمودن هر ۸ تانک عراقی سالم و افتخار آفرین به دسته خود بازگشتند.

و بدین ترتیب با نقشه ماهرانه فرمانده انقلابی عملیات و جانبازی سربازان و درجه‌داران ارتفاعات "میمک"، یعنی جایی که به قتلگاه سربازان ایرانی تبدیل شده بود به تصرف درآمد.

از یادداشت‌های فدائیان خلق سرباز منقضی خدمت ۵۶

**زحمتکشان، سازندگان واقعی زندگی آینده‌اند**

خاطره روزهای شلوغ و پرهیاهوی گذشته را به یاد می‌آورند

در حالی که اسلحه‌ای را بر پشت حمایل کرده‌ام، بر دوچرخه‌ای سوار شده و رکاب زنان در خیابان‌های شهر به گردش در می‌آیم. بر اثر ترکش خمپاره‌ها بیشتر آسفالت خیابان‌ها ترک برداشته است. در یکی از خیابان‌ها کارگران مشغول تعمیر آسفالت وسط جاده هستند.

سلام، خسته نباشید.

کارگران با شادمانی جواب می‌دهند: "زنده‌باشی سرباز زنده‌باشی..."

در بازار گروهی از مردم شهر، در حال خرید مایحتاج روزانه خود هستند. این روزها زنان زحمتکش عرب تامین کننده اصلی مایحتاج مردم هستند. از آن همه تاجر و سرمایه‌دار و فروشنده عمده‌ای که تا چند ماه پیش تمام بازار را قبضه کرده و زنان دست‌فروش عرب را از جلوی در دکانشان کنار می‌زدند، خبری نیست.

حالا زنان زحمتکش عرب هر روز صبح در حالی که بارشان را بر سر گذاشته‌اند، با پای برهنه به سوی بازار می‌آیند آنها در کنار رودخانه بهمنشیر درفاصله چند کیلومتری با جبهه در حالی که هیچگونه حفاظ امنیتی ندارند، زندگی می‌کنند. بر اثر شلیک مداوم توپخانه متجاوزان مزدور، هر روز چند تن از آنها به شهادت می‌رسند.

"یوما" \* یکی از زنان پیرو زحمتکش عرب‌است که برای دستفروشی هر روز صبح زود همراه زنان دیگر به بازار می‌آید. حالا تقریباً همه آنها بی‌سایه که صبح به صبح به بازار شهر می‌آیند، "یوما" را می‌شناسند.

"یوما تازه چه خبر؟!"

\* - یوما: به عربی به معنی مادر است.

بقیه در صفحه ۲۵

## مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

## با انقلاب یاعلیه انقلاب

حلال زاده!

● علیرغم رنگ و لعاب دمکراسی و آزادی - خواهی، تحریف واقعیت، دروغ، سکوت مصلحتی و اعمال نظر، سیاست رایج و حاکم در رسانه‌های گروهی غرب است. در این میان رادیو تلویزیون امپریالیسم مهربان! فرانسه، قبله و مدینه فاضله دمکراسی برای روشنفکران شیفته غرب، گوی سبقت را از رقبای خود ربوده است. در تاریخ سه‌شنبه ۲۸ بهمن، ۱۵ نفر از سلطنت طلبان مقیم پاریس زیر پل میرابو، دست به تظاهرات زده و خواهان قطع رابطه سیاسی فرانسه با ایران می‌شوند و رادیو - تلویزیون فرانسه با سعه صدر کامل! این تظاهرات را منعکس می‌کند. همین رادیو تلویزیون اما تظاهرات چندصد نفره دانشجویان ایرانی مقیم پاریس را در اعتراض به فروش میراژ به رژیم مرتجع صدام زیرگوشی در می‌کند و از یاد می‌برد!

رسانه مطبوعاتی بورژوازی لیبرال ایران، میزان-با به کار بستن همین شیوه‌رادیو-تلویزیون فرانسه حلال‌زادگی خود را به اثبات رسانده است. جریان از این قرار است که در لس‌آنجلس آمریکا عده‌ای از سلطنت‌طلبان با حمایت مقامات محلی به طرفداری از بازگشت رژیم پادشاهی در ایران تظاهراتی برپا می‌کنند. گروهی از دانشجویان مسلمان به افشاء این حرکت می‌پردازند که در نتیجه زد و خورد و درگیری می‌شود. دیری نمی‌گذرد که گروه سوم یعنی دانشجویان هوادار سازمان "اکثریت" به حمایت از دانشجویان مسلمان وارد معرکه می‌شوند و زد و خورد نزدیک به چهار ساعت ادامه می‌یابد. برخورد مشحون از تقوای اسلامی! روزنامه میزان با این خبر چیزی از کار رادیو - تلویزیون فرانسه کم ندارد. روزنامه میزان پس از نقل این خبر می‌نویسد:

گروهی کمونیست در لس‌آنجلس سعی می‌کنند با حمایت، اسلام رانابود کنند. "الحق باید به تردستی لیبرالهای وطنی در تقلید از رسانه‌های گروهی مهد آزادی‌شان دست‌میزاد و به حلال‌زادگی آنها تبریک گفت!

برگزاری مراسم گرامیداشت شهیدان خلق

موقوف!

● روز دوشنبه هفته‌گذشته ۱۱ اسفند مراسم یادبوی به مناسبت سالمرگ رفقای شهید مسعود و مجید احمدزاده و بهمن آژنگ از طرف مادر شهید بهمن آژنگ در منزلی برگزار گردیده بود که با یورش ماموران کمیته به این مراسم مختل گردید. بنا به گفته طاهر احمدزاده پدر رفقا مسعود و مجید، ماموران کمیته ابتدا ۱۵ نفر از آقایان حاضر در جلسه را دستگیر کرده و سپس ۶۰ نفر بقیه را که همگی از مادران و خواهران شهدا

بوده‌اند، با استفاده از گاز اشک‌آور به کمیته جلب می‌کنند. شیوه‌هایی که ماموران کمیته در برخورد با خانواده و بستگان این شهدای خلق به کار گرفته‌اند، به هیچ‌وجه موجه نبوده و ناسپاسی و بی‌حرمتی نسبت به ابتدائی‌ترین حقوق این خانواده‌های شهیدپرور می‌باشد. مسلماً این اعمال بی‌رویه و غیرقانونی از ارزش و قدر شهدای راه استقلال و دمکراسی ایران نکاسته و ارج و اهمیت خانواده‌های شهیدپرور این فرزندان قهرمان خلق را کم نخواهد کرد، این‌گونه اعمال تنها به بی‌ابرویی و سرشکستگی مسبب آن منجر خواهد شد.

شعار ضد آمریکائی و وحدت طلبانه

به روایت مجاهدین

● سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن صدور اطلاعیه‌ای مبنی بر شرکت در مراسم میتینگ آقای بنی‌صدر به مناسبت گرامی‌داشت درگذشت دکتر محمد مصدق در روز ۱۴ اسفند در دانشگاه تهران اعلام کرده بودند که "با شعارهای وحدت طلبانه و ضد امپریالیستی (ضد امریکائی) که تنها مضمون وفاداری به آرمان‌های آن پیشوای کبیر است" در این مراسم شرکت خواهند کرد. وحدتی را که در این مراسم مجاهدین بدان توفیق یافته بودند می‌توان با بررسی نیروهای شرکت کننده در این گرامی‌داشت به آسانی دریافت. از جمله این نیروها جبهه ملی، نهضت آزادی و همچنین لانه جدید جاسوسی امریکا یعنی حزب رنجبران بوده‌اند که نیازی به معرفی ندارند و خود به اندازه کافی "می‌بویند" بدون آنکه عطار چیزی بگوید. اما در مورد شعارهای ضد امریکائی ادعائی هم باید گفت که تقریباً تنها شعارهایی بود که در این مراسم از آن نشانی نبود. آیا معنی "جبهه متحد انقلاب" مجاهدین وحدت با نیروهای این‌چنینی است؟ آیا مقابله با دشمن استراتژیک که از نظر مجاهدین امپریالیسم امریکا است، با "فراموشی" شعار مرگ بر امریکا متحقق می‌شود؟ مجاهدین در برابر این پرسش‌ها چه می‌گویند؟

پیرانه سرو عشق جوانی!

● به نظر می‌رسید چریک پیر بورژوازی ایران، مهندس بازرگان که دفتر سازشکاری‌هایش پس از اشغال سفارت و ملاقات با برژینسکی برای خلق گشوده شد، به اندازه کافی "اعتبار" کسب کرده باشد که دیگر هوس "جوانی" و فعالیت به سرش نزند اما این گمان به یقین مبدل نشد. در این اواخر "عشق جوانی" دوباره به سراغ چریک پیر آمده و فعالیت‌هایش تشدید شده‌است. او

علاوه بر سمت وکالت در مجلس و روزنامه نویسی برای میزان همپا با رئیس جمهور مرتب - سخنرانی می‌کند. ستاد برگزاری مراسم تشکیل می‌هد، در قزوین، امجدیه و اخیراً اصفهان به "ارشاد" می‌پردازد و خلاصه یک‌پارچه حرارت و شور شده است! به نظر می‌رسد این شور و عشق تازه که پس از یک دوره فترت ناشی از شوک سیاسی حاصل از اشغال سفارت و سقوط دولت موقت به جان بورژوازی لیبرال و ایضا مهندس بازرگان دمیده شده‌است بی‌ارتباط با آرزوی ریگان نباشد. ریگان گفته بود که خواهان یک دولت "منطقی" و "معقول" و "میان‌رو" است و قطعاً بازرگان بوی کباب را از فاصله دور شنیده است. جالب‌تر اینکه روزنامه کریستین ساینس مانیتور ارگان معتبر انحصارات امپریالیستی هم این جنب و جوش بازرگان را حسن استقبال کرده و گفته است "بازرگان که در ۱۶ ماه گذشته در حاشیه نشسته بود و عمداً از دخالت در امور خودداری می‌کرد، اکنون بار دیگر فعالیت سیاسی‌اش را آغاز کرده و می‌گوید نهضت آزادی ایران دیگر ساکت نخواهد نشست."

اما عدم استقبال مردم از این تجدید حیات سیاسی بدین معنی است که آقای بازرگان این بار هم از این عوام فریبی‌ها طرفی نخواهد بست!

کدام با اهمیت تر است؟!

● اخیراً تغییر و تحولات و انتصاب‌ها و برکناری‌های وسیعی در سطح نیروهای مسلح و بخصوص ارتش که آقای بنی‌صدر بالاترین مقام آن را در اختیار دارند، مشاهده می‌شود. از جمله می‌توان به برکناری سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده عملیات کردستان اشاره نمود. سپاه پاسداران همدان طی نامه‌ای به دفتر امام خمینی به این اقدام اعتراض نموده و نوشت:

"... هشدار می‌دهیم که توطئه‌ای در کار است و این عمل در حالی صورت می‌گیرد که عاملین کودتا به ارتش بازگشته و دست به کار شده‌اند..."

در همین حال خبر آزادی ۱۰ تن از عوامل کودتاگر که توسط دادگاه انقلاب ارتش صادر شده‌است، نیز در روزنامه درج شد و... این اقدامات مشکوک و نگران کننده بدین صورت در سخنان آقای عابدین‌زاده نماینده خوی در مجلس شورای اسلامی بازتاب یافت:

"در ارتش برنامه‌ریزی دقیق دارند. افسران کودتاگر را بر سر کار آورده‌اند و دلیم و شاهدیم معاونین حکومت نظامی رحیمی معدوم است. در ارتش انجمن‌های اسلامی را کنار می‌زنند، ملت بیدار باشید..."

خوب بود آقای بنی‌صدر به عنوان "فرمانده کل قوا" و کسی که قاعدتاً نباید از چنین فعل و انفعالاتی بی‌خبر باشند، در مورد برکناری‌ها و انتصابات اخیر و مسائل نگران کننده‌ای که در درون ارتش می‌گذرد و نیز در میتینگ ۱۴ اسفند خود کمی توضیح می‌دادند و "ملتی را از نگرانی نجات می‌دادند! نکند به دلیل "اهمیت" مسئله چماقداری، این‌گونه مسائل "بی‌اهمیت" از طرف آقای بنی‌صدر "فراموش" شده‌است! "

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



## اعتصاب در کارخانه کفش ملی

# بی‌اعتنائی به خواست‌های کارگران مهمترین عامل اعتصاب بود

این زمینه تشنج را همچنان حفظ نموده است. اعتصاب فوق‌الذکر که بر زمینه مشکلات اقتصادی کارگران شکل گرفته است، صرف نظر از این عامل عینی، از عوامل موثر دیگری نیز ناشی شده است که عمدتاً از این قرار می‌باشند:

۱- عدم اتکای مدیریت به توده کارگران و شورای مرکزی کفش ملی و اتکای صرف آن به انجمن اسلامی  
۲- تحریکات و تبلیغات سوء عناصر به اصطلاح چپ‌رو که تنها به اتکای مطالبات صنفی کارگران حرکت می‌کنند و خواسته و ناخواسته آب به آسیاب لیبرالها می‌ریزند.  
۳- تحریکات عوامل بنی‌صدری و لیبرال که با مستمسک قراردادن مطالبات و حقوق صنفی کارگران دامنه نارضائیه‌های توده کارگران را به نحوی توطئه‌گرانه گسترش می‌دهند.

علاوه بر این عوامل، در ارزیابی این اعتصاب باید به دو نکته دیگر نیز توجه داشت یکی برخورد تنگ‌نظرانه انجمن اسلامی کفش ملی است و دیگری عدم احساس مسئولیت لازم توسط نمایندگان شورای مرکزی به هنگام گسترش اعتراضات. برای روشن‌تر شدن اهمیت این نکات ضروریست اشاره‌ای مختصر به کم و کیف رابطه میان انجمن اسلامی و شورا در کفش ملی بنمائیم:

هنگامی که مدیریت سابق که ضدانقلابی بوده و عوامل مزدور (ایروانی) سرمایه‌دار فراری) در راس کار بودند، انجمن اسلامی در کنار شورای مرکزی علیه این مدیریت مبارزه‌ای مشترک را چه در افشای ساواکی‌ها و چه در افشای اخلاص‌گری‌های مدیران به پیش می‌برد. از هنگامی

داد به نحوی که شورای مرکزی در واحدهای مختلف همه کارخانجات کفش ملی بطور همزمان به عنوان اعتراض و باشعار آزادی‌نمایندگان شورا، دست از کار می‌کشند. این اعتصاب تا عصر چهارشنبه ادامه می‌یابد.

در عصر چهارشنبه اغلب کارگران معترض کارخانه را ترک کرده و به خانه‌هایشان می‌روند ولی در حدود ۵۰۰ تن از آنها تحت تاثیر تبلیغات محرکین ادامه اعتصاب، در اسماعیل‌آباد متحصن می‌شوند. این افراد ۳ یا ۴ مدیر را نیز گروگان گرفته و نگه‌می‌دارند. به دنبال این تحصن و گروگان‌گیری، افراد کمیته یا گاز اشک‌آور به آنها حمله کرده و درصدد متفرق کردن متحصنین و آزاد کردن مدیران برمی‌آیند. پس از این حمله فردی به نام فرودی که از مزدوران رژیم گذشته بود، به کمک افراد کمیته‌های آمده و افراد معترض را شناسائی می‌نماید که به دنبال آن متجاوز از ۸۰ نفر دستگیر می‌شوند. بدین ترتیب اعتصاب روز چهارشنبه نیز پایان می‌گیرد. پس از چهارشنبه به تدریج عده‌ای از کارگران و نمایندگان‌شان آزاد می‌شوند، پرداخت سود ویژه (پاداش سالانه) نیز موقتاً مسکوت می‌ماند و از شبه کارگران بر سر کار خود باز می‌گردند. ولی زمینه اعتراض به واسطه تحریکات متقابل و ناروشن بودن نحوه پرداخت پاداش سالانه هنوز برطرف نشده است. عدم توجه مسئولان مدیریت نسبت به خواسته‌های صنفی کارگران و مهم‌تر از آن، دستگیری تحریک‌آمیز نمایندگان شورای مرکزی،

می‌زند و با دادن شعارهایی علیه آنها، موجبات درگیری و زدوخورد میان کارگران و مدیریت و انجمن اسلامی را فراهم می‌آورد. کارگران تحریک‌شده مدیران مکتبی را با شعار "این است شعار ملی نه سود داریم نه عیدی" درصدد تعطیل کردن سایر واحدها برمی‌آیند. ولی کارگران دیگر و احدها به این تحریکات توجهی ننموده و به کار خود ادامه می‌دهند. کارگران اعتصابی که در حدود ۱۰۰۰ نفر بودند به طرف آملی‌تئاتر می‌روند و می‌خواهند با اعضای شورای مرکزی صحبت کنند ولی اعضای شورا بدون آنکه اهمیت مسئله را درک‌کنند به مذاکرات خودبا هیئت مدیره مشغول بوده و هیچ تلاش موثری جهت پاسخگویی به اعتراض کارگران و بر سر کار برگرداندن آنها نمی‌کنند. حال آنکه نمایندگان شورای مرکزی به خاطر نفوذ و اعتباری که در کارگران داشتند چنانچه برخوردی فعال و مسئولانه می‌کردند می‌توانستند دامنه اعتراضات و تحریکات را بطور جدی کاهش دهند. در اثر فشار و اصرار کارگران معترض، نمایندگان شورا در آملی‌تئاتر را باز می‌کنند و کارگران وارد جلسه شده و در آنجا نیز با افراد هیئت مدیره به زد و خورد می‌پردازند! این جو متشنج تا پایان روز سه‌شنبه به همین منوال و بدون نتیجه ادامه می‌یابد. روز چهارشنبه افراد کمیته دروازه دولاب (منطقه ۸) وارد کارخانه شده و عده‌ای از کارگران، کارمندان و نمایندگان شورای مرکزی را دستگیر می‌کنند. این حرکت تحریک‌آمیز کمیته ۸ دامنه اعتراض را وسیعاً گسترش

شورای مرکزی کفش ملی تشکیل داده بودند هیئت مدیره قول داد که پاداش نیمه دوم سال را نیز همانند نیمه اول همراه با مزایا پرداخت کند. ولی وقتی که لیست پرداختی‌های کارخانه رخشان می‌رسد کارگران با کمال تعجب می‌بینند که مزایا از آن حذف شده است. این امر اعتراض کارگران را برمی‌انگیزد. در همین حال در کارخانه استاندارد نیز کارگران از کم‌وکیف لیست حقوق مطلع می‌شوند و نسبت به آن اعتراض می‌کنند این اعتراض از آنجا که با برخوردی اصولی از جانب مدیریت روبرو نمی‌شود زمینه مساعدی فراهم می‌آورد تا برخی عناصر به اصطلاح چپ‌رو به نحوی غیر مسئولانه، کارگران را تحریک به اعتصاب کنند. به دنبال این تحریکات، کارگران دست از کار کشیده و به طرف کارخانه رخشان به راه می‌افتند. در همین حال کارگران رخشان با هیئت مدیره و شورای مرکزی کفش ملی جلسه داشتند و جلسه نیز متشنج بود. با پیوستن کارگران اعتصابی استاندارد به کارگران رخشان، مذاکرات به هم خورده و جو جلسه بیش از پیش متشنج شد.

با توجه به اینکه مدیریت فعلی کفش ملی مدیریتی تنگ‌نظر بوده و به خاطر اتکای یک‌جانبه‌اش به انجمن اسلامی و دوری‌گزیدن از شورای مرکزی، در میان کارگران از اعتبار و نفوذ چندانی برخوردار نیست، لذا به دنبال تشدید تشنج در جلسه، یکی از عناصر بنی‌صدری با استفاده از این فرصت به نحوی توطئه‌گرانه دست به تحریک کارگران علیه انجمن اسلامی و مدیریت

رو سه‌شنبه دوازدهم اسفندماه کارگران واحد استاندارد و دو واحد دیگر از واحدهای کارخانجات کفش ملی به عنوان اعتراض به کاهش میزان سودویژه (پاداش سالانه) دست به اعتصاب زدند که دو روز طول کشید. در این اعتصاب متجاوز از هزار کارگر از مجموع یازده هزار کارگر کارخانجات کفش ملی شرکت داشتند.

کارگران اعتصابی کفش ملی به میزان سودویژه‌ای که دولت تعیین کرده بود، یعنی دو ماه حقوق ثابت به اضافه مبلغ پرداختی ناشی از بهره‌وری تولید، اعتراض داشتند و خواهان پرداخت دو ماه حقوق بامزایا به علاوه میزان بهره‌وری بودند انگیزه اصلی این مطالبه، قطع نظر از فشار هزینه‌های زندگی (که در مورد همه کارگران عمومیت دارد) این مسئله خاص نیز بود که در کارخانجات کفش ملی، پاداش سالانه را همواره در دو نوبت ۶ ماهه با احتساب مزایا به کارگران می‌پرداختند کارگران نیمی از سودویژه دریافتی‌شان را در پایان ۶ ماهه اول همراه بامزایا گرفته بودند و با این تصور که پاداش نیمه دوم نیز همراه با کل مزایا خواهد بود برای دریافت آن مراجعه کردند حال آنکه وزارت کار آن بخش از مزایایی را که طی سال جاری (جدا از مقررات افزایش حقوق‌ها) توسط مدیریت کارخانه وضع شده بود به رسمیت نمی‌شناخت. در جلسه‌ای که روز سه‌شنبه، کارگران کارخانه رخشان (یکی از کارخانجات کفش ملی) به اتفاق چند تن از اعضای هیئت مدیره و نمایندگان

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



### مشکلات توانفرسای صیادان شیلات بابلسر

تنها با حمایت از صیادان زحمتکش  
است که بارآوری صید افزایش  
خواهد یافت

● صیادان شیلات ناحیه ۳ بابلسر که از "نورسر" چالوس تا "لاریم" قائم شهر به صید انواع ماهی‌های خاویار می‌پردازند، از زحمتکش‌ترین و در عین حال محروم‌ترین کارگران خطه شمال می‌باشند. آنان که در بدترین

شرایط، با وجود خطر طوفان و سرمای شدید زمستانی دریا بدون کمترین وسایل ایمنی و با ابتدائی‌ترین وسایل به صید مشغولند، خود از حداقل زندگی بی‌بهره‌اند و به علت همین شرایط طاقت - فرسای کار، زندگی‌شان

بسیار سخت کار را تا رسیدن به سن بازنشستگی تحمل کند و از کارافتاده و معلول و ناتوان نگردد. در حالیکه دولت می‌تواند با استخدام دائمی آنان، در فصل‌های غیر صید نیز از نیروی کار آنها برای پرورش ماهی، حفاظت از دریا و رودخانه، بافتن تورهای ماهیگیری و غیره استفاده کند.

از دیگر مشکلات صیادان نداشتن وسایل مجهز صیادی خصوصا قایق‌های موتوری است که این موضوع خطرات جانی فراوانی را برای صیادان به‌ویژه در هنگام طوفان دریا به همراه دارد. در حالیکه اگر وسایل ایمنی لازم و نیز قایق موتوری از جانب دولت در اختیار صیادان قرارگیرد، علاوه بر آنکه این خطرات به حداقل ممکن خواهد رسید، افزایش صید را نیز به همراه خواهد داشت. همچنین در این رابطه دولت می‌تواند قایق‌های موتوری عظیم سرمایه‌داران فراری را که در ویلاهای شمال به‌جا مانده است، مصادره کرده و در اختیار آنان قرار دهد.

رج می‌برند. این زحمتکشان اگر چه پس از پیروزی انقلاب عا برغم دشمنی و کارشکنی‌های دولت موقت و مدیران لیبرال شرکت شیلات توانسته‌اند با مبارزات پیگیر خود به یاره‌ای از خواسته‌های خویش دست یابند، ولی با این حال بسیاری از مشکلات آنان لاینحل باقی مانده است.

از مهم‌ترین مشکلات این زحمتکشان کار فصلی است. به این ترتیب که آنها فقط در فصول صید که نیمی از سال را شامل می‌شود، از شیلات حقوق دریافت داشته و نیمه دیگر سال را بیکارند. همچنین مسئله بازنشستگی بر طبق طرح طبقه‌بندی مشاغل نیز از دیگر مشکلات آنان است زیرا مطابق این طرح به علت فصلی بودن کار صید، هر دو سال کار معادل یک سال محسوب می‌شود. لذا برای بازنشسته شدن هر صیاد، حداقل باید به مدت چهار سال در سخت‌ترین شرایط به صید بپردازد تا برای او بیست سال منظور دارند. به این ترتیب کمتر صیادی می‌تواند مشکلات توانفرسا و شرایط

همواره در معرض انواع تهدیدات بوده و اغلب از درد کمر، پا، استخوان و ...

### بند (ج) اجراء باید گردد

اصلاحات ارضی و به اجرا درآوردن هرچه سریع‌تر بند "ج" و "د" دارد. کشاورزان زحمتکش میهن ما دیگر به هیچ‌وجه تحمل نخواهند کرد که بار دیگر روستاها عرصه تاخت و تاز زمینداران بزرگ و فئودال‌ها این عوامل امپریالیسم گردد.

اسلامی نوشته و خواهان اجرای بند ج اصلاحات ارضی شده‌اند. ما ضمن کلیشه این نامه‌ها بار دیگر به مقامات دولت هشدار می‌دهیم که سرنوشت انقلاب ما به میزان زیادی بستگی به پاسخگویی به خواست نزدیک به نیمی از هموطنان زحمتکش ما یعنی

"بند ج اجرا باید گردد" این شعار میلیون‌ها تن از زحمتکشان روستاهای سراسر کشور است. این بار نیز نامه‌هایی از دهقانان روستاهای شیدان اصفهان، چیچکه و کچه‌باشی ارومیه، و مقریکلا بندپی بابل به دست ما رسیده است که برای مقامات مسئول جمهوری



**تاخیر در اجرای بند (ج)  
طرح اصلاحات ارضی  
به نفع دشمنان انقلاب است**

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

به مناسبت

آغاز سوومین سال  
انتشار کار

# با گامهایی استوار در راه پیروزی نهایی انقلاب

با انتشار صدویکمین شماره نشریه "کار"، ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران "اکثریت"، سوومین سال انتشار خود را آغاز می‌کند. در ۱۰۰ شماره کار تلاش عظیم و تاریخی نسلی منعکس است که سرسخت و بی‌امان به‌پشتوانه نیروی ایمانی که در میدان‌های تیر و و در شکنجه‌گاه‌های شاه منشأ قهرمانی‌های بی‌مانندی بود. موانعی را که بر سر راه انجام وظایف و مسئولیت‌های انقلابی‌اش وجود دارد یکی پس از دیگری درهم می‌شکند تا موجودیت خود را به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر ایران که در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم بیکار می‌کند، تحکیم نماید.

یک بررسی کوتاه از ۱۰۰ شماره کار نشان می‌دهد که تا چه پایه مبارزه طبقاتی حادی که در میهن ما جاری است، در صفحات کار منعکس است. تجلی و تبلور روشن و مستقیم این مبارزه طبقاتی در کار در عین حالی که بیانگر پیوند استوار و انکارناپذیر فدائیان خلق با طبقات محروم جامعه است، گویای سهم و نقش انکارناپذیر نیروی فدائی در انقلاب ایران می‌باشد.

به اعتبار چنین خصوصیتی است که تحولات ایدئولوژیک و سیاسی نشریه کار، ارگان سازمان ما می‌باید به‌مثابه بازتاب آگاهانه مبارزه حاد طبقاتی و روند تعمیق انقلاب، مورد تحقیق و ارزیابی قرار گیرد. بازتاب آگاهانه مبارزه حاد طبقاتی نیروئی که در هر کام از پیشرفت انقلاب، این شایستگی را دارد که ضرورت‌ها و مطالبات عینی انقلاب را درک کرده و از موضع ترقیخواهانه و انقلابی با آنها روبرو شده و پاسخ‌هایی در مسیر تکامل تاریخ برای این ضرورت‌ها بیابد.

به‌این ترتیب نشریه کار نه‌تنها مبارزه طبقاتی را که توفنده و شتابان و بطور عینی در جامعه جریان دارد منعکس می‌سازد، بلکه زیر تاثیر این مبارزه طبقاتی و در پیوندی انکارناپذیر با آن، به جمع‌بند قانونمند و آگاهانه این مبارزه پرداخته و بر روند تکامل و تعمیق انقلاب ایران تاثیر — بلاواسطه می‌گذارد.

شماره‌های اولیه نشریه "کار" مبارزه طبقاتی را بیش از آنکه با اتکاء به قانونمندی‌های مبارزه طبقاتی و روند قانونمند تعمیق انقلاب بازتاب دهد، منعکس کننده هستی خودجوش و خودانگیخته آن چیزی است که وجود دارد. بازتاب این خودانگیختگی در نشریه "کار" درهم ریختگی مرز دوستان و دشمنان انقلاب و ابهام در سمت‌گیری اصلی نشریه است.

این کیفیت اولیه نشریه کار است. و نشان می‌دهد که کار هنوز با حرکت سنگین و متین مبارزه طبقاتی توده‌های میلیونی و محروم جامعه و روند سنگین پیشرفت انقلاب خود را هم‌آهنگ نکرده است از این‌رو در این دوره کار هنوز از ثبات‌سیاسی لازم برخوردار نیست. تغییرات و نوسانات سیاسی در آن بارز است، تعلیق ایدئولوژیک — سیاسی نشریه "کار" در این دوره بطور عمده انعکاس تعلیق اجتماعی نیروهای است که بیشترین خوانندگان کار را تشکیل می‌دهند.

دوره دوم نشریه کار با شماره ۳۵ آغاز می‌گردد. در این دوره که با تسخیر سفارت توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام هم‌زمان است متأثر از گسترش مبارزه طبقاتی و تعمیق انقلاب ایران که بارزترین مشخصه آن اوج‌گیری مبارزه ضد امپریالیستی و ضدلیبرالی است، نشریه "کار" قادر

می‌گردد با اتکاء به جریان حاد مبارزه طبقاتی و ضد آمریکائی تاثیرات‌نمایی در تعمیق انقلاب ایران برجای گذارد. این دوره آغاز تحولی است که طی آن سازمان بر روند اساسی انقلاب که بر بستر آن تعمیق و گسترش می‌یابد استوار می‌گردد. پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به‌مثابه آن روند اساسی، بطور همه جانبه در نشریه "کار" منعکس می‌شود.

مطالعه عینی مواضع طبقات گروه‌های اجتماعی، احزاب و شخصیت‌های سیاسی در ارتباط با منافع امپریالیسم بطور جدی‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد، این خود محصول ناگزیر آن شناخت دقیق‌تر از انقلاب، ویژگی‌های آن، دوستان و دشمنان آن است.

اتخاذ تاکتیک "افشاگری" به‌مثابه یک تاکتیک تودهای در دستور، اعتبار نیروی فدائی را در سطح توده‌های میلیونی و تمامی اقشار خلق روزافزون می‌سازد و موجب تحکیم پیوند انقلابیون کمونیست با توده‌های مردم می‌گردد.

افشای بی‌امان و قاطعانه لیبرال‌ها در نشریه "کار" در تعمیق انقلاب ایران نقش انکارناپذیری داشت و در تمیز دوستان و دشمنان انقلاب تاثیر انقلابی عظیمی برجای گذاشت. کار حتی در مساجد نیز خوانده می‌شود. تمامی نیروهای ترقیخواه و انقلابی مسلمان اسناد منتشره در "کار" را مورد استناد قرار می‌دهند، کار در این دوره اهرم قدرتمندی در دست همه اقشار خلق برای افشا و انفراد سیاستمداران سرشناس لیبرال است، برای نخستین بار صف‌های طویلی از مردم کوچه و بازار برای خرید "کار" تشکیل می‌گردد.

اگر در دوره قبل سمپاتی نسبت به سازمان با تکیه بر قهرمانی‌ها و مبارزه‌جویی‌های فدائی عامل تعیین‌کننده در جلب نیروها به نشریه "کار" بود، بطوری که عمدتاً به این اعتبار کار را می‌خواندند اکنون سیاست نشریه کار سمپاتی مردم را نسبت به سازمان برمی‌انگیزد و مردم از طریق مواضع سیاسی "کار" به سازمان جلب می‌شوند و آن را بیانگر آرمان‌ها و خواست‌هایشان می‌یابند و با آن یگانگی احساس می‌کنند.

بلوغ نسبی در زمینه درک درست‌تر از مسائل انقلاب ایران در سرمقاله کار ۵۹ تجلی یافته است. این تصادفی نبود که با این سرمقاله نیروهایی که فاقد ارتباط تودهای بودند و یا کم‌ترین ارتباط را با توده‌های مردم داشتند علیه سازمان دست به عصیان می‌زنند و این احساس به‌وجود می‌آید که نشریه "کار" با آنان بیگانه شده است. در حالی که نیروهایی که با توده‌های مردم در ارتباط بودند، عمدتاً از مواضع طرح شده در سرمقاله کار ۵۹ استقبال می‌کنند.

از شماره ۵۹ به‌بعد، کار روند استحکام و انسجام سیاسی — ایدئولوژیک را با سرعت طی می‌کند و قادر می‌گردد تناقضات و ابهامات ایدئولوژیک — سیاسی را یکی پس از دیگری برطرف کند. بطوری که می‌تواند نه‌تنها با اساسی‌ترین پدیده‌های پیچیده اجتماعی — سیاسی از جمله مسئله ملی و بحران کردستان برخورد مشخص نماید، بلکه این امکان و توانائی به‌وجود می‌آید که با پدیده‌های متنوع‌تر اجتماعی سیاسی برخورد کرده و در راستای منافع طبقه کارگر ایران و تعمیق انقلاب مردم اعلام موضع نماید.

در صفحات کار از این پس افشای پیگیر توطئه‌های

امپریالیسم — جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا جای خاص خود را می‌یابد. نیروهای وابسته به امپریالیسم و نیروهای مورد حمایت امپریالیسم بیش از پیش آماج همیشگی کار می‌شود. دفاع بی‌تزلزل و قاطع از منافع کارگران و دهقانان در متن تعمیق انقلاب ایران از مشخصه‌های بارز کار می‌گردد، اعتبار و نفوذ کار افزایش می‌یابد و به‌مثابه وجدان بیدار طبقه کارگر ایران و متحدان آن مورد توجه زحمتکشان و آگاه‌ترین محافل وابسته به اقشار مختلف خلق قرار می‌گیرد.

طی همین مرحله است که "کار" به توضیح ارتباط و پیوستگی جبهه انقلاب و ضد انقلاب در عرصه جهانی می‌پردازد. دوستان انقلاب ایران در عرصه جهانی بطور پیگیر معرفی می‌شوند و انقلاب ایران به مثابه حلقه‌ای از انقلابات جهانی علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری مورد بررسی قرار می‌گیرد. اعتقاد به سوسیالیسم به‌مثابه عالی‌ترین دستاورد بشریت ترقیخواه، تبلیغ و ترویج می‌شود و به‌مثابه سرمشق زنده و شکل تحقق یافته آرمان طبقه کارگر و همه زحمتکشان بطور پیگیر و مداوم آموزش داده می‌شود. در کار ۶۱ این اصل اساسی که برای کسب هویت کمونیستی اعلام موضع روشن و مشخص نسبت به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری ضروری است، مورد تاکید قرار می‌گیرد و در ادامه آن مبارزه دو سیستم متضاد سوسیالیسم و امپریالیسم به‌مثابه عنصر تعیین‌کننده مضمون دوران ما آموزش داده می‌شود.

پرورش نیروهای فدائی با روحیه انترناسیونالیسم بقیه در صفحه ۱۵

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا





# اتحادیه‌های کارگری در شوروی

● اتحادیه‌های کارگری بزرگترین سازمان عمومی اتحاد شوروی می‌باشند. اعضای این اتحادیه‌ها در سال ۱۹۷۹ از ۱۲۱ میلیون نفر یعنی ۹۹٪ تمامی کارگران و کارمندان و اکثریت قریب به اتفاق کشاورزان کالخوزی (در کالخوزها فقط متخصصان و کسانی که با ماشین‌آلات سر و کار دارند، مثل رانندگان تراکتور و کمباین و تعمیرکار و امثالهم می‌توانند به عضویت اتحادیه‌ها درآیند) تشکیل می‌شود. عضویت در اتحادیه‌های کارگری اجباری نیست و الحاق به آن نیز بسیار ساده و فقط با پرکردن یک برگ درخواست صورت می‌گیرد. اتحادیه‌ها براساس صنعت مربوطه، سازمان داده شده‌اند بطوری که همه کارکنان یک بنگاه بدون در نظر گرفتن شغل و حرفه‌شان عضو یک اتحادیه می‌باشند. اتحادیه‌های کارگری نه فقط عهده‌دار حفظ منافع مادی زحمتکشان می‌باشند بلکه در مدیریت تولید و اداره امور دولتی نیز شرکت می‌جویند.

در شوروی روی هم رفته ۳۰ اتحادیه کارگری (یا سندیکا) وجود دارد. تمامی ارگان‌های اتحادیه‌ها از پائین‌ترین تا بالاترین آن با رای مخفی انتخاب می‌شوند و عالی‌ترین ارگان اتحادیه‌ها کنگره می‌باشد. کنگره در هر ۵ سال لااقل یکبار منعقد می‌شود و به امور زیر می‌پردازد:

انتخاب شورای مرکزی کل اتحادیه‌ها، تصویب قوانین، طرح‌ریزی وظایف فوری و اتخاذ تدابیری برای شرکت اتحادیه‌ها در افزایش تولید و بهبود استانداردهای زندگی و ارتقاء سطح فرهنگی کارگران و کارمندان اداری.

هیچیک از قوانین مربوط به مسائل کار، دستمزد و یا شرایط زندگی و کار مردم بدون موافقت اتحادیه‌ها از تصویب نمی‌گذرد. اتحادیه‌ها بر رعایت قوانین کار، مقررات ایمنی، فعالیت بنگاه‌ها، خانه‌سازی و تقسیم و تخصیص آپارتمان‌ها کنترل دارند. آنها در مسائل مربوط به تامین خدمات فرهنگی و پزشکی برای مردم و طرح‌ریزی برنامه‌های توسعه اقتصادی ملی شرکت دارند و سیستم تامین اجتماعی دولتی را اداره می‌نمایند.

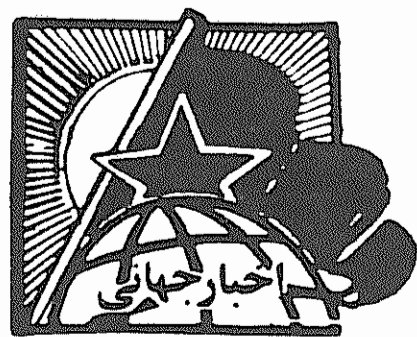
کمیته‌های اتحادیه‌ها هر ساله قراردادهای دستجمعی با مدیریت بنگاه‌ها منعقد می‌نمایند با این قراردادها تعهدات متقابل دو طرف در زمینه تولید، شرایط کار و زندگی و دستمزدها و ارتقاء مهارت کارگران را پیش‌بینی می‌نمایند. هر فرد مسئولی - از سرکارگر گرفته تا مدیر کارخانه - که مقررات کار را نقض کند و یا در رعایت شرایط قرارداد دستجمعی قصور نماید می‌تواند بنا به درخواست کمیته اتحادیه و به توسط مدیریت از کار برکنار نمود. به هنگام انتصاب افراد در پست‌های مسئول، مدیریت بایستی نظرات کمیته اتحادیه را مورد توجه قرار دهد. بدون موفقیت کمیته اتحادیه، مدیریت به هیچوجه حق برکناری یک کارگر یا کارمند و یا انتقال آنان به مشاغل دیگر ندارد. اتحادیه‌ها دارای بخش بازرسی فنی می‌باشند که اجرای دستورات آن

برای مدیریت اجباری است. بدون تصویب بازرسی شروع به کار یک بنگاه صنعتی جدید امکان پذیر نیست. بازرسی قبل از افتتاح بنگاه مراقبت به عمل می‌آورد تا وسائل آسایش لازم فراهم آمده و استانداردهای بهداشتی رعایت گردیده باشد در صورت عدم رعایت مقررات ایمنی کمیته اتحادیه می‌تواند تقاضای بستن کارگاه و یا بنگاه را بنماید.

اتحادیه‌های کارگری دارای شش انستیتوی تحقیقات حفاظت کار هستند. ۶۶۰۰۰ متخصص در بخش‌های مهندسی - ایمنی بنگاه‌ها به کار اشتغال دارند و علاوه بر آن، بازرسی فنی اتحادیه‌ها دارای ۶۰۰۰ بازرس است که ۵۰۰۰۰ نفر از فعالان آن را یاری می‌دهند.

بیمه اجتماعی توسط دولت تامین مالی شده و به وسیله اتحادیه‌های کارگری اداره می‌شود. اتحادیه‌های کارگری، دارای آسایشگاه‌های بهداشتی، استراحت‌گاه‌ها، مراکز توریستی، هتل‌های مخصوص تعطیلات، اردوگاه‌های تابستانی ویژه کودکان و امکانات ورزشی مخصوص به خود می‌باشند. علاوه اتحادیه‌های کارگری دارای ۳۴ جامعه ورزشی با حدود ۳۵ میلیون عضو هستند که از مهم‌ترین آنها می‌توان اسپارتاک، ترود، بوروسنینگ و لکوموتیو را نام برد. اتحادیه‌های کارگری همچنین فعالیت‌های

فرهنگی و آموزشی گسترده‌ای را نیز انجام می‌دهند. آنها دارای ۲۲۰۰۰ کلوب و خانه فرهنگی و ۲۲۰۰۰ کتابخانه (با ۳۱۳ میلیون جلد کتاب و حدود ۲۵ میلیون نفر مراجعه‌کننده در سال) هستند و نزدیک به ۹ میلیون نفر در گروه‌های هنری آماتور تحت سرپرستی اتحادیه‌ها به فعالیت‌های هنری مشغولند. این شمه‌ای از فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری در اتحاد شوروی بود و فکر می‌کنیم با خواندن مطالب بالا خواننده با دلایل وجودی سندیکاها در اتحاد شوروی آشنائی مختصری پیدا کرده باشد ولی با این همه بی‌مورد نیست که به سئوالی که امکان دارد به ذهن بعضی از خوانندگان خطور کرده باشد بطور روشن و مجزا پاسخ گوئیم: با وجود اینکه در اتحاد شوروی حکومت کارگری برقرار است چرا در این کشور اتحادیه کارگری وجود دارد؟ این اتحادیه‌ها از منافع کارگران در برابر چه کسانی حمایت می‌نمایند؟ پاسخ روشن است: برخلاف کشورهای سرمایه‌داری سندیکا در کشورهای سوسیالیستی، ارگان مبارزه صنفی کارگران و زحمتکشان برای کسب بخشی از حقوق پائین‌شده‌شان نیست بلکه در این ممالک سندیکا یکی از وسایل مشارکت تمامی کارگران و زحمتکشان در امور تولیدی و اداری کشور است که از منافع کارگران در برابر کوتاه‌بینی‌ها و روحیه بوروکراتیک آن دسته از مسئولینی دفاع می‌نمایند که سیاست حزب و دولت در مسائل مربوط به دمکراسی در امور تولیدی را تحریف کرده و طرز سازماندهی صحیح تولید را نمی‌دانند و به قوانین کار و قراردادهای دسته‌جمعی احترام نمی‌گذارند. ولی باید توجه داشت که برخورد بین مدیران و کارگران بسیار کم اتفاق می‌افتد زیرا مدیران خود غالباً از کارگران قدیمی و یا از خانواده‌های کارگری هستند و نیز بخلاف مدیران بنگاه‌های سرمایه‌داری چون مسئله استثمار و نفع شخصی مطرح نیست، لذا بسیاری از مسائل مطروحه در کشورهای سرمایه‌داری اصولاً در کشورهای سوسیالیستی وجود ندارد.



■ ببرک کارمل رهبر افغانستان باردیگه - راز کشورهای ایران و پاکستان خواست اختلافات خود را با افغانستان از طریق مذاکره حل کنند.

■ ژیکوف رهبر بلغارستان گفت کشورهای سوسیالیستی در مقابل هر اقدامی علیه کوبا بی تفاوت نخواهند ماند.

■ ۴۷ کشور جهان خواستار تحریم بین‌المللی علیه آفریقای جنوبی شدند.

■ امریکا تجهیزات نظامی جدیدی در اختیار مراکش و اردن قرار می‌دهد.

■ کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی تاکنون ۱۸۰ دانشکده و مراکز آموزشی در کشورهای درحال رشد ایجاد کرده‌اند.

■ تعدادی از زندانیان سیاسی ایرلند شمالی در اعتراض به شرایط بد زندان‌ها اعتصاب غذا کردند.

■ انقلابیون السالوادور سفارت امریکا در این کشور را مورد حمله نظامی قرار دادند و خسارات زیادی وارد ساختند.

■ شوروی، ویتنام و کامپوچیا موافقتنامه سه - جانبه همکاری اقتصادی امضاء کردند.

■ یکی از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین خواستار گسترش روابط نیروهای میهن‌پرست کشورهای عربی و اتحاد شوروی شد.

■ چین و امی معادل ۵۵۰ میلیون دلار از صندوق بین‌المللی پول دریافت می‌کند.

■ امریکا ۲۵ میلیون دلار کمک نظامی دیگر در اختیار رژیم وابسته السالوادور قرار می‌دهد.

■ شمار مستشاران امریکا در السالوادور به دو برابر افزایش خواهند یافت.

■ در انگلستان تظاهرات وسیعی در اعتراض به تبعیض نژادی و قتل و کشتار سیاهان صورت گرفت.

■ چهار دیپلمات امریکائی به جرم جاسوسی و توطئه و مداخله در امور داخلی موزامبیک از این کشور اخراج شدند.

# شورا، سندیکا و اتحادیه های کارگری

(قسمت هشتم)

● قبل از بررسی مواضع گروه های سیاسی در خصوص تشکلهای کارگری، ضروری است نظری اجمالی به کم و کیف موضع گیری های جناح های مختلف حاکمیت بيفکنیم. دولت سازشکار بازرگان، از همان آغاز کار، دشمنی آشکار خود را با شوراها نشان داد. این خصومت بیش از هر چیز متوجه حضور میلیونی توده های مردم در عرصه مبارزات انقلابی بود. به عبارت دیگر لیبرالها از گسترش و تعمیق دامنه عمل مستقیم و ابتکار بلاواسطه توده های بیمناک بودند. نفس عمل مستقیم انقلابی توده ها و حضور میلیونی خلق در عرصه مبارزه ضدامپریالیستی - دموکراتیک، که انعکاس خود را در مصادره و ملی شدن ها و ... نشان می داد لیبرالها را بر آن می داشت تا با توسل به انواع دسایس "قانونی" راه انقلاب را به زعم خود سد کنند و بر انرژی انقلابی توده ها به ویژه کارگران، لگام زده و مبارزات انقلابی توده ها را در قالب متحجر "قانونی" محصور سازند.

● در یک کلمه باید گفت که سرمایه داران لیبرال از شوراها متنفر و در عین حال هراسناک بودند. از این رو هیچگاه چه آشکار و چه پنهان از توطئه و اخلال در فروپاشی آن دست نکشیدند: در مقابل دولت موقت لیبرال و مواضع ضد - شورایی آن، نیروهای موسوم به "خط امام" غالباً (هرچند بطور مغشوش و متناقض) از شوراها موجود و مضمون مبارزاتی اش جانبداری می کردند. این حمایت اگرچه به نحوی موجب تقویت و استحکام مواضع انقلابی کارگران و شوراها در برابر کارشکنی های لیبرالها می شد، لیکن از آنجا که با انحصارطلبی و تنگ نظری این نیروها از یک سو و همچنین تبلیغات کینه - توزانه و مخرب علیه تشکلهای سندیکایی از سوی دیگر، همراه بود، در اغتشاش ذهنی کارگران و تاخیر در سمت گیری صحیح و ضرور کارگران نسبت به ایجاد تشکلهای صنفی - طبقاتی مستقل شان، نقش موثری داشت. رئوس عمده مواضع نیروهای "خط امام" در خصوص تشکلهای شورایی و سندیکایی عبارت بود از:

الف - این نیروها، بر هرگونه تشکلی که نشانی از منافع طبقاتی - مستقل کارگران داشته باشد (کمیته های فابریک و سندیکای طبقاتی) مهرباطل می کوبیدند. و سعی کرده و می کنند تا خصوصیت صنفی - طبقاتی آن را حتی المقدور تحت الشعاع معیارهای حزبی و ایدئولوژیک (حزبی) قرار دهند. حمایت این نیروها از شوراها، عمدتاً معطوف به پشتیبانی از شوراها کارکنان واحدها می باشد. از این رو وجه مشخصه حضور و حمایت این نیروها در رابطه با تشکلهای کارگری و کارخانه ای را می توان در این مسئله خلاصه کرد: تلاش برای تسلط ایدئولوژیک - سیاسی بر شوراها و سندیکاها، از طریق شبکه انجمن های اسلامی که تشکلی ایدئولوژیک و مکتبی است و نه تشکلی صنفی - طبقاتی یا حداقل صنفی - سیاسی.

ب - این نیروها و به ویژه حزب جمهوری اسلامی غالباً به نحوی کور و تنگ نظرانه، با سندیکا و مبارزه سندیکایی برخورد می کردند و در اکثر موارد بر پایه استدلال متکی بر قرینه

کارست خلاق آن بر شرایط مشخص نیز خود جنبه و وجهی از اصول است. می بینیم که چگونه تنها تاکید یک جانبه بر اصول قادر به تغییر واقعیت پیچیده و پیش بینی نشده در جهات مطلوب نیست.

واقعیت همان طور که گفتیم از این قرار بود که شوراها سه سازمان قدرت توده ای بودند و نه تشکل صنفی - طبقاتی کارگران، ولی در عین حال دارای آنچنان ظرفیتی بودند که در خلاء تشکلهای سندیکایی از یک طرف و ضعف قدرت طبقاتی پرولتاریا (در موازنه قدرت) و از طرفی نیاز عینی جنبش کارگری به گسترش مبارزات صنفی - طبقاتی اش و لزوم پاسخگویی به این مطالبات و همچنین نیاز کارگران در برخورداری از قدرت انقلابی نوینی که شکل می گرفت، آنچنان مضامینی بود که اشکال متناسب خود را خواهند خواسته طلب می کرد چه به صورت تشکلهای رشد یافته و چه به صورت تشکلهای ذو حیاتین. و آنچه که در اینجا تبلور این نیازها بود با توجه به سطح نازل آگاهی و تشکل کارگران ایران خود را در شوراها منعکس کرد. تداخل عینی مضامین و وظایف

● سرمایه داران لیبرال از شوراها متنفر و در عین حال هراسناک بودند. از این رو هیچگاه از توطئه علیه آنها دست نکشیدند.

سندیکایی و شورایی عملاً به شوراها موجود هویتی دوگانه می داد، و این امر یکی از ویژگی های بارز جنبش توده ای و کارگری ما بود. "حزب توده" از آغاز انقلاب بهمن تا مهر ماه ۵۸ نتوانست واقعیت حضور شوراها را لمس کند و ظرفیت واقعی آن را دریابد و از این رو به طرح مجرد ایده وحدت و تشکل سندیکایی کارگران می پرداخت حال آنکه آن وجه از مضمون وظایف این شوراها که به دفاع از منافع و حقوق صنفی - طبقاتی کارگران معطوف می شد، از نظر "حزب توده" مکتوم می ماند. و این درک مجرد و ذهنی از آنجا نشأت می گرفت که "حزب توده" مبارزه سندیکایی را عمدتاً در حیطه مبارزه به خاطر مطالبات صنفی و قانونی محدود نموده و قادر نبود تبلور و برآمد مبارزات صنفی روزمره را در عمل مستقیم و ابتکارات انقلابی توده های کارگر که در کمیته های فابریک انعکاس می یافت ببیند. از سوی دیگر "حزب توده" در این دوره (تا مهرماه) بر نقش انقلابی شوراها واحدها در تأمین مشارکت دموکراتیک توده کارکنان و از جمله کارگران در اداره امور واحدهای تولیدی و خدماتی نیز سایه انداخته و آن را کم بها می کرد. در خلال دوره دوم (از مهر ۵۸ به بعد)، "حزب توده" بالاخره واقعیت وجود شوراها را پذیرفت و به موضع گیری در قبال آن پرداخت. لیکن این بار تنها مضمون شورای کارکنان (مدیریت) را در آن یافت و وجه صنفی - طبقاتی آن را که در عمل و در واقعیت وجود داشت نادیده گرفت. و حضور نمایندگان کارگران و شوراها را محدود به شرکت نمایندگان سندیکایی در شورا نمود. شرکت نمایندگان سندیکایی کارگران در شوراها مدیریت اگرچه موجب تحکیم و انسجام مواضع آنان در این شورا می شود لذا اصولاً مطلوب ترین شکل ممکن محسوب می شود لیکن طرح مجرد آن بدون در نظر گرفتن شرایط و مشکلات عملی مشخص. به معنای نادیده گرفتن واقعیت عینی و پا در رکاب آرزو کوبیدن است.

ادامه دارد

سازی سندیکاهای موجود با سندیکاهای زرد و آریامهری، اصولیت تشکل و مبارزه سندیکایی را محکوم می کرده و می کنند.

ج - این نیروها با تحریف حقایق مربوط به سندیکا و مبانی فعالیت سندیکایی و قراردادن یکرشته از وظایف شورایی در برابر سندیکاها، و تاکید بر این موضوع که "سندیکا قادر به انجام اینگونه وظایف نیست لیکن شوراها می توانند به وظایف سندیکاها هم پاسخ گویند" بطور یک جانبه مزیت شورا بر سندیکا را نتیجه می گیرند.

در این میان درک غیرعلمی غالب نیروهای چپ از تشکلهای مستقل پرولتری و ارزیابی ذهنی آنها از ظرفیت و مضمون مبارزاتی واقعا موجود شوراها، به نوبه خود موجب برداشتهای و موضع گیری های نادرست در قبال تشکلهای کارگری می شد، که متقابلاً بر بفرنجی این مفاهیم می افزود. حقیقت آن است که این نیروها مختصات و حدود مرزهای تشکلهای شورایی و سندیکایی را تمیز نداده و عملاً خط و مرزهای اصولی بین آنها را که در عالم واقعیت نیز مخدوش بود بطور خودانگیخته و به صورتی مغشوش در ذهنیت خود انعکاس می دادند و از آن فراتر آن که به اتکای این انعکاس مستقیم و خام واقعیتها به جنبش کارگری ایران رهنمود نیز می دادند. این نیروها و این بینش، عمدتاً بر پیوند درونی میان کمیته های فابریک تشکلهای سندیکایی چشم پوشیده و گهگاه کمیته های فابریک را به جای شوراها مدیریت نهاده و در بیشتر مواقع این هردو را به نحوی ذهنی تا سطح شوراها قدرت ارتقاء می دادند. و نتیجه می گرفتند: "شرکت کارگران در حکومت جدید بطور مشخص از طریق شوراها کارگری امکان پذیر است".

این بینش عموماً درک روشنی از ضرورت و اهمیت تشکل توده ای - طبقاتی کارگران نداشته و قادر نبود رابطه ای اصولی میان قدرت و تشکل صنفی - طبقاتی بیابد. از این رو در چارچوب اکونومیسم و آنارشیزم گرفتار بود.

از سوی دیگر، "حزب توده ایران"، اگرچه از همان ابتدا، بطور مجرد بر ضرورت وحدت و تشکل سندیکایی کارگران تاکید می کرد، لیکن عملاً از عهده درک و کارست خلاق مضمون انقلابی شوراها و مختصات و وجوه دوگانه شورایی (شورای واحد) و سندیکایی (کمیته فابریک) که ظرفیت عملاً موجود شوراها بود، برنیامد "حزب توده" اعلام می کرد که تشکل موجود (شورا)، تشکل صنفی - طبقاتی کارگران نیست بدون آنکه بگوید این تشکل مبارزاتی و انقلابی چه هست و از چه ظرفیت و مضمونی برخوردار است. بطور کلی چگونگی برخورد "حزب توده" با تشکلهای شورایی را از ابتدا تاکنون می توان به دو دوره متمایز تقسیم کرد.

۱ - از آغاز انقلاب تا مهرماه ۵۸،

۲ - از مهرماه تاکنون.

طی دوره اول "حزب توده" به حکم یک وظیفه کلی و عمومی به ترویج و تبلیغ ایده تشکل سندیکایی پرداخت. و این تبلیغ و ترویج از اصولیتی برخوردار بود ولی از آنجا که اصول تنها در تئوری های عام تجلی نمی یابد بلکه

## چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

( قسمت ششم )

اتوموبیل سازی بوجود آمده است که آنها نیز به نوبه خود پیوندهای عمیقی با انحصارات امپریالیستی داشته اند. از آن جمله است لاستیک سازی کیان تایر با بی. اف. گودریچ، لاستیک جنرال، بریجستون پیرلی، و کارخانه شمع اتوموبیل بوش و ...

ویژگی تمام واحدهای اتوموبیل سازی در ایران وابستگی آنها به انحصارات امپریالیستی است. این صنایع که عموماً با عقد قرارداد اجازه ساخت (لیسانس) برپا شده اند امتیاز استفاده از تکنولوژی تولید محصول معینی را از انحصارات جهانی کسب کرده اند و در مقابل به ازای استفاده از "علامت تجاری" (نام اتوموبیل) استفاده از تکنولوژی و طرح تولید، مبالغی به صورت یکجا و جاری (برحسب میزان فروش تولید) به انحصارات امپریالیستی پرداخت می کنند. انحصارات امپریالیستی در این قراردادها برای خود این حق را قائل شده اند که بر پروسه تولید نظارت کنند، میزان تولید و کیفیت و نوع محصول را تعیین کنند، بازار صادراتی را معین کنند، علاوه بر این، شرکت وابسته ملزم به خرید ماشین آلات و تجهیزات و همچنین قطعات منفصله برای مونتاژ اتوموبیل از شبکه جهانی انحصار امپریالیستی است. بدیهی است، قیمت گذاری این ماشین آلات و قطعات به وسیله شرکت "چند ملیتی" است. دیگر اینکه هرگونه تغییر و تبدیل در محصول و در پروسه تولید آن و در اجزای مورد استفاده از تولید محصول باید به وسیله شرکت انحصاری تایید و تصویب شود. بنابراین، آنگاه که شرکت جنرال موتورز تولید اوپل در ایران را به صلاح خود نمی بیند، خط تولید را تغییر می دهد و به جای آن شورولت و بیوک و کادیلک تولید می شود.

در مواردی که انحصارات جهانی در سرمایه گذاری در شرکت وابسته نیز مشارکت دارند (در مورد جنرال موتورز و رنو چنین بوده است) قدرت اعمال کنترل سرمایه امپریالیستی حتی فزون تر می شود. اما، پیوندهای انحصارات امپریالیستی آنچنان گسترده و عمیق است و قراردادهای اجازه ساخت و استفاده از تکنولوژی به حدی محدود کننده است که در هر صورت شرکت وابسته تحت تابعیت انحصار امپریالیستی قرار می گیرد.

پیوندهای شرکت های اتوموبیل سازی داخلی با انحصارات امپریالیستی را که از یک سوی وسیله اعمال کنترل، و از سوی دیگر وسیله انتقال ارزش به انحصار امپریالیستی است، می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- ۱ - مشارکت در سرمایه گذاری (سود سهام)
- ۲ - تکنولوژی و طرح (تعیین طرح و تکنولوژی مورد استفاده، فروش طرحها، نقشهها، فرمولها و دریافت حق الامتیاز اولیه حق الامتیاز جاری حقوق و پرداخت به کارشناسان، مدیران و هزینه اجرای طرحها)
- ۳ - فروش ماشین آلات سازنده تجهیزات خط تولید، قطعات منفصله برای مونتاژ، مواد اولیه قطعات یدکی ماشین آلات سازنده قطعات یدکی محصول ساخته شده.

● در سال ۱۳۵۲ شرکت جنرال موتورز آمریکا بزرگترین انحصار تولید اتوموبیل در جهان و یکی از بزرگترین شرکت های "چند ملیتی" جهان، جانشین شرکت "امریکن موتورز" (که اتوموبیل های آریا و شاهین را مونتاژ می کرد) شد به هنگام قطع تولید آریا و شاهین ۴۵ درصد از کار ساخت این اتوموبیل ها در ایران انجام می شد اما شرکت "جنرال موتورز" که انحصار قدرتمندتری از "امریکن موتورز" است توانست با مشارکت با سرمایه داران وابسته داخلی راهی به بازار ایران بیابد. شرکت "جنرال موتورز" ایران اتوموبیلی به نام شورولت ایران به بازار عرضه کرد که همان محصولی است که شرکت وابسته به "جنرال موتورز" در اروپا با نام "اوپل" در آن بازار عرضه می کند. تولید شورولت ایران سالانه ۲۰ هزار دستگاه بود.

انحصارات فرانسوی نیز از بازار اتوموبیل ایران بی نصیب نماندند. در سال ۱۳۴۶ شرکت "سیتروئن" در ایران آغاز به کار کرد و به مونتاژ اتوموبیل های ژاین پرداخت. محصول این شرکت در سال ۱۳۵۳ به ۱۳ هزار دستگاه در سال رسید. اما ژیان هم از دور خارج شد و "رنو" جای آن را گرفت.

به همین روال شرکت "جنرال موتورز" ایران نیز تولید اوپل (شورولت ایران) را متوقف کرد و به جای آن به مونتاژ شورولت نوا، بیوک و کادیلک پرداخت که ۱۰۰ درصد اجزای آن از شبکه جهانی شرکت جنرال موتورز تامین می شد. هر یک از شرکت های انحصاری امپریالیستی در رشته اتوموبیل سازی بنا به مقتضیات بازار داخلی و نیازهای رشد سرمایه انحصاری خود کوشیدند صنایع وابسته ای را در رشته اتوموبیل سازی برپا کنند. بدیهی است در این میان رقابت میان آنها برای بدست آوردن جای پای بیشتر در اقتصاد وابسته ایران رقابتی سرسختانه و شدید بود. شرکت هایی که موفق شدند با همدستی سرمایه داران وابسته و همکاری دولت وابسته شاه بر دیگران پیشی جویند توانستند بنا بر الزامات سودآوری خود مونتاژ این یا آن اتوموبیل را در ایران آغاز کنند. قطع تولید این یا آن اتوموبیل و مونتاژ کردن اتوموبیلی دیگر به جای آن نتیجه رقابت میان انحصارات امپریالیستی و نیز الزامات رشد آنها بود.

هم اکنون ده واحد صنعتی وابسته، سازنده اتوموبیل سواری، وانت اتوبوس مینی بوس و کامیون در ایران وجود دارد که همگی در پیوندهای عمیق با انحصارات امپریالیستی قرار دارند. این واحدها به قرار زیر هستند:

ایران ناسیونال (پیکان سواری و وانت)، هیلمن - کرایسلر انگلستان، ایران ناسیونال (اتوبوس و مینی بوس) با دیمپلر بنز آلمان، جنرال موتورز ایران (شورولت بیوک، کادیلک و جیب) با جنرال موتورز آمریکا ایران سایپا (رنو) بارژی - ناسیونال فرانسه شرکت رتب (جیب لندرور) با روور انگلستان، زامیاد (وانت) با نیسان ژاپن زامیاد (کامیون) با ولوو سوئد، مزدا (وانت) ژاپن ایران کاوه (کامیون) با ماک آمریکا، بنز خاور (کامیون) با دیمپلر بنز آلمان، لیلاند موتورز (کامیون و اتوبوس) با لیلاند موتورز انگلستان، پارس لوکس (اتوبوس و مینی بوس) با دویتس آلمان. در مجموع در سال ۱۳۵۶ تولید اتوموبیل سواری در ایران به ۱۰۷ هزار دستگاه، وانت ۳۸ هزار دستگاه جیب ۶ هزار دستگاه کامیون و کامیونت ۱۰ هزار دستگاه، اتوبوس ۱۷۰۰ دستگاه، مینی بوس ۴ هزار دستگاه رسیده بود. علاوه بر شرکت های اتوموبیل سازی متجاوز از ۹۰ واحد تولیدی نیز در پیرامون صنعت وابسته

بدین ترتیب این صنایع با پیوند ارگانیکی که با زنجیر امپریالیستی دارند، در حقیقت به صورت جزئی از شبکه انحصارات امپریالیستی درمی آیند. این صنایع نه خود در جهت تامین نیازهای اقتصاد ملی و رشد دادن به نیروهای تولید ملی رشد و گسترش می یابند و نه وسیله ای هستند برای رشد دادن به صنایع و بوجود آوردن پیوندی ارگانیک با دیگر بخش های اقتصادی جوامع زیر سلطه. علاوه بر این، این صنایع در مواردی که با صنایع داخلی در رقابت قرار می گیرند آن را به وابستگی کشانده یا از میدان بدر می کنند (نمونه صنعت وابسته کفش، پوشاک و ...). صنایع جنبی صنعت وابسته اتوموبیل سازی در ایران نیز صنایعی وابسته بوده اند که به نوبه خود زنجیر وابستگی اقتصاد ایران را به شبکه روابط امپریالیستی تحکیم می کرده اند و به تابعیت اقتصاد ایران به الزامات رشد سرمایه داری انحصاری مراکز امپریالیستی می افزوده اند. بدین گونه بوده است که در ایران در دوران حکومت وابسته شاه صنایع وابسته رشد یافته. و در جهت تشدید وابستگی اقتصادی و برای انتقال هرچه بیشتر ارزش تولید شده در اقتصاد وابسته ایران به شبکه انحصارات امپریالیستی بوده است.

در مواردی معدود که علیرغم سیاست های صنایع وابسته و سیاست های دولت شاه برای حمایت از صنایع وابسته تولید برخی از اجزای اتوموبیل به وسیله صنایع غیر وابسته داخلی میسر شده است سیاست های تغییر محصول که بنا بر الزامات سودآوری سرمایه های امپریالیستی بوده است، و یا مخالفت مستقیم شرکت های امپریالیستی و وابسته مانع از آن شده است که این صنایع رشد یابند. برای مثال هنگامی که پس از چند سال تولید آریا و شاهین، طراحان ایرانی توانستند برخی از اجزای بدنه و تعدادی از آلات و ادوات آن را طرح کرده و تولید کنند، به ناگاه تولید این اتوموبیل ها متوقف شد و تولید "شورولت ایران" جای آن را گرفت. به همین روال بود قضیه قطع تولید ژیان.

شرکت های امپریالیستی اتوموبیل سازی قطعات منفصله را به صورت بسته بندی های یکدست "غیر منفصل" یا "کاملاً منفصل" (موسوم به بسته های "اس. کی. دی" و "سی. کی. دی") به شرکت های وابسته می فروشند برای آنکه قطعه ای در کشور مونتاژکننده اتوموبیل تولید شود، شرکت انحصاری امپریالیستی باید آن را تصویب کند و آن قطعه را از لیست بسته بندی خارج کند اما شرکت های امپریالیستی که جانشین شدن اجزای ساخت داخلی راهی به سود خود نمی دانند، شده در شبکه انحصاری به سود خود نمی دانند، تحت عنوان "حفظ مرغوبیت" و "استاندارد" محصول با این کار موافقت نمی کنند. مثالی در این مورد آ مؤزده است:

پس از انقلاب یکی از کارخانه های کامیون سازی، نمونه ای از کمک فنی را که در ایران ساخته شده بود برای تصویب به مرکز شرکت در آلمان ارسال داشت. شرکت آلمانی به بهانه پائین بودن مرغوبیت، استفاده از آن را در تولید کامیون در ایران تصویب نکرد. شرکت داخلی پس از انجام اصلاحات تکمیلی نمونه ای دیگر را برای تصویب به آلمان فرستاد. آن نیز به بهانه گذشته تصویب نشد. بار سوم کارکنان شرکت داخلی مارک یکی از کمک فنی های ساخت همان شرکت آلمانی را از روی آن پاک کرده و پس از رنگ زدن آن را جهت تصویب به شرکت آلمانی فرستادند. این بار نیز شرکت آلمانی کمک فنی را که خود ساخته بود به علت نداشتن "مرغوبیت" رد کرد.

ادامه دارد

## نامه یک انقلابی کمونیست

### از زندان جمهوری اسلامی

زمینه مسئولیت میهنی و انترناسیونالیستی آنها بسیار سنگین است. وظیفه آنها اکنون حفظ و گسترش انقلاب در مقابل توطئه‌های گوناگون و همه‌جانبه است. مناسفانه هنوز که هنوز است، اقداماتی چشم‌گیر و متناسب با آن خطرات و توطئه‌هایی که متوجه انقلاب ایران است برداشته نشده است. کندی و تزول در پیشبرد این مسئله البته امری است که مورد محاسبه و بررسی خلقهای منطقه و جنبش‌های انقلابی جهان قرار خواهد گرفت. حالا بخوبی روشن است چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه و نیز در سطح داخلی، نیروهای امپریالیستی و ارتجاع وابسته بدان قدم‌های هماهنگ‌کننده در جهت خفه کردن این انقلاب مردمی برمی‌دارند. چون همه آنها به‌خوبی می‌دانند که برگرداندن ایران به دامن امپریالیسم به معنای مهار کردن جنبش‌های انقلابی در منطقه است. آنها به خوبی می‌دانند توقف روند انقلاب ایران یعنی ضربه زدن به انقلاب‌های لیبی، یمن دمکراتیک، افغانستان، یعنی ضربه زدن به سوریه، الجزایر، جنبش‌رئالی - بخش فلسطین، جنبش‌توده‌های عراق، شبه‌جزیره، مصر، سودان و شاخ آفریقا... یعنی تثبیت موقعیت ارتجاعی در رژیم‌های دست‌نشانده در منطقه و سپس اقدامات آنان در جهت تقویت موقعیت خود در دیگر مناطق جهان. ما روز به روز شاهد حرکات خطرناک نیروهای دشمن در منطقه و بخصوص ایران هستیم:

۱- علیرغم تضادهای بین کشورهای امپریالیستی، برای اولین بار در مورد ایران هماهنگی لازم و واحدی درپیش گرفته شده است. در تحریم اقتصادی علیه ایران کشورهای امپریالیستی همگی شرکت دارند. در تحریم مواد مورد نیاز و حیاتی میادین مختلف فعالیت‌های اقتصادی و نظامی علیه ایران همگی با هم شرکت نموده‌اند. در مورد اقدام به ارسال نیروهای نظامی، با هم متحد و هماهنگ هستند، نمونه‌های بارز آن ناوگان‌های خلیج که وابسته به کشورهای امپریالیستی از جمله فرانسه است خود اروپا در مورد هماهنگ کردن نیروهایش شک و تردید داشتند لیکن اکنون در برابر مسئله خاور میانه با یکدیگر هماهنگ هستند. این شیوه در چند دهه اخیر در جهان بی‌سابقه است. یعنی حتی در بحران کانال سوئز از لحاظ عملی آمریکا بطور مستقیم در مورد تجاوز به مصر شرکت نکرد. همچنین در مورد بحران‌های بعدی مانند ویتنام. یعنی از هنگام جنگ کره در سال ۱۹۵۰ که تمام نیروهای امپریالیستی علیه خلق کره با هم متحد عمل می‌کردند تا بحال سابقه نداشت چنانکه اکنون کاملاً با یکدیگر متحد عمل می‌نمایند این امر دلیل روشنی است بر عمق ضرباتی که کشورهای امپریالیستی از انقلاب ایران و تاثیر آن در منطقه متحمل شده‌اند.

۲- صف‌بندی نیروهای دیکتاتوری و ارتجاعی به تشویق کشورهای امپریالیستی بخصوص در دوران اخیر چشم‌گیر بوده است. رژیم‌هایی که موافق کمپ‌دیوید هستند با رژیم‌هایی که به ظاهر مخالف کمپ‌دیوید می‌باشند، با هم تماس‌های گوناگونی دارند. (عمان با عراق، عراق با

● نامه‌ای که در زیر می‌خوانید از یکی از زندان‌های جمهوری اسلامی ایران برای ما ارسال شده است. این نامه دلیل محکمی است بر این حقیقت آشکار که چگونه انقلابیون کمونیست تحت هر شرایطی به مسئولیت و تعهدی که در مقابل خلقهای ایران و جهان برعهده دارند، وفادار و پایبندند.

ما با ابزار رقیقانه‌ترین و انقلابی‌ترین درووها به انقلابیون اصیلی که در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران به سر می‌برند، صمیمانه آرزو می‌کنیم که همبستگی و تلاش‌های انقلابی رفقا استحکام بیشتری یافته و سنت عظیم انقلابیون کمونیست که پایمردی در راه منافع خلق و تسلیم‌ناپذیری در برابر دشمنان مردم است، از عمق و اعتلای بیشتری برخوردار گردد. به جهت اهمیت مطالبی که در نامه بدان اشاره شده است، به چاپ آن مبادرت می‌کنیم و از تمامی کسانی که در راه تعمیق انقلاب ایران فداکارانه گام برمی‌دارند، می‌خواهیم که این نامه را با دقت مورد مطالعه قرار دهند.

فرد شرافتمند و خیرخواه است که با تمام تلاش و تمام وجدان خود، در جهت هماهنگ کردن نیروی خود با تمام نیروهای مترقی، چه در سطح جهان و چه در سطح جامعه، مسئولیت ملی و انترناسیونالیستی خود را به مرحله اجرا درآورد. تا این مبارزه عظیم مردم جهان علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و علیه تمام طبقات ارتجاعی وابسته به آن جهت گیرد. هر لحظه و هر دقیقه سستی در حل این مسئله حیاتی مردم زحمتکش جوامع ضد امپریالیست، به معنای آب به آسیاب دشمنان ریختن است و در نتیجه نقشه‌های شوم ارتجاع جهانی و امپریالیست‌ها اثر خود را می‌گذارد و بدین ترتیب خواه ناخواه کمک به پیشبرد نقشه‌های امپریالیست‌ها و ارتجاع جهانی خواهد بود که در جهت بازپس گرفتن موقعیت از دست‌رفته خود و سپس گسترش موقع خود در مناطق مختلف جهان است. شکی نیست که انقلاب عظیم مردم ایران اثرات مثبت نامحدودی در وضع سیاسی منطقه و سطح جهان داشته است. اکنون انقلاب ایران دژ عظیمی است که در کنار جریان‌های سه‌گانه انقلابی جهان در مقابل امپریالیسم آمریکا واقع شده و می‌دانیم که امکانات اقتصادی - سیاسی و استراتژیک ایران تا چه حد حائز اهمیت است. بنابراین دفاع از انقلاب مردم ایران و گسترش آن نه فقط وظیفه مبرم و در مسئولیت انقلابی مردم و سازمان‌های انقلابی ایران است بلکه در مسئولیت هر فرد انقلابی و شرافتمند در منطقه و جهان ماست. مردم منطقه این انقلاب را، انقلاب خود می‌دانند و فعالیت‌های انقلابی خود را چه در فلسطین و چه در عراق و چه در جبهه‌های دیگر بر مبنای این دستاوردهای عظیم می‌گذارند. در حال حاضر و در مرحله کنونی به علت به هم خوردن نوازن نیرو به نفع انقلابیون منطقه، پس از پیروزی این انقلاب شرایط به شکل دیگری درآمده است. بنابراین این دستاورد یک اهرم بزرگ است که در کنار اهرم‌های دیگر در روند انقلابی منطقه تاثیر بسیاری دارد. سست شدن این اهرم ضربه عظیمی به حرکت انقلابی خلقهای منطقه وارد خواهد آورد و آثار منفی آن در سطح جهان تاثیر خواهد گذاشت. کمونیست‌ها و تمام جنبش‌های مترقی منطقه وظیفه - انترناسیونالیستی خود را در قبال انقلاب عظیم ایران انجام داده و خواهند داد. حالا وظیفه مبرم نیروهای انقلابی داخل جامعه ایران، در

در این شرایط حساس مطالبی به نظر می‌رسد که در قبال بیان این مطالب احساس مسئولیت نموده و بدین وسیله آن را با رفقا در میان می‌گذارم: رفقا، وضع جهان شاهد دگرگونی‌های عظیمی است و این دگرگونی‌ها برخلاف سالیان گذشته همه‌گیر بوده و تمام مناطق جهان را دربر گرفته است. اکنون مبارزه مردم زیر ستم چه در امریکای لاتین، چه در آسیا و آفریقا و چه در خود کشورهای سرمایه‌داری در ابعاد گوناگون علیه امپریالیسم جهت‌گیری می‌کند. علاوه بر این ما شاهد تسریع و گسترش بحران همگانی سیستم سرمایه‌داری هستیم که در تمام جوانب بروز کرده: چه اقتصادی، چه سیاسی و چه اخلاقی. در جریان این دگرگونی‌های عمیق در جوامع سرمایه‌داری و کشورهای زیر ستم، مردم جهان به پیروزی‌های عظیمی دست یافته‌اند. حیثیت جهان سوسیالیسم و جنبش‌های رهائی‌بخش ملی بالا رفته، حل بحران از طرف کشورهای امپریالیستی از راه جنگ جهانگیر در شرایط جهان ما میسر نیست و این بدان علت است که نیروی عظیمی، چه اقتصادی، چه سیاسی و چه نظامی از طرف جهان سوسیالیسم و دوشادوش آن جنبش کارگری کشورهای پیشرفته و همچنین جنبش‌های رهائی‌بخش، سد و مانع عمده‌ای در برابر آن به وجود آورده است. در مقابل آن نقشه‌های جنگ‌طلبانه جهان امپریالیسم و بخصوص آمریکا مطرح است. این بدان معنی است که امپریالیسم جهانی با آن نیروی مادی که در اختیار دارد، به زانو در نیامده و هنوز و هنوز چه امپریالیسم و چه نیروهای اجتماعی وابسته به آن در جوامع مختلف جهان ما امکانات مادی و سیاسی در اختیار دارند تا در مقابل یورش مردم سراسر جهان و جنبش‌های عظیم قد علم کرده و مقاومت کنند. ضربات عظیمی که امپریالیسم بخصوص در ایران، آفریقا، کشورهای مختلف خاورمیانه به صورت جدی متحمل شده است، چشم‌گیر است. حالا امپریالیسم آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی و دیگر طبقاتی که منافعشان را در هر نقطه جهان از جلوی سرنوشت محتوم خود را گرفته یا لااقل به عقب اندازند. در مقابل، تلاش نیروهای انقلاب جهانی با جریان‌های سه‌گانه آن، در هر نقطه‌ای از جهان گام‌هایی برداشته و اقدامات مختلفی به عمل می‌آورند. وظیفه هر انقلابی و هر

نقشه از صفحه ۱۲

### نامه یک

عربستان سعودی، عربستان سعودی با پاکستان، عراق با ترکیه) و ملاقات های صریح و همه جانبه و مکرری که در روزهای اخیر شاهد آن هستیم. تقویت نیروهای ضدانقلاب در منطقه از طرف این کشورها و امپریالیسم جهانی بطور مکرر ادامه دارد. (نمونه افغانستان). دامن زدن به اختلافات نژادی و فرقه ای و مذهبی در هر کشور بطور بی سابقه ای در مناطق مختلف به مرحله اجرا درآمده و ما شاهد هماهنگی چشم گیری بخصوص در دوران جنگ ایران و عراق هستیم. یعنی نیروهای ارتجاع از تمام امکانات مادی خود استفاده می کنند تا از تجاوز عراق علیه انقلاب ایران دفاع شود. همچنین کشورهای امپریالیستی بنوبه خود امکانات نظامی به متجاوزین داده و در اختیار آنان می گذارند. درحالیکه امکانات خریداری شده از طرف ایران را در اختیار آنان قرار می دهند. نمونه اش تحویل میراژهای فرانسوی به عراق و عدم تحویل ناوچه های خرید شده از طرف ایران به کشور ایران و نمونه های زیادی در این مورد وجود دارد که همگی این اقدامات هدف ضربه زدن به انقلاب ایران و جلوگیری از رشد و شکوفائی در جنبش انقلابی منطقه می باشد.

۳- هماهنگی هرچه بیشتر نیروهای ضدانقلاب ایران، بازماندگان رژیم سابق، ساواکی ها که در سراسر کشورهای مجاور ایران پراکنده هستند، بیش از پیش افزایش یافته است. نمونه اش فعالیت های گسترده ژنرال های ایرانی در عراق، اسرائیل، مصر و پاکستان، فعالیت های دار و دسته بختیار و یالیزبان در اروپا و نقاط دیگر می باشد. سخنان و اظهارات مهره شناخته شده امپریالیسم: علی امینی در مورد رژیم انقلابی ایران و ضرورت اقدام برای از بین بردن این رژیم ...

۴- علیرغم حل مسئله گروگان ها ما بیش از پیش شاهد تجدید حملات آمریکا به ایران بخصوص پس از آمدن ریگان به کاخ سفید هستیم. علاوه بر ادامه فعالیت های نظامی آمریکا و متحدانش در خلیج فارس و سواحل ایران و بعضی کشورهای همسایه ایران، هنوز نیروهای ضربتی دیگر سریع تر از قبل در پایگاه های مختلف آمریکا آماده می شوند. تمرینات نظامی در مصر و اسرائیل و عمان و بحرین و دیگر کشورها روز به روز افزایش می یابد. سعی بر آن است که قرارداد منعقد بین ایران و آمریکا در مورد گروگان ها نادیده گرفته شود و به عنوان فشار سیاسی و اقتصادی علیه انقلاب ایران به کار برده شود. آخرین نمونه آن کنفرانس مطبوعاتی ریگان است که در آن اعلام نموده که کارتر نمی بایستی با حکومت راهزنان چنین قراردادی منعقد سازد، نشانه آن است که تا چه حد حل مسئله ایران به نفع آمریکا می تواند تعیین کننده بوده و در کاهش تاثیر امپریالیسم آمریکا و دیگر کشورهای منطقه مهم باشد. همچنین اقدامات مهم در جهت تقویت مناسبات آمریکا و کشورهای منطقه جریان دارد. ساختن پایگاه های نوین در سومالی و کنیا و عمان و تشدید تسهیلات نظامی برای نیروهای آمریکائی در چندین منطقه به چشم می خورد. امپریالیست های دیگر همچنین مشغول فعالیت هائی در همین زمینه هستند. حرکت نیروهای فرانسوی در شمال آفریقا، تجدید فعالیت ناوگان انگلیسی در منطقه و غیره ...

ضمنا حل تضادهای موجود بین امپریالیسم آمریکا و بعضی رژیم های دیکتاتوری و ارتجاعی منطقه به سرعت دیده می شود. همه حرکات حاکی از حل و فصل این تضادها و پایان دادن به آنهاست. بد عنوان نمونه نایج کنفرانس کشورهای اسلامی و بیانات اخیر هیک در مورد ضرورت برقراری مناسبات نزدیک با رژیم دیکتاتوری عراق است. تقویت هرچه بیشتر مناسبات پاکستان با آمریکا، روی کار آمدن رژیم با "ثبات" در ترکیه و همچنین فعالیت های بیش از پیش نظامی اسرائیل در لبنان و جنوب لبنان. اینها آن چیزی است که در مورد فعالیت های آمریکا و کشورهای ارتجاعی در خارج از محوطه جغرافیائی ایران بد چشم می خورد. یعنی سمت گیری در جهت بسیج تمام امکانات ضد انقلابی برای مهار کردن جنبش انقلابی در منطقه. در مقابل اینها می بینیم جنبش انقلابی منطقه در جهت حرکت و اقدام می کند و آیا برد حرکت آن متناسب با این خطرات و بسیج همه جانبه امپریالیسم جهانی هست یا نه؟ آیا جنبش انقلابی قادر است با این همه نقشه ها و برنامه های شوم مقابله کرده و آنها را خنثی نماید؟ البته یک سلسله اقدامات مثبت از طرف نیروهای ضد امپریالیست عرب شده است، مانند هماهنگ کردن هرچه بیشتر اقدامات کشورهای مقاومت و پایداری عرب یعنی سوریه، فلسطین، لیبی، یمن دمکراتیک، الجزیره و همچنین درون جنبش های انقلابی کشورهای عربی. ما شاهد اقدامات هرچه بیشتر برای وحدت نیروهای سیاسی و انقلابی در این کشورها و همچنین پیوند آنها با کل جنبش انقلابی جهان و کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد شوروی هستیم. نمونه آن قرارداد دوستی بین سوریه و کشورهای سوسیالیستی (شوروی) که در جریان جنگ ایران و عراق امضاء شد. تعمیق و گسترش این مناسبات با کشورهای جهان سوسیالیسم و در چهارچوب هر کشور صورت می گیرد که ائتلاف نیروهای ضد امپریالیست را به همراه دارد. اعلان جبهه دمکراتیک ملی در عراق نیز در همین زمینه است ولی واقعیت این است که این حرکات در مقابل کل اقدامات سریع امپریالیسم آمریکا و ارتجاع در منطقه، متناسب نیست. در اینجا بایستی اشاره شود که سهم عمده ای در این مورد به عهده انقلاب ایران است. علیرغم اقدامات کوچک اخیر در مورد پیوند نزدیک تر با کشورهای مترقی عرب در جبهه مقاومت و پایداری هنوز این اقدامات و گام های برداشته شده بسیار اولیه، ساده و ناکافی به نظر می رسند که در کل، نقطه ضعف مهمی به شمار می آید. بعلاوه انقلاب ایران و دولت کنونی ایران هنوز تضادهای غیرعمده با بعضی از جناح های ضد امپریالیستی را به عنوان تضاد عمده تلقی می کند یعنی موضع گیری ایران در برابر افغانستان، در برابر جهان سوسیالیسم و بخصوص شوروی نادرست و انحرافی است. اینها شامل تشویق کننده ای برای امپریالیست ها و نیروهای ارتجاعی است. ضعف های قابل توجهی برای جنبش انقلابی ایران در مقابله با کل سیستم امپریالیسم جهانی وجود دارد. وظیفه مبرم هر جریان انقلابی، برملا ساختن این گرایش های خطرناک و طرد این گرایشات در صفوف جنبش انقلابی خلق است وگرنه بدون این امر، صحبت و دفاع از انقلاب ایران و مبارزه با امپریالیسم و نقشه های شوم آن، امری پوچ و بی معناست. اینجا مسئولیت نیروهای انقلابی چه در جبهه ایدئولوژی، چه در جبهه سیاسی و اقتصادی است که در سطح ایران یا منطقه در زمینه های فوق عمل نمایند تا این امکان هرچه بیشتر فراهم گردد که انقلاب ایران و جنبش های رهائی بخش

منطقه بخوبی از خود دفاع و نقشه های امپریالیسم جهانی را فاش سازند. اما در مورد وضع داخلی ایران و اینکه انقلاب بر چه بسری جریان دارد و با چه خطراتی روبروست، البته صحبت و اظهار نظر قاطع و کامل از داخل این مکان بسته و محدود برای من امری دشوار و مشکل است ولی با همین اطلاعات موجود خطوط عمده ای بد چشم می خورد که حائز اهمیت بسیار بوده و حساس می باشند که من تنها به چند نکته مهم آن اشاره می کنم:

یکی مسئله جنگ عراق و ایران است که به عنوان یک گره عمده از کل گره های جنبش فعلی ایران است و البته بر هیچ کس پوشیده نیست که هدف از این جنگ در درجه اول سرنگونی حاکمیت خط امام و سرکوب جنبش انقلابی ایران است. این هدف با کل منافع امپریالیسم جهانی و منافع رژیم های ارتجاعی و دیکتاتوری در منطقه سازگار است بنابراین پیروزی یا شکست در این جنگ از برداشته های نظامی صرف منتج نمی شود بلکه باید دید این پیروزی در چهارچوب چه حاکمیتی و تحت چه شرایطی به دست خواهد آمد؟ بایستی دید هدف از تحمیل جنگ چه بوده و سپس بر اساس آن تجزیه و تحلیل نمود. مسئله روبرو شدن با مشکلات جنگ موجود، چه از نقطه نظر احتیاجات نسلیحاتی، چه از نظر روبرو شدن با مسئله بسیج مردم برای دفع تجاوز و حفظ حاکمیت و چه از نظر مسائل مربوط به ارگان های مختلف نظامی مانند سپاه پاسداران، ارتش و بسیج مستضعفین تمامی نکات مهمی است که باید آنها را در نظر گرفت. در این میان باید به یک نکته بسیار مهم توجه داشت: مذاکره یا عدم مذاکره بر چه پایهای صورت می گیرد؟ این امر خدمت به کدام حاکمیت خواهد بود؟ آیا واقعا جای بحث نیست که ادامه جنگ به نفع حفظ حاکمیت انقلابی است یا توقف آن؟ این مسائل عمده بطور روشن بایستی مورد بررسی قرار گیرد. این تحلیل ها بایستی نسبت به شرایط موجود و امکانات عینی و ظرفیت کل جنبش انقلابی ایران و سرنوشت مبارزات ضد امپریالیستی به پیش رود. مسئله دوم بسیج نیروهای داخلی ضد انقلاب است که بسیار مشهود بوده و باید بدان توجه نمود. به مسئله شکل و هماهنگی آنها در خارج از مرزها قبلا اشاره شد. در روزهای اخیر شاهد اوج گیری درگیری های مسلحانه در کردستان بوده ایم. برخوردهای عراق و ایران که تا دیروز تا حدود قصر شیرین و سرپل ذهاب کشیده شده بود، اکنون به مناطق میوان و نوسود رسیده است. منطقه مهاباد و دیگر مناطق کردستان عرصه نبرد بین نیروهای کرد و حکومت مرکزی است و آنجا البته نیروهای ضدانقلاب در جهت تقویت موقعیت خود عمل می کنند. در مقابل، ما شاهد هستیم بعضی گرایشات مثبت در جهت هرچه بیشتر آرایش دادن به نیروهای انقلابی و ضدانقلابی و شناخت و فکیک آنها در منطقه کردستان از طرف حاکمیت صورت می گیرد. نمونه اش پیام اخیر امام خمینی بوده است. همچنین بیانیه دادستان انقلاب اسلامی کردستان و سلسله مقالاتی که در جمهوری اسلامی درباره بعضی افرادی که در ظاهر در جهت دفاع از انقلاب ولی در باطن در جهت سرکوب انقلاب عمل کرده اند ولی کل این اقدامات به کندی و بدون برنامه به مرحله اجرا در می آید. در حالیکه حرکت ضدانقلاب در این مناطق با فعالیت و هماهنگی بیشتر عمل می کند و هنوز نوده های مردم کردستان در این صف بندی سردرگم می باشند و رشنه های سالم به دست آنها نیفتاده. از طرف دیگر رادیوهای خارجی

نصفه از صفحه ۱۳

## نامه یک انقلابی کمونیست

پنجم مسئله بسیج مردم در جهت حل تمامی مشکلاتی است که برشمرديم و مناسفانه از سازمان یافتگی محروم است. و این موضوع حتی بد سردرگمی توده‌های مردم نیز منجر خواهد شد. یعنی نه حزب جمهوری اسلامی، نه گرایش‌های دیگر سیاسی نتوانسته‌اند توده‌های مردم را سازماندهی کنند و حتماً هیچ جریان سیاسی ضدامپریالیست دیگری هم با هر مرام و مسلکی به تنهایی نخواهد توانست این امر مهم و اساسی را انجام دهد. در شرایط حساس کنونی ایران، گرایش‌های سالم کمونیستی و گرایش‌های رادیکال علی‌رغم تاثیرات مثبت روی کل حرکت سیاسی و فکری توده‌ها و حاکمیت از انسجام برخوردار نیستند. این تاثیرات البته متناسب با کل خطراتی که جنبش انقلابی ایران را تهدید می‌کند، نیست. مسئله عدم همکاری و هماهنگی بین نیروهای مختلف ضدامپریالیست چه در عرصه جهانی و چه در داخل ضربات متعددی بر پیکر انقلاب وارد نموده است و در صورت عدم تأمین این همگامی ضربات مهلکی در آینده به جنبش ضد امپریالیستی خلق‌های ایران وارد خواهد شد. اثرات منفی عدم اتحاد نیروهای ضدامپریالیست هم‌اکنون نیز به چشم می‌خورد. وضع اکنون طوری است که جنبش مذهبی با گرایش‌های مختلف نتوانسته هماهنگی لازم بین سازمان‌های مختلف مذهبی ایجاد کند. جنبش سیاسی رادیکال و کمونیستی نیز هنوز از عهده چنین کاری برنیامده است و این از سوتی به علل تاریخی و از سوی دیگر به حرکات حساب‌شده و پیگیر لیبرال‌ها و نیروهای ضدانقلاب در جهت ایجاد یک جو و فضای فکری - سیاسی ضد کمونیستی است تا مانع این حرکت مشروع و سالم شوند. زیرا نیروهای ضدانقلاب به خوبی می‌دانند که اگر چنین روندی به جریان افتد، دیگر نمی‌توان ضربه‌ای به جنبش انقلابی ایران وارد آورد و برعکس یک فضای مناسب برای اوج‌گیری مبارزات ضدامپریالیستی در منطقه گشوده خواهد شد. بنابراین این سؤال مطرح است که این نیروهایی که برای مبارزه با امپریالیسم باید به سوی وحدت گام بردارند و توده‌های شناورى که هنوز وفادار به سنت‌های انقلابی امام است باید به چه نحوی سازماندهی شوند؟ برای مقابله با تمامی مشکلاتی که در برابر انقلاب وجود دارد، قدم اول بایستی در کدام جهت برداشته شود؟ ما شاهدیم که بیشترین نیروهای رادیکال و گرایش‌های کمونیستی سالم، شعار جبهه متحد ضدامپریالیستی را می‌دهند. البته یک جبهه به معنی کلاسیک آن مطرح نیست آن چه که مطرح است، صحبت از هماهنگی در ایجاد شعارهای واحد برای رهنمودهای اقتصادی شیوه‌های گوناگون مبارزه با امپریالیسم، رهنمودهایی برای حل مشکلات جنگ، در سطح سیاسی، دیپلماسی و غیره برای جذب آن نیروهای شناور عظیم و اصيل انقلابی است و جلوگیری از کشیده شدن آنها به سوی جریان‌های گرایش‌های ناسالمی که در جامعه وجود دارند. اینجا می‌پرسیم این وظیفه عمده برعهده چه نیروئی است؟ آیا حزب جمهوری اسلامی با این ظرفیت سیاسی توان آن را دارد یا حاکمیت؟ جواب منفی است. این در حالی است که امکانات عظیمی در اختیار آنان وجود دارد. در اینجا می‌ماند نیروهای رادیکال دیگر هرچند که این نیروها امکانات و

همیشه دم از حوادث بلوچستان و سیستان می‌زنند و زمینه‌های بحران‌های داخلی در این مناطق بیش از پیش افزایش می‌یابد. تاکنون هیچ‌گونه اقدامی از طرف حاکمیت در جهت جذب نیروهای ملی ساکن مناطق خلقی ایران به مرحله اجرا درنیامده است. اگر چنین سیاسی در پیش گرفته می‌شد، برنامه‌های انقلابی برای مهار کردن فعالیت ضدانقلاب در مناطقی مانند مناطق عربی، بلوچ، کرد و غیره وجود می‌داشت، بخصوص در نقاط کردستان و خوزستان می‌توانست جنبه‌های مثبتی برای حاکمیت و انقلاب داشته باشد. اکنون فعالیت‌های گوناگون و خطرناکی از طرف عناصر و بقایای پوسیده فئودالیسم که نمی‌تواند جدا از کل نقشه‌های داخلی و خارجی باشد، در گوشه و کنار به چشم می‌خورد و البته تمامی این توطئه‌ها از طرف امپریالیسم رهبری می‌شود.

سوم اینکه مناسفانه هنوز که هنوز است علی‌رغم نکات مثبت در جهت از هم جدا کردن صف انقلاب و ضدانقلاب، این مسئله تا حدود زیادی مخدوش مانده است و این بدان علت است که عملکرد بعضی نیروهایی که در حاکمیت هستند، در جهت لوٹ کردن این مسئله اساسی انقلاب پیش می‌رود. یعنی مثلاً هنوز در جراید، انقلابیون کمونیست بعنوان ضدانقلاب شناسانده می‌شوند و از طرف دیگر عملکرد بعضی نیروهای سیاسی و بخصوص و بطور عمده مجاهدین در جهت لوٹ کردن و خدشه دار نمودن به این صف - بندی پیش می‌رود. که کل این جریان‌ها زمینه خوبی برای جولان دادن و فعالیت نیروهای ضدانقلابی در داخل است. خصوصاً با این دوگانگی که در حاکمیت (خط امام و خط بنی‌صدر) زمینه‌های تقویت بیشتر ضدانقلاب را به وجود می‌آورد. خط بنی‌صدر و امکانات وی در حاکمیت سرپوشی برای تمام فعالیت‌های ضدانقلابی به شمار می‌آید. اخیراً رو در روئی بین دو خط موجود لااقل در صفحات روزنامه‌ها درگیری‌های خطرناکی را نشان می‌دهد که کل این درگیری‌ها یعنی همین اختلافات در مسائل عمده و تصمیم‌گیری درباره موضوعات مختلف و تضادهای شدیدی که وجود دارد، در مجموع زمینه آشفته‌ای برای رشد و تقویت عملکردهای ضدانقلاب به وجود می‌آورد. مسئله چهارم اینکه مسائل و مشکلات اقتصادی در شرایط کنونی از اهمیتی استثنائی برخوردار هستند. اقدامات دولت بدون برنامه‌ریزی است و البته اقدامات مثبتی هم در بخش اقتصاد اتخاذ شد تا با اوضاع جنگی مقابله نماید ولی برداشتن بار سنگین مشکلات اقتصادی احتیاج به یک برنامه بلندمدت دارد تا در جهت کاهش بحران اقتصادی عمل نماید. بخصوص که بعد از جنگ این موضوع شکلی جدی بخود گرفته است. پیروزی در این جبهه از مبارزه به معنای تقویت موقع انقلابی دولت بر پایه یک برنامه مترقی است نه در جهت وابستگی. این در تمام بخش‌های اقتصادی، چه در صنعت، چه در کشاورزی و چه در جنبه‌های دیگر مطرح است. در اینجا نیروهای انقلابی بیش از پیش موظف به ارائه یک برنامه معقول هستند. برنامه‌های معقول و متناسب برای روبرو شدن با بحران اقتصادی که وجود دارد. البته حل مشکلات اقتصادی نمی‌تواند بدون ارتباط با تعدادی شرایط خارجی و داخلی باشد.

پایه‌های مادی و مردمی محدودی دارند، با شعارهای واحد می‌توانند رهنمودهای عظیمی برای کل جنبش توده مردم چه مسلمان و چه غیر مسلمان داشته باشند. و با ارائه رهنمودهای واحد بر مبنای تجزیه و تحلیل‌های واقعی و در نظر گرفتن ظرفیت حاکمیت می‌توانند در جهت تعمیق و گسترش گرایش‌های رادیکال و ضدامپریالیستی آن بکوشند و کانون قدرتمندی باشند در کنار خط امام برای بسیج توده‌ها. این امر در جهت ایزوله کردن ضدانقلاب و تمامی جناح‌های سازشکار با امپریالیسم بسیار موثر خواهد بود. بنابراین تعلل در پیشبرد این شعار و این اقدام با در نظر گرفتن واقعیت عینی، چه داخلی و چه خارجی، روشن است که چه ضرباتی به جنبش وارد خواهد نمود. آیا مبارزه درونی بین این نیروها و جدائی هرچه بیشتر آنان به نفع چه کسانی است؟ آیا زمان آن فرانسیده است که از طرح شعار به پیاده کردن اقدامات عملی برسیم؟ بخصوص عدم اتحاد در گام‌های عملی در این مورد باعث خواهد شد در تحلیل‌های بعضی از جناح‌های رادیکال، گرایش‌های ناسالم و غیرواقعی بروز نماید. نمونه‌اش بعضی تحلیل‌های تا حدودی چپ‌روانه است که در روزنامه است در شماره‌های اخیر دیده شده که در واقع نه در جهت نزدیکی بلکه به تدریج در جهت افتراق پیش می‌رود. هماهنگی بین این نیروهای سیاسی بخصوص در حضور مردم باعث خواهد شد این جنبه‌های منفی مهار شده و امید مردم افزایش یابد و خودبخود این تحلیل‌ها به گوش مردم خواهد رسید که می‌تواند در مورد تک تک مسائل گرهی جامعه یعنی اقتصاد، جنگ، مناسبات خارجی صورت گیرد. بدین وسیله پیشبرد انقلاب و حدود آن در تمام شئون گسترده شده و نقطه جذبی برای مردم خواهد شد که خود یک فشار از پائین به حاکمیت انقلاب وارد خواهد آورد و تحولی کیفی در برابر حاکمیت و جنبش و توده‌ها خواهد بود. اکنون هیچ راه حل دیگری نیست تا این کانون هماهنگی به وجود آید. چنین کانونی می‌تواند خود را به جامعه و حاکمیت تحمیل کند. و باعث تقویت هر یک از این جریان‌ها خواهد شد که در این هماهنگی شرکت دارند. در عین حال دگم‌های زیادی که در ذهن مردم وجود دارد، شکسته شده و این امر یک وظیفه ملی انقلابی و یک وظیفه انترناسیونالیستی است زیرا اثرش در جنبش‌های منطقه و صف‌بندی نیروهای انقلابی جهان بسیار خواهد بود و چنانکه گفتم هیچ راه حل دیگری وجود ندارد و بازهم بایستی تأکید شود که در حالیکه دشمن تمام امکانات خود را گرد آورده و بسیج نموده، در داخل ایران نیروهای انقلابی هنوز قدم‌های مثبت و پایدار در این جهت برداشته‌اند و این تا کی ادامه خواهد داشت.

در پایان بایستی بگوئیم که جنبش انقلابی ایران علاوه بر تجربه‌های گرانبهایی که در ظرف این سه سال اندوخته، تجربه‌های نیرومندی در تاریخ گذشته خود نیز داشت. همچنین تجربیات غنی و پر بار جنبش انقلابی منطقه و جهان را در اختیار دارد و اگر این تجارب بموقع و مناسب به کار بسته شود، با توجه به شرایط جهانی بسیار مناسبی که موجود است، امید زیادی هست که جنبش انقلابی ایران و بخصوص کمونیست‌ها این معضلات و مشکلات کنونی را حل کرده و یا در حل آن بسیار موثر باشد و در نتیجه انقلاب ایران مسئولیت ملی و انترناسیونالیستی خود را پیروزمندان پشت سر بگذارد و دورنمای شکوفان و پر بار برای خود و خلق‌های منطقه به ارمغان آورد...

با درودهای رفیقانه

## با گامهایی استوار

نقشه از صفحه ۸

پرولتری وظیفه‌ای می‌شود که "کار" بطور پیگیر و مداوم آن را به‌انجام می‌رساند. در هر گام استواری که "کار" در راه پیروزی انقلاب به‌پیش برداشت و برمی‌دارد و در هر سطحی که "کار" به‌مثابه زبان گویا و وجدان بیدار طبقه کارگر و تمامی اقشار خلق وظیفه خود را به‌عنوان "سازمانگر" مبارزات توده‌های مردم برای کسب استقلال - کار - مسکن و آزادی متعهدانه و با احساس مسئولیت عظیم به‌انجام می‌رساند کینه و نفرت دشمنان انقلاب ایران نسبت به فدائیان خلق "اکثریت" فزونی می‌گیرد و همه کسانی که دانسته و نادانسته علیه‌مصلح طبقه کارگر و سوسیالیسم اقدام می‌کنند، با خصومت بیشتری علیه ما تبلیغات به‌راه می‌اندازند. اکنون "کار" نشریه‌ای است که نقشی بزرگ در انقلاب ایران برعهده دارد. با "کار" ابعاد وسیعی از مردم علیه امپریالیسم

جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان آن و نیروهای مورد حمایت آن سازمان می‌یابند، "کار" هم‌اکنون با افشای دسایس امپریالیسم و همه نیروهای که در راه آن گام برمی‌دارند نقش عظیمی در حفظ دستاوردهای انقلاب برعهده دارد. با "کار" توده‌های وسیعی از مردم دوستان و دشمنان خود را بهتر باز می‌شناسند و در ابعادی میلیونی به شناساندن دوستان و دشمنان انقلاب مشغولند. به‌این ترتیب است که رساندن "کار" به‌دست توده‌های زحمتکش مردم وظیفه انقلاب و مبرم همه کسانی است که نسبت به سرنوشت انقلاب مردم احساس مسئولیت می‌کنند و در راه پیروزی آن مصممند که از پیکار باز نایستند. هر چند "کار" هنوز هم در محاق توقیف است، لیکن دهها هزار رفیق انقلابی کمونیست با فداکاری و بی‌هراس از مشکلات و

سختی‌هایی که بر سر راه رساندن "کار" و پیام‌های آن به مردم وجود دارد این وظیفه انقلابی بزرگ را با تمام توان انقلابی خود به‌انجام می‌رسانند و به‌این ترتیب در حفظ دستاوردهای انقلاب و تدارک پیروزی نهائی آن می‌رزمند. "کار" در آغاز سومین سال انتشار خود بدون تردید با گام‌هایی استوارتر در راهی که برگزیده است به پیش خواهد رفت. همچنان در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا پیش‌تاز خواهد بود. از منافع کارگران، دهقانان و تمامی اقشار خلق پیگیرانه دفاع خواهد نمود. نیروهای مورد حمایت امپریالیسم را افشا خواهد ساخت و در راه تحکیم وحدت صفوف خلق پیگیرانه تلاش خواهد نمود و در راه صلح - استقلال، آزادی و سوسیالیسم مبارزه خواهد کرد. پیروزی با نیروی دوران‌ساز "کار" است.

## ضد انقلاب را افشاء کنیم

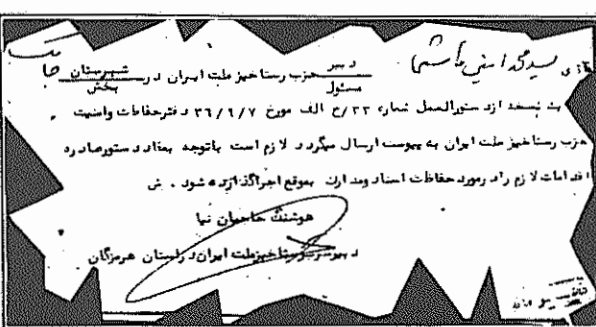
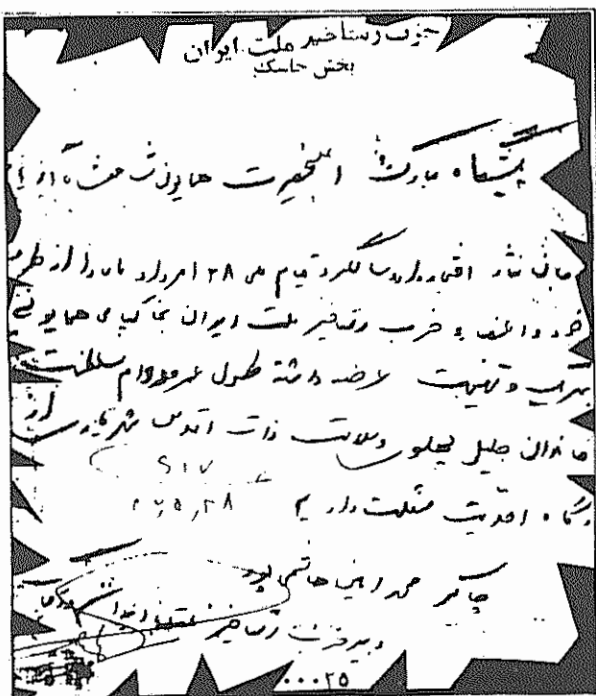
ضد انقلاب از عمان اسلحه وارد می‌کند

۱- میناب در "سیریک" دار و دسته مراد انوشیروانی (افسرسلطان قابوس) و "حسن رستمی" ساواکی معروف با همکاری "منگلی زاده" فرمانده گروهان ژاندارمری "سیریک" که فردی شاه‌دوست است به توطئه علیه جمهوری اسلامی مشغول هستند و از کشور عمان اسلحه وارد می‌کنند.

دبیر حزب رستاخیز

شهردار بندر جاسک شده است

۲- بندر جاسک رستاخیزی‌ها و ساواکی‌های فراری در برخی پست‌های حساس قرار دارند و علیه مردم زحمتکش منطقه و انقلاب توطئه‌چینی می‌کنند. "سید امین هاشمی‌پور" دبیر سابق حزب رستاخیز که اکنون باید در زندان باشد، در پست شهردار بندر جاسک "انجام وظیفه" می‌کنند!! اسناد زیر وابستگی این عنصر خودفروخته را نشان می‌دهد.



توطئه خوانین مسلح در نورآباد ممسنی

۳- نورآباد ممسنی - عده‌ای از خوانین مزدور قشقایی که مسلح نیز می‌باشند در کوه "درا" مستقر شده و این منطقه را به کانون توطئه علیه انقلاب ایران تبدیل کرده‌اند. در میان این مزدوران، خوانین معروفی چون: مهران پناه‌پور فرزند اسفندیار خان دره‌شوری، شهباز سترگ فرزند امین‌الله خان نماینده مجلس شاه، بهمن پناه‌پور فرزند چنگیز خان، مرتضی ضرغامی کشکولی فرزند سهراب کشکولی معدوم، شهریار دره‌شوری فرزند ایاز خان معدوم، پسران فتحعلی خان نرهای و ایرج گودرزی دیده‌ده می‌شوند.

نقشه از صفحه ۶

## اعتصاب در کارخانه کفش ملی

آنها را به رویارویی‌های غیر اصولی یا مطالبات صنفی کارگران کشانیده است و باید باردیگر تاکید کنیم که این مسئله یکی از عوامل مهم تشدید اعتراضات و درگیری‌های فوق‌الذکر بوده است. کارگران پیشرو کارخانجات کفش ملی با انتشار اعلامیه‌هایی خطاب به نمایندگانشان (شورای مرکزی) ضمن طرح خواستهای عاجل کارگران، پیشنهادات مسئولانه خود را برای پایان دادن به تشنج‌ها و تحریکات متقابل به ترتیب زیر ارائه داده‌اند: "ما از کلیه نمایندگان خود می‌خواهیم خواستهای ما را که به قرار زیر است، پیگیری کنند: ۱- آزادی کلیه دستگیر

که مدیریت مکتبی جدید به جای مدیریت ضدانقلابی گذشته بر سر کار آمد، انجمن اسلامی به‌تدریج از شورا و توده کارگران و خواستها و مبارزات صنفی‌شان فاصله گرفت و حتی عناصر مزدوری مثل فرودی و شاهمردی را که خود در افشاء و طرد آنها شرکت داشت به همکاری فرا می‌خواند و وظایفش را در تأیید صرف اقدامات غیرمسئولانه مدیریت جدید خلاصه نموده است. انجمن اسلامی و مدیریت فعلی بابت اعتنایی نسبت به مطالبات صنفی توده کارگران و تشکل مورد اعتماد آنها (شورای مرکزی) نفوذ و پیوندشان را در توده کارگران و شورا به تدریج از دست داده‌اند. و این مسئله بارها و بارها

### توضیح

به علت تراکم مطالب، "تقویم انقلاب جهانی" در شماره بعد درج خواهد شد.

# باند‌های ضدانقلابی خارج از کشور را

## افشای کنیم

● ضدانقلابیون رنگارنگ ایرانی که در طول انقلاب تا به امروز به کشورهای امپریالیستی و آغوش اربابان خود گریخته‌اند، با کمک همه‌جانبه‌امپریالیسم جهانی و به‌ویژه امریکای جهان‌خوار در باندهای کوچک و بزرگ متشکل شده و تلاش‌های ضدانقلابی خود را برای اعاده منافع از دست رفته خود ادامه می‌دهند. سرمایه‌داران وابسته فراری و سیاستمداران ورشکسته هوادار آنها، امرای ارتش آریامهری، افراد خانواده شاه معدوم، ساواکی‌ها و روشنفکران جیره‌خوار امپریالیسم، هرکدام باند و دسته‌ای تشکیل داده و همه گوش به فرمان امپریالیسم جهانی در پی تحقق نقشه‌های خائنه خود به منظور اعاده مجدد حاکمیت امپریالیسم بر ایران و برگردن جیب‌های گشادشان از حاصل کار و خون و عرق کارگران و زحمتکشان میهنان هستند. این ضدانقلابیون که یکی از بازوهای فعال امپریالیسم جهانی در اجرای توطئه‌های گوناگون علیه انقلاب ایران هستند، در فعالیت‌های ضد مردمی خود به ضد انقلاب داخلی یعنی سرمایه‌داران وابسته، زمینداران بزرگ، جریان‌های سیاسی حامی آنها و سازشکارانی که از تعمیق انقلاب هراسناک و وحشت‌زده هستند، متکی بوده و جبهه مشترکی بر ضد مردم ما تشکیل داده‌اند.

سازمان ما مبارزه با این ضدانقلابیون فراری و افشای همه‌جانبه توطئه‌های آنان را به مثابه وظیفه‌ای انقلابی تلقی کرده و همواره بر لزوم مبارزه جدی دولت جمهوری اسلامی با فعالیت مخرب آنها نیز تاکید کرده است. ما یکی از گام‌های اساسی در این راه را در پیش گرفتن یک سیاست خارجی فعال، انقلابی و منطبق بر مصالح مردم ایران دانسته و می‌دانیم.

گزارش زیر به منظور آشنائی بیشتر هموطنان با فعالیت دسته‌های ضدانقلابی خارج از کشور تهیه شده و تکمیل‌کننده گزارشی است که در کار ۸۳ زیر عنوان "گروه‌های ضدانقلاب خارج از کشور را بشناسید" درج گردیده و نهنها با استقبال مردم روبرو شد، بلکه در خارج از کشور نیز بازتاب یافته و خشم ضدانقلابیون فراری را برانگیخت و آنها را به تشدید فعالیت علیه سازمان ما واداشت. این گزارش همچنین حمایت همه‌جانبه امپریالیسم جهانی اعم از نوع امریکائی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، ژاپنی و... از ضدانقلابیون را نشان داده و سندی است علیه تبلیغات نیروها و جریان‌هایی که می‌کوشند برای به انحراف کشاندن انقلاب، امپریالیست‌های اروپای غربی را دوست مردم ما جلوه‌گر سازند.

● ضدانقلابیون خارج از کشور را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد. دسته‌ای که آشکارا و عیان از بازگشت سلطنت به ایران دفاع می‌کنند. بقایای مرتجع‌ترین بخش سرمایه‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم (نظیر خانواده شاه) جزو این گروه هستند و دسته دیگر ضدانقلابیون فراری که زیر پوشش "جمهوری‌خواهی" خواهان اعاده حاکمیت امپریالیسم و سرمایه‌داران بر میهن ما می‌باشند و عمدتاً لیبرال‌های گریخته از ایران را تشکیل می‌دهند.

### الف: سلطنت‌طلبان

۱- باند فرج - نهاوندی: این گروه دارای دو نشریه می‌باشند. یکی به نام "ندا" که بر نظر فرج و نهاوندی منتشر می‌شود و دیگری "سرودما" ارگان به اصطلاح دانشگاهیان و روشنفکران ایران که توسط نهاوندی اداره می‌شود. این گروه از طریق نشریات فوق فعالیت‌های ضدانقلابی خود را تبلیغ کرده و نیروان خود را متشکل می‌سازد.

۲- دار و دسه "آزاده" دخیر اشرف و افسران جوان: نام باند خود را "جنبش ایران آزاد" نهاده و نشریه "ایران آزاد" را منتشر می‌کند. این دو گروه مستقیماً از طرف افراد خانواده شاه تشکیل شده‌اند.

۳- ارتش رهائی بخش ایران: توسط امرای ارتش آریامهری یعنی ارتشید عظیمی، اویسی و ازهاری اداره می‌شود. این گروه نشریه "آرا" را منتشر می‌کند. استراتژی آنها به نقل از ارگان رسمی‌شان چنین است:

"جنگ مسلحانه با رهائی میهن کبیر از زیر سلطه رژیم غیرقانونی (!) \* مبارزه سیاسی برای

ایران‌تربییون (به سردبیری روزنامه‌نویس خود - فروخته پرویزقاضی سعید که در امریکا منتشر می‌شود). یکی از منابع عمده این نشریات ضد انقلابی در کسب خبر و درج مقالات، روزنامه میزان ارگان لیبرال‌های وطنی به سرکردگی آقای بازرگان می‌باشد. این نشریات بطور مرتب صفحاتی را به انعکاس مطالب روزنامه میزان اختصاص داده و همچنین اعلامیه‌های روحانیون طرفدار سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ نظیر آیت‌الله شریعتمداری، قمی و... را در صفحات اول روزنامه‌های خود چاپ می‌کنند.

### یگان و موضع سلطنت‌طلبان

○ سلطنت‌طلبان در نشریه "پردیس" سیاست ریگان در مورد ایران را چنین تشریح می‌کنند: "سیاست جمهوری خواهان (امریکا) در طول تاریخ گذشته ایران همواره نسبت به رژیم سلطنتی مساعد بوده‌است ولی با حوادثی که طی دو سال اخیر پیش آمد، احتمال استقرار فوری چنین رژیمی در ایران در شرایط حاضر ضعیف است. حتی اگر اجباراً استقرار یک رژیم نظامی ضرورت یابد، جمهوری خواهان مایلند نوعی دمکراسی در ایران مستقر شود".

سلطنت‌طلبان "ایرانی" سپس اشاره می‌کنند که به ۳ دلیل از روی کار آمدن ریگان استقبال می‌کنند:

۱- بازگشت ریگان یعنی بازگشت کیسینجر و راکفلر و این به معنی تقویت سیاست ما (سلطنت طلبان) است. ۲- روابط نزدیک ما با حزب جمهوری خواهان سابقه طولانی دارد. ۳- کارتر را عامل اصلی سرنگونی رژیم سلطنتی ایران می‌دانیم.

در پی سیاست نزدیکی سلطنت‌طلبان فراری ایران با جناح جمهوری خواه امپریالیسم امریکا که پس از روی کار آمدن ریگان دنبال می‌شود، در ۱۱ ژانویه "اویسی" بنا به دعوت مشاورین ریگان به واشنگتن رفته است. (منبع خبر نشریات ضد انقلابی خارج از کشور است.)

### ب: جمهوری خواهان

۱- نهضت مقاومت ملی: این گروه ضدانقلابی توسط بختیار خائن در مردادماه ۵۹ تشکیل شده است. مرکز آن در فراسه و نشریه رسمی آن "اخبار ایران" نام دارد. علاوه بر این نشریه نشریات دیگری از موضع بختیار و شرکایش دفاع می‌کنند که بطور نامنظم انتشار می‌یابند. این تشکیلات تا قبل از روی کار آمدن ریگان فعال‌ترین و عمده‌ترین جریان ضدانقلابی خارج از کشور بود. بعد از ریاست جمهوری ریگان و تغییر سیاست‌های کاخ سفید در جهت حمایت از سلطنت‌طلبان "ایرانی" از بختیار به شرطی حمایت می‌شود که با سایر ضدانقلابیون خارج از کشور به وحدت نظر برسد. بر اثر این تغییر سیاست کاخ سفید، تشکیلات فوق در آستانه از هم پاشیدن قرار گرفته است مگر اینکه بتواند با



نصفه از صفحه ۱۶

## باندهای ضدانقلابی خارج از کشور ...

● از جمله فعالیت‌های ضدانقلابی که در خارج علیه انقلاب ایران صورت می‌گیرد، انتشار تعداد زیادی نشریه به زبان فارسی است که از موضع سلطنت‌طلبان دفاع می‌کنند. یکی از منابع عمده این نشریات ضدانقلابی در کسب خبر و درج مقالات، روزنامه میزان ارگان لیبرالهای وطنی بسرگردگی آقای بازرگان می‌باشد.

سلطنت‌طلبان به توافق و وحدت نظر برسند. گوشه‌ای از نظریات بختیار خاش که در آخرین مصاحبه‌اش با روزنامه ایران نریبون عنوان شده خط مشی این تشکیلات ضدانقلابی و رسوا را روشن می‌سازد. او در مورد به اصطلاح رهبران گروه‌های مخالف می‌گوید:

"آریانا سرباز خوشنام و وطن پرست است. ولی احتمال دارد ایشان از نظر نظامی امروز نتواند کاری کند. من او را می‌شناسم آدم درسی است. آقای اوپسی هم یک فرد ایران دوست و با انضباط است!!!"

در مورد فعالیت سایر گروه‌های ضدانقلابی فراری می‌گوید:

"اگر هدفشان بازگشت به ایران است، پس باید با ایدئولوژی خود به نهضت خلقی (!) ما بپیوندند، اما من این پرچم نهضت را که در دست دارم به کسی نمی‌دهم"

در مورد کودتای سافرجام ۱۸ نیز می‌گوید: "۲۵ نفر از آنها بختیاری بودند و از اقوام من"

در مورد رژیم صدام حسین می‌گوید: "با عراق پیش از این جنگ صد درصد موافق بودم و حالا هم اختلاف زیادی نداریم" و "باز هم می‌گویم بین صدام و خمینی من صدام را انتخاب کردم!!"

۲- باند مدنی، نزیه، مقدم مراغهای و حزب جمهوری خلق مسلمان: این باند شبکه وسیعی را به وجود آورده و فعالیت گسترده‌ای دارند. آنها تشکیلات خود را "جبهه رهائی بخش" نام گذاشته و افکار خود را از طریق نشریه "ایران و جهان" تبلیغ می‌کنند. مرکز اصلی فعالیت آنها نیز در فرانسه است. این نشریه چون سایر نشریات خارج کشور اخبار داخلی ایران را از طریق روزنامه میزان درج کرده و این روزنامه مهم ترین منبع خبری آنها می‌باشد. باند نزیه، مدنی گاهی اوقات از مطالب و مقالات روزنامه آقای رئیس جمهور "انقلاب اسلامی" نیز استفاده می‌کنند. تشکیلات فوق که در حال حاضر بزیه و مدنی سرکردگی آن را به عهده دارند، از امکانات مادی قابل توجهی برخوردار است که همه آن از طرف حزب جمهوری خلق مسلمان تامین می‌گردد. تاکنون ۶ نامه سرگشاده از نزیه و یکی نیز از طرف مدنی برای آیت الله خمینی فرستاده شده که نامه مدنی در سطح وسیعی در پاریس پخش شد. روزنامه لوموند نیز قسمت‌هایی از آن را به چاپ رساند.

نزیه در ششمین نامه خود آشکارا از بازرگان و حزب جمهوری خلق مسلمان دفاع کرده است. او می‌گوید:

"مناسفانه بازرگان خیلی دیر جنیبیده و ای کاش از ماه دوم بعد از انقلاب با من همگامی و هماهنگی می‌نمود."

او درحالی دیگر خطاب به امام خمینی گفته است:

"شما اجتماع ده، بیست هزار نفر را در باشگاه حزب جمهوری خلق مسلمان تحمل نکردید، چرا؟ برای اینکه فکر آنها قوی تر بود (!) و بالاخره راه آنها راه واقعی اسلام و راه امت بود." در ادامه تلاش‌های ضدانقلابیون برای وحدت

و همکاری هماهنگ علیه انقلاب. اخیراً مدنی به لندن رفته و ملاقات‌هایی با ضدانقلابیون مقیم آنجا داشته است. او که همراه بزیه برای احیای جبهه ملی در خارج تلاش می‌کند، ارتباط خود را با سنجایی، صدیقی و... رهبران جبهه ملی در ایران حفظ کرده است.

۳- جبهه به اصطلاح مصدقی‌های ایران: سرکردگی این دار و دسته با خسرو شاکری دبیر سابق کفدراسیون دانشجویان خارج از کشور، علی شاکری و فرهنگ قاسمی (پسر ابوالفضل قاسمی ساواکی برجسته، ساینده فراری مجلس شاهنشاهی و عضو جبهه ملی) است. نشریه "جمهوری" ارگان رسمی این "جبهه" می‌باشد که در پاریس منتشر می‌شود. مرکز این "جبهه" در پاریس است ولی عمده ترین نیروی آن در آلمان غربی می‌باشد

● روزنامه میزان مهم ترین منبع خبری نشریات باندهای ضد انقلابی خارج از کشور است آنها همچنین مطالب روزنامه "انقلاب اسلامی" را نیز مورد استفاده قرار می‌دهند.

رادیویی به نام "وطن" در ماه ژانویه شروع به فعالیت کرده که به احتمال قوی متعلق به این "جبهه" و باند نزیه-مدنی می‌باشد و گویا پایگاه آن در آلمان غربی است. جبهه فوق اعلامیه‌ها و بیانیه‌های آیت الله شریعتمداری، گلپایگانی و حزب جمهوری خلق مسلمان را تکثیر و پخش می‌نماید و ضمن حمله به سازمان‌های انقلابی چون سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) به دفاع از جریان‌هایی مثل حزب دمکرات و کومدله می‌پردازد.

۴- باند علی‌امینی و میرفندرسکی: علی امینی چهره سرسپرده امپریالیسم آمریکا از طرف اربابان خود ماموریت دارد تا همه ضدانقلابیون خارج کشور را در درون یک جبهه واحد متشکل کند. او برای این کار تاکنون ۳ کفرانس در ژنو و سس فرانسه ترتیب داده که هر سه با شکست روبرو شده‌است. اکنون وی دوباره از طرف اربابان امریکائی‌اش ماموریت یافته تا با کمک "میرفندرسکی" (وزیر خارجه کابینه بختیار) به وحدت ضدانقلابیون تحقق بخشد.

امپریالیست‌های امریکائی اخیراً این جیره - خواران را تهدید نموده‌اند که تا حصول آنها به وحدت کامل به حمایت جدی (!) از آنها دست نخواهد زد. علی‌امینی در مصاحبه‌ای با لوموند فرانسه (در ۳ فوریه ۸۱) ماموریت جدید خود را اعلام نموده و ضمن انتقاد از پراکندگی ضدانقلابیون از آنان می‌خواهد تا به مسئولیت‌های خود واقف بوده و اخلاقات خود را کنار گذارده، یکی شود! (لازم به تذکر است که در حال حاضر احلافات ضدانقلابیون با همدیگر به اصطلاح ریاد است و بخصوص در مورد مسئله قدرت، - شر در حواب سد پنهانده!

باهم اختلاف اساسی دارند!) در ادامه این تلاش‌های "وحدت طلبانه" "پیام" نشریه ضد انقلابی سلطنت‌طلبان در دومین شماره خود با عنوان "سلطنت‌طلبان متحد می‌شوند" از رهنمودهای امینی استقبال کرده‌است. این نشریه پیام اوپسی را در حمایت از سلطنت - طلبان و همچنین پیام‌های اشرف و رضا پهلوی را که هر کدام به نوعی از وحدت دم می‌زنند منتشر کرده و هر سه پیام‌نیز از سقوط کارتر و روی کار آمدن ریگان اظهار خرسندی و امیدواری می‌نمایند.

۵- باند حزب اتحاد برای آزادی (متعلق به بنی احمد نماینده مجلس شاهنشاهی)، حزب پان ایرانیست، حزب میهن، حرکت برای آزادی ایران جمعیت راه آینده: این باند فعالیت مستقل نداشته و زمانی به دنبال این جریان و زمانی به دنبال آن جریان روان است. در میان آنها تنها پان ایرانیست‌ها نشریه‌ای به نام "ملت" منتشر می‌کنند و حزب اتحاد برای آزادی بنی احمد نیز فعالیت‌هایی به دنباله‌روی از حزب خلق مسلمان انجام می‌دهد. بقیه این احزاب و جمعیت‌ها فعالیت چندانی ندارند. باند فوق از طرفداران سرسخت شریعتمداری بوده و مطالب و بیانات او را منتشر می‌کنند.

\* \* \*

ضدانقلابیون خارج از کشور به هر لباسی که درآیند، اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه، طرفدار حکومت نظامی یا "دمکراسی" و... تنها یک هدف دارند آن هم به زانو درآوردن خلق قهرمان ما، شکست انقلاب و روی کار آوردن مجدد رژیم وابسته به امپریالیسم و سرمایه‌داران رژیم که بتواند حاکمیت مجدد امپریالیسم و نوکرانش بر کار و زندگی کارگران و زحمتکشان میهنمان را احیاء کرده، منابع ملی ما را غارت کرده و در یک کلام شیره جان زحمتکشان ما را زالووار تا آخرین قطره بمکد.

آنچه مسلم است این است که این ضد - انقلابیون فراری حتی اگر متحد هم شوند، نمی‌توانند خطر جدی و فوری به شمار آیند، چه مردمی که هفتاد هزار شهید و صدها هزار مجروح را وثیقه آزادی خود قرار داده و با پیگیری برآستی قهرمانانه توانسته‌اند همه این مرتجعین را از میهن برانند، هرگز اجازه نخواهند داد که این مزدوران شناخته شده دیگر بار بساط ستم خود را پهن کنند اما هرگاه نسبت به وجود آنها، تأثیرات روانی توطئه‌های آنان در میهن ما و جهان و بخصوص لولو کردن آنان توسط سازشکاران برای اثبات به اصطلاح حقانیت‌شان غفلت گردد، بی‌شک راه آسیب - رسانی بر پیکر انقلاب باز خواهد ماند. بکوشیم که چهره ضدانقلاب را در خارج و داخل هرچه روشن تر افشاء کنیم تا قدرت مقاومت انقلابی مردم بیا خاسته میهنمان را در درهم کوبیدن کلیه مرتجعین و وابستگان امپریالیسم و طرد همه سازشکاران و جاده صاف کن‌های امپریالیست‌های امریکائی، فرانسوی، انگلیسی، ژاپنی و... فزونی بخشیم.

## طرح مجلس در مورد آزادی احزاب مخالف مصالح انقلاب است

ادعای عوام‌فریبانه ضدانقلاب که رژیم جمهوری اسلامی را رژیم "استبدادی" و "دیکتاتوری" می‌نامد، می‌باشد.

به نظر ما طرح ۲۰ ماده‌ای مطرح در مجلس، اصل آزادی احزاب پذیرفته شده در قانون اساسی را نادیده گرفته و آن را نقض می‌کند و نقض قانون اساسی چیزی نیست مگر پایمال کردن ثمرات انقلاب خلق، بی-حرمتی به خون شهیدان و بال و پر دادن به ضدانقلاب این طرح که به نام آزادی احزاب عملاً آزادی احزاب را نادیده می‌گیرد در واقع محصول تناقضی است میان گرایش به انحصارطلبی از یکسو و ظرفیت دموکراتیسم انقلابی جامعه از سوی دیگر که نمی‌تواند با چنین گرایشی تناسب داشته باشد. طرح فوق این تناقض را به سود گرایش اول (یعنی طرح حزب واحد توأم با رودربایستی!) حل کرده است. اما مصالح انقلاب حکم می‌کند که این تناقض به سود گرایش دوم و تأمین آزادی احزاب حل شود نمایندگانی که به این طرح رای مثبت داده‌اند، باید بدانند که وجود آراء لیبرال‌ها در مجموع آراء مخالف این طرح پیشنهادی به هیچ وجه دلیل حقانیت رای آنان نیست و نخواهد بود این نمایندگان باید بدانند که با چنین طرح‌هایی هرگز موفق نخواهند شد که جلوی عوام‌فریبی لیبرال‌ها و حتی گسترش فعالیت آنان را بگیرند. تنها راه طرد لیبرال‌ها همانا پاسخگویی به نیازهای اساسی توده‌های زحمتکش است که وجه مکمل آن برخورد اصولی و انقلابی با آزادی‌های سیاسی مصرحه در قانون اساسی می‌باشد. نمایندگانی که به طرح فوق رای داده‌اند باید بدانند که در برابر عواقب و عوارض سوء ناشی از تصویب این طرح، آنان بیش از هر کس دیگر مسئول و پاسخگو هستند.

شده و تشخیص این حدود نیز همانگونه که قبلاً اعلام داشته‌ایم فقط از طریق عالی‌ترین ارگان قانون - گذاری یعنی مجلس امکان‌پذیر است. از همین رو شروطی که به عنوان عوامل محدود کننده در مورد اصل آزادی احزاب مطرح شده، به حق باعث نگرانی نیروهای مدافع انقلاب گردیده است. در شرایطی که امپریالیست‌ها سرمایه‌داران وابسته زمینداران بزرگ و سخنگویان آنان دست در کار توطئه‌های گوناگونند و زندگی انقلاب مردم ستم‌کشیده ما را شدیداً تحت فشار قرار داده‌اند، هر تصمیمی که به نحوی از انحاء به محدودیت فعالیت نیروهای سیاسی به شیوه غیراصولی و قانون اساسی شکنانه و به ویژه محدودیت نیروهای مدافع انقلاب و اساس جمهوری اسلامی بیانجامد قرار دادن مانعی در مقابل تعمیق و تداوم انقلاب بوده و مستقیماً به نفع ضدانقلاب تمام خواهد شد. نمایندگان مجلس جدا از تمایلات ذهنی خود باید به این مسئله دقت بسیار مبذول دارند که بخش عظیمی از نیروهای فعال جامعه را که می‌توانند در خدمت تحکیم و تقویت انقلاب قرار گیرند در بهترین حالت محروم کردن خویش از یاری دوستان مسئول و در بدترین حالت به تقابل به جمهوری اسلامی وادار کردن، عملی مخرب به حال انقلاب و به سود دشمنان مردم و جمهوری اسلامی است. نتیجه چنین طرحی سوق دادن مبارزات مسالمت‌جویانه و قانونی نیروهای هوادار انقلاب به سوی برخوردهای خصمانه دامن‌زدن به اختلافات فرعی تقویت نیروهای در تقابل با اساس جمهوری اسلامی ایران و ضربه‌های هولناک بر وحدت صفوف مردم است. تصویب این طرح به معنی حقانیت بخشیدن به این

ناقض قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز می‌باشد. علیرغم تصریحات قانون اساسی، طرح ۲۰ ماده‌ای فوق آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در اصول ۲۶، ۲۷ و ۹ این قانون را نقض و آن را به دست کمیسیون مرکب از ۷ عضو می‌سپارد تا به احزابی که صلاح بدانند مجدداً اعطا و از گروه‌هایی که صلاح نمی‌داند اساساً دریغ نموده و هروقت نیز که لازم دانست حقوق اعطا نموده را بازپس بگیرد!! باید دانست که تحارب

" احزاب، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی، ساخته شده آزادند. مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد، یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت." اصل بیست و هفتم می‌گوید: تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح

● آزادی احزاب و چگونگی برخورد جمهوری اسلامی با آن در طول ۲ سال گذشته همواره یکی از مسایل حاد و مهم انقلاب مردم بوده است اهمیت مسئله از آنجا ناشی می‌شود که برخورد درست و اصولی جمهوری اسلامی با نحوه فعالیت احزاب و سازمان‌ها به مثابه گام بسیار مهمی در جهت تقویت انقلاب و تأمین وحدت صفوف مردم بوده و برعکس هرگونه عمل نادرست و غیر-واقع بینانه که بدون در نظر گرفتن نیازهای انقلاب و واقعیات موجود در جامعه صورت گیرد به نتایج بس مخرب و زیان‌آوری خواهد انجامید.

اکنون تصمیم‌گیری در مورد این مسئله مهم و حیاتی به مجلس شورای اسلامی محول شده و شور اول خود را نیز پشت سر گذاشته است. با توجه به اهمیت مسئله مجلس شورای اسلامی در برابر آزمایش دشواری قرار گرفته است. آزمایشی که در آن نشان خواهد داد در تصمیم‌گیری خود تا چه اندازه به منافع انقلاب پای‌بند خواهد ماند. نمایندگان مجلس در این آزمایش دشوار باید مسئولیت خطیر خود را به درستی درک کرده و از تصویب هرگونه قانونی که باعث تضعیف انقلاب و تفرقه در صفوف مردم در مبارزه متحدشان علیه امپریالیسم جهانی گردد، خودداری نمایند. هشدار ما به نمایندگان مجلس آن است که بدور از هرگونه کوتاه‌بینی و تنگ‌نظری قوانین عینی حاکم بر جامعه و ضروریات انقلاب را در نظر گرفته و با توجه به اصول قانون اساسی، قانونی درخور انقلاب شکوهمند مردم مین ما به تصویب رسانند. قانون اساسی جمهوری اسلامی با این مسئله حیاتی برخوردی شایسته و منطبق بر مصالح انقلاب دارد. به موجب اصل ۲۶ قانون اساسی

● هر تصمیمی که به نحوی از انحاء به محدودیت انقلابی بیانجامد قرار دادن مانعی در مقابل تعمیق و تداوم انقلاب و مستقیماً به سود ضدانقلاب است.

به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است و سرانجام اصل نهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: "هیچ مقامی حق ندارد هرچند با وضع قوانین و مقررات آزادی‌های مشروع را سلب کند." بر مبنای این اصول قانون اساسی، شورای عالی قضایی طرحی تقدیم مجلس نمود که هرچند دچار نواقص جدی بود اما با روح حاکم بر قانون اساسی انطباق داشت. ما در مورد طرح فوق نوشتیم: "قانون مصوبه شورای عالی قضایی علیرغم نواقص و نکات مبهم در مجموع طرح مثبتی است و می‌توان امیدوار بود که با تصحیح و تصویب این لایحه در مجلس شورای اسلامی یکی از معضلات و مشکلات اساسی انقلاب یعنی چگونگی فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی حل گردد" اما متأسفانه طرح فوق در مجلس شورای اسلامی دگرگون شده و به جای آن طرحی ۲۰ ماده‌ای تقدیم گردیده است که نه تنها از لایحه مصوبه شورای عالی قضایی فاصله جدی گرفته است بلکه اساساً

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

● برای تحکیم پایگاه اجتماعی انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم کشورمان، باید هرچه زودتر به مسائل دهقانی و ارضی ایران پاسخی اصولی و در خور شان انقلاب داده شود. روزی نیست که طوماری و شکوائیه‌ای از طرف زحمتکشان کم‌زمین و بی‌زمین روستاها برای مقامات مسئول ارسال نگردد و روزی نیست که با تحصن و حرکات اعتراضی دهقانان در سرتاسر ایران مواجه باشیم. هم‌اکنون حرکت خروشان دهقانان زحمتکش روستاهای کشور و تشکل آنها به گرد خواست بحق و اصولی‌شان یعنی اجرای بدون کم و کاست اصلاحات ارضی بخصوص بند ج شکلی گسترده و مترقی به خود گرفته است و محوری برای تشکل و اهرمی جهت فشار برای اجرای هرچه سریع‌تر بند ج که به دلایل مختلف هم‌اکنون اجرای آن معلق گردیده، شده است.

از طرف دیگر انقلاب ایران اینک بطور جدی مواجه با توطئه‌های گوناگون امپریالیسم چه از طریق مزدوران خارجی و چه عوامل داخلی آن یعنی سرمایه‌داران لیبرال، تجار بزرگ، زمینداران بزرگ و فئودال‌ها است و تلاش‌های مذبحانه‌ای برای هرچه محدودتر کردن دامنه انقلاب و جلوگیری از اتکاء هرچه بیشتر آن به توده‌های میلیونی زحمتکشان و دهقانان در جریان است. علیرغم اینکه این کوشش‌های ضدانقلاب در چه لفافه و تحت چه لوایح انجام می‌یابد، ولی حقیقت این است که فعلا به دلیل شرایط ویژه مملکت و پاره‌ای ملاحظیات و مماشیات، بند ج قانون اصلاحات ارضی معلق گردیده و انقلاب یکی از اساسی‌ترین پایگاه‌های اجتماعی خویش یعنی دهقانان را به مقابله با خویش‌کشانده است. قاطعیت انقلابی هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین که از ابتدای فعالیت ۸ ماهه خود تاکنون سمت‌گیری‌های رادیکال و مترقی را پیش برده و در کنار و دوشادوش زحمتکشان بی‌زمین و کم‌زمین در مقابل زمینداران بزرگ و فئودال‌ها علیرغم کارشکنی‌های متعدد و مختلف عوامل و عناصر گوناگون، لیبرال‌ها و

زمینداران بزرگ مسئولیت‌های خطیر خویش را پیش برده‌اند، قابل تأکید و تمجید است. هم‌اکنون در روستاهای کشور جبهه‌ای از نهادهای انقلاب، جهاد و سپاه و هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین به همراه نیروهای انقلابی و دهقانان و زحمتکشان در مقابل همه توطئه‌ها و دسائس که گهگاه رنگ مذهبی نیز به خود می‌گیرد، ایستاده‌اند و قاطعانه از خواست‌های عادلانه روستائیان زحمتکش یعنی در واقع از اساسی‌ترین رکن تداوم انقلاب دفاع

انتشار نیابد و روزی نیست که گروه گروه زحمتکشان بی‌دفاع بر اساس توطئه‌های این ضد انقلابیون خانه و کاشانه خود را ترک نکنند و به خیل بیکاران در شهرها نیافزایند و زمین‌ها بی‌کشت و روستائیان بی‌خانمان نگردند. صدها بار دیده‌ایم که چگونه زمین‌های کاشته شده توسط زحمتکشان روستائی علیرغم حکم هیئت‌های هفت‌نفره توسط فئودال‌ها و خان‌های قلدر دوباره شخم شده و کشتزارها با خون زحمتکشان رنگین گردیده است. سمینارها و کنگره‌های

پادرمیانی لیبرال‌ها به نزد امام نیز روانه دارند و اعمال نظر کنند. اجازه ندهید که این جریانات شناخته شده حامی امپریالیسم و عوامل آن بهانه‌تراشی کنند، وای اسلاما سردهند، از "بی‌عدالتی‌ها" دم‌بزنند، جوسازی و زمین‌سازی کنند و هزاران افترا و دروغ را به جهاد، سپاه و هیئت‌های هفت‌نفره منتسب نمایند و عاقبت اجرای بند ج را معلق سازند. چرا باید در شرایطی که فرزندان زحمتکشان، این جوانان پرشور روستائیان

### با اجرای هرچه سریع‌تر بند (ج)

## پایگاه اجتماعی انقلاب را گسترش دهید

می‌نمایند. جبهه انقلاب و ضد انقلاب در درون روستاهای کشور به گستردگی سراسر ایران هم‌اکنون گشوده شده است. باید با تمام نیرو و امکانات این جبهه انقلاب تقویت شود، باید از همه کارشکنی‌ها و توطئه‌ها تضعیف‌ها و دسائس علیه اقدامات هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین و روستائیان زحمتکش جلوگیری گردد. نباید اجازه دهیم که مثنی عوامل امپریالیسم، لیبرال‌ها و زمینداران بزرگ و روحانیون مرتجع حامی آنها بر بستر حفظ منافع ضد انقلابی خود و اربابانشان و با توجیحات مختلف به کارشکنی و اخلال در کار این نهاد انقلابی بپردازند و به عناوین گوناگون و با دسائس مختلف جلوی رشد انقلاب را بگیرند. در حالیکه این فرزندان مبارز مردم زحمتکش به اجرای سریع و قاطع خواست انقلاب در روستاها مشغولند، ضد انقلابیون و لیبرال‌های صاحب نفوذ از پشت به آنها خنجر می‌زنند و زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و ایادی مزدورشان به ترور آنان می‌پردازند. روزی نیست که خبری مبنی بر اعمال زور زمینداران بزرگ و شهادت اعضای هیئت‌های هفت‌نفره، به گلوله بستن ماشین جهاد و یا به شهادت رسانیدن دهقانان زحمتکش در حال شخم زمین‌های واگذار شده، توسط زمینداران بزرگ، فئودال‌ها و خان‌ها

شوراهای روستائی و هیئت‌های هفت‌نفره که این روزها در گوشه و کنار کشورمان برپا می‌گردد، قطعنامه‌های مترقی و در خور ستایش این سمینارها که فقط به صورت اجرای بند ج خلاصه نشده بلکه حاوی حمایت همه‌جانبه و قاطعانه زحمتکشان روستاها از انقلاب و هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین همچنین مبارزه همه‌جانبه علیه امپریالیسم امریکا و تجاوزات رژیم صدام است، همگی حاکی از این است که دیگر مماشیات و کونااهی را در پیشبرد قاطع اصلاحات ارضی و بند ج و د آن باید کنار گذاشت. این در واقع هشدار بسیار مهم و جدی به مسئولین مملکتی و همه دست‌اندرکاران است که: دیگر بایست گوش‌هایتان را برای شنیدن فریادهای اعتراضی و درجهت انقلاب زحمتکشان بگشائید! نباید اجازه داد تا به اصطلاح "شوراهای کشاورزان ساخته و پرداخته ایزدی خائن وزیر کشاورزی دولت بازرگان و پوست و جاسوس امریکا که محل تجمع زمینداران بزرگ و فئودال‌ها، مورد حمایت لیبرال‌ها و سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم است، گردهمایی تشکیل دهند، قطعنامه صادر کنند و کاروان‌هایی و هیئت‌هایی بسازند و به این طرف و آن طرف بفرستند و حتی گاه با عوام‌فریبی و

اصلاحات ارضی بدل گردد. نباید اجازه داد که توطئه‌های زمینداران بزرگ و ایجاد اغتشاش و جلوگیری آنها از کشت زحمتکشان و شوراهای روستائی دگرگونه جلوه داده شود و "بی‌لیاقتی" زحمتکشان در اداره مزارع و یافت محصول به دلیل "ندانم‌کاری‌های" هیئت‌های هفت‌نفره توجیه و تفسیر گردد. خیر! هرگز این چنین نیست. حضور زمینداران بزرگ، فئودال‌ها و حامیان آنها در ارگان‌ها و روستاها و جلوگیری از پیشبرد قاطع و همه‌جانبه اصلاحات ارضی و بند ج توسط هیئت‌های هفت‌نفره با اتکاء به زحمتکشان بی‌زمین و کم‌زمین و با همکاری شوراهای روستائی آنان از عوامل عمده نارسائی‌های موجود در عرصه کشاورزی و دهقانی ایران است. نه کوتاه شدن دست زمینداران بزرگ و فئودال‌ها.

امروز دیگر باید درک شود که در شرایط حساس کنونی اتکاء به نیروی عظیم توده‌های میلیونی دهقانان با پهن‌گویی به خواست اصولی و مبرم آنان از انقلاب یعنی متعلق ساختن زمین به آنهاست که در آن کار می‌کنند و زحمت می‌کشند و قطعیت بخشیدن به مالکیت زحمتکشان بی‌زمین و کم‌زمین همچنین گسترش تعاونی‌های تولید و توزیع و موسسات خدمات فنی و اعتباری جهت تأمین وسایل تولید، کود، بذر، وام و در برنامه قرار دادن تهیه و تدوین اجرای طرح‌هایی درجهت بهبود کیفیت زندگی در روستاها یا ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی، فرهنگی، مسکن و سایر تاسیسات رفاهی، تعیین قیمت‌های مناسب و جلوگیری از اجحاف به کشاورزان برای تشویق آنها به تولید و کوتاه کردن دست واسطه‌ها و سلف‌خران و رباخواران برای تقویت جبهه انقلاب و برای تلاش و شکست توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و وابستگان داخلی و خارجی آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در حال حاضر همه مسائل روستائیان به دلیل تعلیق بند ج تحت‌الشعاع این امر قرار گرفته و در واقع اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی به خواستی مبرم و اساسی تبدیل گردیده است.

### رویدادهای ترکمن صحرا

● برای جلوگیری از توطئه فتوادلها در گنبد، بند "ج" را اجرا کنید!

● "کارگران وقتی متحد باشند، می توانند حقوق خود را از سرمایه داران بگیرند."

● اقدام انقلابی سپاه پاسداران بندر ترکمن در دستگیری سرمایه داران ترکمن مورد تأیید و پشتیبانی زحمتکشان ترکمن صحرا و سازمان ماست!



در سخنرانی خود سرمایه داران فتوادلها و رئیس اداره کار را مورد حمله قرار می دهد و از حقوق کارگران از قبیل رسمی شدن، حق بیمه، مسکن، تعطیل روز جمعه و... دفاع می کند. وی کارگران را به اتحاد و همبستگی دعوت می کند و می گوید:

" شما وقتی متحد باشید می توانید حقوق خود را از سرمایه داران بگیرید." در آن جلسه با آنکه صاحبان کوره پزخانهها متعهد شدند که همه خواستهای کارگران را برآورده سازند، اما بعداً زیر قول خود زده و در مقابل اعتراض کارگران به حربه همیشگی خود یعنی اخراج دست زدند. کارگران بار دیگر به آقای صفائی رجوع می کنند و این بار وی به اتفاق همه کارگران به طرف دادگاه انقلاب حرکت می کنند و در آنجا تمام جریان را تعریف کرده و از صاحبان کوره پزخانهها به دادگاه شکایت می کنند. دادگاه انقلاب گنبد نیز در تاریخ ۲۶ بهمن حکم بازداشت نوروژی و رسیدگی به وضع حسن پستچی را صادر می کند. همچنین به حکم دادگاه انقلاب، همه کارگران زندانی آزاد شده، کارگران اخراجی به سر کار بازگشته و یا باز خرید می شوند و به کارفرمایان دستور داده می شود که هر چه سریع تر کارگران را رسمی و بیمه کنند.

بندر ترکمن  
اموال برادران شمالی  
سرمایه داران معروف ترکمن

قضیه خاتمه می دهد! کارگران کوره پزخانهها نوروژی که بعضی از آنها با ۲۰ سال سابقه کار هنوز رسمی نیستند، خواستار رسمی شدن حق بیمه، تعطیلی، مسکن و مزایا می شوند اما نوروژی به جای رسیدگی به این خواستها شروع به اخراج کارگران می کند. کارگران به ژاندارمری و دادگستری گنبد شکایت می کنند که ترتیب اثر داده نمی شود. نتیجتاً به وزارت کار در تهران رجوع می کنند و وزارت کار حکم به باز خرید کارگران صادر میکند اما نوروژی با اعمال نفوذ این حکم را معوق می گذارد.

در کوره پزخانه طباطبائی نیز که کارگران خواهان بهبود وضع کاری خود بودند کارفرما دست به اخراج یکی از کارگران می زند که این امر با مقاومت کارگران روبرو می شود. کارفرما به ژاندارمری متوسل شده و ۳ ژاندارم مسلح برای سرکوب کارگران به کارخانه آمده و دو تن از کارگران از جمله کارگر اخراجی را دستگیر می کنند.

کارگران کوره پزخانههای گنبد که از این همه ظلم و ستم و شرایط سخت طاقت فرسای کاری خود به ستوه آمده و به هر دری زدند، فایده ای نداشت سرانجام به آقای صفائی سرپرست بنیاد مسکن گنبد رجوع کرده و از او چاره می خواهند. آقای صفائی همه کارگران کوره پزخانهها را که از زحمتکشان ترک، فارس و ترکمن می باشند، به اضافه صاحبان کارخانهها دعوت می کند و از آنها می خواهد که مسائلمان را روشن کنند. وی

متوسل می شود. در این رابطه شورای روستائی سارجه کر در سفر اخیر نخست وزیر به منطقه شکوائیه ای به ایشان داد.

#### تشکیل نمایشگاه عکس

ایگدر سفلی - نمایشگاه عکسی از جنایات رژیم متجاوز صدام در میهن ما در روستای ایگدر سفلی توسط هیئت ۷ نفره تشکیل گردید همچنین فیلم هایی در مورد فلسطین و جنایات شاه در دوران قیام به نمایش گذارده شد که مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت.

به خواست کارگران کوره پزخانههای گنبد باید رسیدگی شود

کارگران کوره پزخانههای ترکمن صحرا نیز همچون کارگران کوره پزخانههای دیگر نقاط کشور دارای وضع اسفناکی می باشند. علاوه بر شرایط طاقت فرسای کاری، نداشتن بیمه و غیر رسمی بودن آنان به کارفرما اجازه هر نوع ستمی را داده است در کوره پزخانه حسن پستچی اعتراض کارگران به وضعیت خود به اخراج یک کارگر و ناسزاگویی و کتک کاری با دیگر کارگران توسط کارفرما منجر می شود. کارگران به ژاندارمری شکایت برده و در روز ۲۳ بهمن به اتفاق کارفرما در بازپرسی حاضر می شوند اما بازپرس گنبد با زندانی کردن ۴ کارگر، تحویل یک کارگر آماده به خدمت به پادگان نوده و اخراج بقیه از اطاق خود به اصطلاح به

گنبد - به دنبال توقف اجرای بند ج قانون اصلاحات ارضی و فشارهای وارده بر هیئت ۷ نفره واگذاری زمین و مرکز شوراهای اسلامی، فعالیت های فتوادلها و دیگر عناصر ضد انقلابی در منطقه افزایش یافته است.

در آوادان دغه و روستاهای اطراف آن شخصی به نام قربان دالجه کدخدای قائمی که دارای ۱۵۰ هکتار زمین و از نزدیکان جم فرماندار خلق مسلمانی گنبد است با کمک ایادی خود به تبلیغ علیه کشت شورائی پرداخته و به اتهام واهی داشتن اسلحه به پرونده سازی علیه اعضای شوراها دست زده است. گروه ضربت خلع سلاح به رهبری حاج عزیز که فردی فاسد و رشوه خوار است همچنان به حملات شبانه خود به روستاها من جمله در تاریخ ۱۴ و ۱۵ بهمن به روستای کنگور و دستگیری زحمتکشان ادامه می دهد. این حرکت های ضد مردمی گروه ضربت و تأیید آن از جانب اکبریان دادستان انقلاب اسلامی گنبد، زمینه های ناراضیتی توده ها و بهره برداری ضد انقلاب را فراهم می آورد. همچنین در تاریخ ۲۱ بهمن از طرف بنیاد مستضعفین برای بردن یک دستگاه کمباین که توسط شورای روستائی سارجه کر از فتوادل معروف منطقه احمد محمدی مصادره شده بود، اقدام می شود که با مقاومت روستائیان مواجه گردید و بنیاد به پاسداران مسلح و ارباب و تهدید زحمتکشان

### گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

### خبرهایی از روستاهای کشور

#### حمایت روستائیان تبادکان از هیئت های ۷ نفره

مشهد - دو سال پس از پیروزی انقلاب، اربابان منطقه تبادکان همچون "شاه رجب بیک خراسانی"، "حاجی بهرآبادی" و "مهدی اربابی" هنوز آزادانه توطئه می کنند. آنها که خود را با عقب نشینی در زمینه تقسیم اراضی موفق می بینند، حال قصد دارند به روستاهای بازگردند و در این راه سعی دارند به هر صورتی که شده تولید کشاورزی را که اینک عمدتاً در دست خرد روستائیان است، مختل نمایند.

روستائیان منطقه ضمن پشتیبانی از عملکردهای مترقیانه ارگان های انقلابی بخصوص جهاد سازندگی و هیئت های هفت نفره خواهان آند که:

- ۱- اجرای بند "ج" هرچه زودتر ادامه یابد.
- ۲- کار دادگاه های انقلاب ادامه یافته، اربابان جنایتکار چون مهدی اربابی ها به مجازات برسند و اموال آنها مصادره شود.
- ۳- کمیته شماره ۱۲ کارخانه آبکوه که تاکنون حرکاتی در جهت حمایت از منافع زمینداران بزرگ و علیه روستائیان داشته است، هرچه زودتر از عناصر مشکوک و وابسته پاکسازی شود.

#### حادثه آفرینی خوانین و مالکان فارس

شیراز- در پی تلاش خوانین و مالکان روستای "تره بر" به منظور تفرقه افکنی میان زحمتکشان، این خوانین و عواملشان از جمله اشکبوس خان و سید محمد خان و به کمک و همراهی کدخدای ده به نام کرامت اله شیرازی و پسرانش موفق به تحمیل درگیری مسلحانه ای بر طوایف "جمشیدی" و "اوراجی" ساکن این روستا شدند. در این درگیری یک نفر از زحمتکشان کشته و شش نفر زخمی شدند.

پاسگاه ژاندارم - "دو دشت" در ۱۲ کیلومتری این روستا در جریان اختلاف میان زحمتکشان این روستا از سوئی و خوانین و مالکان از سوی دیگر بر سر مسئله زمین و شورای ده همواره جانب خوانین و مالکان را گرفته است و نه تنها از رفت و آمد مسلحانه خوانین و مالکان جلوگیری نکرده بلکه آنها را مسلح نیز می کند.

زحمتکشان دو طایفه جمشیدی و اوراجی خواهان تعقیب و مجازات عوامل مسلح که هم اکنون فراری می باشند، هستند و از دادگاه های انقلاب و سپاه پاسداران می خواهند که مسبب واقع را دستگیر کرده و به مجازات برسانند.

#### توقف بند (ج)

#### و حبله جدید فنودال ها

اراک - بین روستاهای "نامرین" و "کمیجان" اراضی وسیعی به مساحت تقریبی ۴۰۰۰ هکتار وجود دارد که مالک آن "جعفرخان بهادری" است. بخش عمده این اراضی که به زمین های ابراهیم آباد معروف است، متبهاست که کشت نمی شود. دهقانان بی زمین منطقه نیز سالهاست که یا بخشی از زمین ها را از مالک اجاره کرده و کشت کرده اند و یا برای سیرکردن شکم زن و فرزندان خود در پی یافتن کار به شهرها مهاجرت نموده اند. اکنون پس از توقف موقت بندج اصلاحات ارضی، جعفرخان بهادری نیز فرصت را مغتنم شمرده و از ترس تقسیم زمین در آینده دست به فروش آنها زده است. وی تاکنون موفق به فروش مقدار زیادی از زمین ها نیز شده است.

روستائیان ضمن اینکه از مقامات مسئول می خواهند که جلوی فروش این زمین ها را بگیرند، خواهان به جریان افتادن دوباره بندج هستند و از هیئت هفت نفره

می خواهند تا به منطقه رفته و به وضع زمین های بهادری رسیدگی کند.

#### هیئت های ۷ نفره

#### همدوش زحمتکشان

اراک (شهرجرد) - متجاوز از ۵۰۰ هکتار از مرغوب ترین اراضی روستای شهرجرد تا مدتی قبل در دست حاج حسین شنتیائی بود. این شخص سابقاً شریک غلامرضا پهلوی برادر شاه معدوم بوده و با به کار انداختن سرمایه های کلان در سرد خانه ها و کوره های آجرپزی و ... به غارت زحمتکشان مشغول و در عین حال صاحب دهها آپارتمان بزرگ در تهران و کرج می باشد.

روستائیان زحمتکش شهر - جرد با پیگیری شورای خود و به کمک هیئت هفت نفره و جهاد سازندگی، املاکی را که حاج شنتیائی به زور مالک شده بود، بازپس گرفتند و اقدام به کشت آنها نمودند. روستائیان بدین طریق اهمیت اتحاد عمل و فشرده گی صفوف زحمتکشان روستا و هیئت های هفت نفره را برای مقابله با زمینداران بزرگ نشان دادند.

#### توقف بند (ج) و نصاحب

#### مجدد زمین های زحمتکشان

#### توسط زمینداران بزرگ

مشکین شهر - توقف موقت بند ج در مشکین شهر، همچون دیگر مناطق موجب شده است که زمینداران بزرگ و خوانین به خود آمده و از این فرصت برای وارد آوردن ضربه دیگری بر پیکر انقلاب سود جویند. طبق گزارشات واصله در مشکین شهر، زمینداران بزرگی چون حاج میکائیل، حاجی سیاب، حاج فرج و غیره با توقف بند ج دست به غصب زمین های مزروعی و مراتع دهقانان زحمتکش روستای کنگولو زده اند!

#### اجرای بند (ج)

#### خواست فوری دهقانان

بجنورد (بخش مانه و سملقان) - در تاریخ ۲۳ بهمن ۵۹ حدود ۴۰۰ تن از نمایندگان دهقانان بی زمین و کم زمین روستاهای کیکانلو، اسپیدان، شیرآباد، اسلام آباد، ملاحن، قره مصلی، آشاخانه، عزیزآباد، لنکر،

حیدرآباد، قاضی، شهرآباد، کرد، شهرآبادبربر، مهمانک اینچه، نادرآباد، انصار و قلعه نجف ضمن اجتماع در مقابل دفتر واگذاری زمین مرکز بجنورد و تهیه طوماری، از رهبری انقلاب، مجلس شورای اسلامی و هیئت های هفت نفره خواستار اجرای بند ج و کوتاه کردن دست فئودال ها و خان ها از دسترنج دهقانان زحمتکش گردیدند. آنها به عملکرد مسلحانه خان ها و فئودال های منطقه علیه دهقانان زحمتکش اعتراض نموده و قاطعیت دولت در اجرای هرچه سریع تر بند ج قانون اصلاحات ارضی را خواستار شدند. همچنین آنان در نامه خود به رهبر انقلاب و مسئولین، خواسته های

خود را به شرح زیر اعلام داشتند:

- ۱- اجرای هرچه سریع تر بند ج
- ۲- قراردادن امکانات کشاورزی و وام در اختیار روستائیان
- ۳- رسانیدن ارزاق عمومی و نیز سوخت موتور، روغن، گازوئیل بطور مستقیم و از طریق شرکت های تعاونی و شوراهای مستضعفین و کوتاه کردن دست واسطه ها
- ۴- تأیید اعضای هیئت ۷ نفره قبلی منطقه
- ۵- برکناری حسینی معاون فرماندار
- ۶- رسیدگی فوری به شکایت روستائیان از جمله در مورد عدم همکاری بیمانکار چغندر قند با روستائیان و حمایت وی از فئودال ها.

### با توزیع به موقع سوخت، خسارات جنگ امریکا - صدام را کاهش دهید!

● در کشت بهاره محصولاتی چون چغندر قند، پنبه، توتون، صیفی جات و سبزیجات امسال جمعا حدود ۱/۲ میلیون هکتار از اراضی مزروعی به زیر کشت خواهد رفت و برای شخم هر هکتار آن به حدود ۳ ساعت کار تراکتور نیاز است. نتیجتاً برای آماده سازی زمین، شخم و کاشت اراضی مکانیزه فوق جمعا به حدود ۳۵ میلیون ساعت کار تراکتور و به عبارت دیگر به ۲۸۰ میلیون لیتر گازوئیل نیاز خواهد بود و این یعنی آنکه بطور متوسط حدود ۳ میلیون لیتر نفت گاز در هر روز مورد نیاز بخش کشاورزی مکانیزه کشور است. دولت باید با توزیع به هنگام و عادلانه سوخت از طریق تعاونی های توزیع شهری و روستائی و با استفاده از بخش های دولتی شده حمل و نقل سوخت لازم برای ماشین آلات کشاورزی را برای کشت بهاره در اختیار کشت کاران قرار داده و خسارات ناشی از جنگ امریکا - صدام بر کشاورزی کشور را به حداقل کاهش دهد.

#### دهقانان زحمتکش:

با افزایش تولیدات خود کشتزارها را به

سنگری دیگر

علیه امریالیزم امریکا و رژیم جنایتکار

صدام تبدیل کنید

ماهشهر حل شد . بر اساس دستور فرمانداری به رانندگان ( که عموماً مدارک لازم را در اختیار نداشتند و در جریان جنگ از بین رفته است ) کوبن های ۱۰ ریالی داده شد .

\* - خوزستان - در حالی که ستون پنجم عراق در روساهای عرب نشین خوزستان مشغول توطئه است ، سمایندآموزش و پرورش " باغملک " سه معلم مبارک مناطق عرب نشین را اخراج و سه نفر دیگر را ممنوع التدریس کرده است . این عمل عاقبتگانه با اعتراض مردم و دانش آموزان روبرو شده است .

\* - قزوین - کانون شوراهای اسلامی کارگران شهر صنعتی قزوین در رابطه با گرانی و لزوم مابره قاطع با سرمایه داران و محتکران و نیز تصمیم شورای نگهبان در مورد عدم تقسیم رهن های مسوق به احیاناً ، نامه هایی به مجلس شورای اسلامی و هیات دولت فرستاده اند کارگران خواهان لغو دستور شورای نگهبان و اجرای طرح انقلابی در جهت منافع رحمتکش گردیده اند .

## خبرهای کوتاه

\* - اهواز - مدیران لیبرال کارخانه نورد اهواز در راه کمک رسانی کارگران به رزمندگان جبهه ها و مردم کارشکنی می کنند . شورای کارگران علی رغم مشکلاتی که دارد در برابر مدیران لیبرال مقاومت می کند و تاکنون موفقیت هایی نیز بدست آورده است .

\* - مشهد - " اتحادیه کشاورزان مکنیره " مرکز توطئه فتودال ها در مشهد منحل شد و دو فتودال معروف در دادگاه انقلاب اسلامی مشهد محکوم به حبس شد و ۳۶۰ هکتار از زمین های را که غصب کرده بودند ، معادله شد .

\* - آبادان - مشکل برین رانندگان تاکسی آبادان ، و خوبی شهر با اقدام مسئولان فرماندار

## اخبار شهرستان ها

### دراوج درگیری و تشنج

#### ضدانقلاب در بندرعباس ۳ نفر را کشت

در اواخر بهمن و اوایل اسفند ، بندرعباس شاهد درگیری ها و تشنجی بود که از طرف لیبرال ها و " عناصر چپو " آفریده شد و با استقبال ساواکی ها و وابستگان به رژیم سابق روبرو گشت . متأسفانه مسئولان استان و نهادهای انقلابی که در ابتدا نسبت به این جریان ها هوشیار بودند ، خود نیز در دام این توطئه ها افتادند و با اعلام تعطیل عمومی شهر و راهپیمایی های تحریک آمیز که منجر به حمله به کتاب فروشی ها و سوزاندن کتبها و مجروح شدن عده ای شد ، شهر را به آشوب کشاندند . اوضاع بحرانی و متشنج بندرعباس بهترین فرصت را به " ضدانقلاب " داد تا نقشه های پلید خود را به اجرا درآورد از جمله اقدامات ضدانقلاب انجام ۳ ترور در ۳ روز متوالی بود که منجر به قتل سه نفر و مجروح شدن یک نفر شد . ( محمدشهبخوا ، کلانتری و یک نفر دیگر کشته شدند و صالح شهبخوا مجروح شد ) در همین فاصله یک میلیون ریال پول نقد نیز به سرقت رفت . وقایع بندرعباس به روشی این حقیقت را نشان داد که :

لیبرال ها ، ساواکی ها و سلطنت طلبان توطئه می کنند و بعضی از مسئولان و نهادهای انقلابی با اعمال نادرست و غیرمسئولانه خود آتش بیار معرکه می شوند .

هواداران سازمان در بندرعباس با انتشار اطلاعاتی خطر اینگونه برخوردها را یادآور شدند و از مردم و نیروهای مترقی خواستند صف خود را از صف توطئه گران و آتش فروزان جدا کنند .

### روحانی نمای خلق مسلمانی پس از سخنرانی

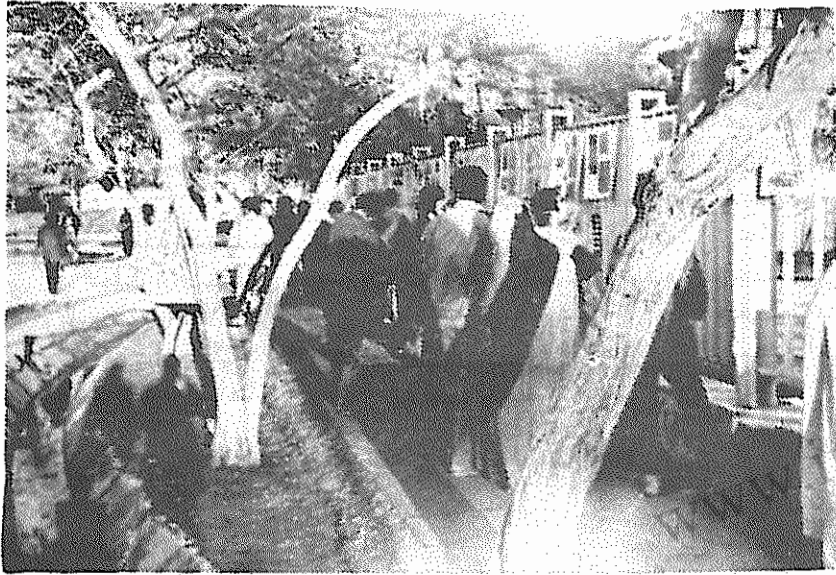
#### به وسیله سپاه پاسداران مغان دستگیر شد

آذربایجان شرقی - در جریان برگزاری مراسم سالگرد انقلاب در مغان که با حضور هزاران کارگر روستاییان کشت و صنعت مغان و مناطق اطراف برپا شده بود ، " زمستانی " یکی از روحانی نمایان خلق مسلمانی که به طرفداری از فتودال ها سخنرانی می کرد ، به وسیله سپاه پاسداران دستگیر شد . این شخص مرتجع می خواست با استفاده از فرصت ، دهقانان را بشوراند و توطئه فتودال ها را به اجرا درآورد . اما شرکت کنندگان با فریادهای " کارگر - اکینچی فتودال سینه دشمن دیر " ( کارگر دهقان ، فتودال دشمن توست ) علیه فتودال ها و جنایات امپریالیسم آمریکا شعار دادند . در این مراسم فرماندار مغان سیاست مسلح کردن فتودال ها را به بهانه واهی مبارزه با کمونیسم مورد حمله شدید قرار داد و توطئه های فتودال ها و ضدانقلابیون منطقه را محکوم کرد .

## مرگ بر آمریکا

هواداران سازمان در ماهشهر نمایشگاهی از عکس و پوستر برپا کردند که مورد استقبال زحمتکشان ماهشهر قرار گرفت .

عکسها گوشه ای از این نمایشگاه را نشان می دهد .



## کارناوال شادی در شهرکرد

هواداران سازمان در شهرکرد با برپائی " کارناوال شادی " خاطره روزهای انقلاب را گرامی داشتند .

زحمتکشان روستا و مردم شهر با شعار " مرگ بر آمریکا " در این کارناوال شرکت کردند .

## از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

### حمایت "حجت اسلام حسنی" امام جمعه ارومیه از زمینداران بزرگ

\* - هواداران سازمان در ارومیه اعلامیه‌ای منتشر کردند و در آن اعلام داشته‌اند: "حجت الاسلام حسنی در خطبه نماز جمعه بدون هیچ پرده پوشی عنوان کرد: "گذشته از اینکه بند "ج" طرح اصلاحات ارضی لغو شده است، اما باید زمین‌هایی را هم که هیئت‌های هفت نفری در اختیار روستاییان گذاشته‌اند، به زمینداران برگردانده شود و پول زمین‌هایی که به وسیله بنیاد مسکن از زمینداران گرفته شده، به این سرمایه‌داران برگردانده شود."

### لغو بند (ج) خواست فتودال‌ها

\* - هواداران سازمان در مشکین شهر اعلامیه‌ای با عنوان لغو بند "ج" اصلاحات ارضی با منافع زحمتکشان روستا مغایر است منتشر کردند.

در بخشی از اعلامیه می‌خوانیم:

"... روحانیون طرفدار فتودال‌ها، فتوا صادر می‌کنند که قانون اصلاحات ارضی غیر اسلامی و غیر شرعی است و لیبرال‌های ضدانقلاب نیز که به دروغ خود را "آزادخواه" و "وطن پرست" نشان می‌دهند، با مصادره زمین زمینداران بزرگ مخالفت می‌کنند تاخیر در اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی در حقیقت پایمال کردن حقوق مسلم زحمتکشان روستا است."

### اولین سالگرد شهادت رفیق (سعید عقیقی) گرامی باد

\* - هواداران سازمان در کرمانشاه به مناسبت نخستین سالگرد شهادت رفیق "سعید عقیقی" که در پنجم اسفند ماه سال گذشته به دست باند های ضدانقلابی تروریست شهید شد اعلامیه‌ای منتشر کرده و خاطره او را گرامی داشته‌اند.

در قسمتی از اعلامیه چنین آمده است: "تحقیقات و بررسی‌های خانواده رفیق در رابطه با این جنایت به خوبی رد پای گروه تروریستی "شیت" را نشان می‌دهد. اما مقامات آنروز استان و حامیان و همدستان این گروه در ارگان‌ها و نهادهای حکومتی بر این جنایت همچون بسیاری جنایات دیگر سرپوش گذاشته‌اند."

### نفتگران مبارز

\* - کارگران پیشرو صنعت نفت آغاچاری اعلامیه‌ای تحت عنوان "نفتگران مبارز همواره انقلابی‌ترین راه را انتخاب می‌کنند" منتشر کردند و در آن ضمن اعتراض به تعطیل شدن پنجشنبه‌ها، خواهان لغو آن و بازگرداندن کارکنان بر سر کارهایشان شده‌اند.

### توطئه لیبرال‌ها و ضدانقلاب را در هم شکنیم

\* - هواداران سازمان در میناب اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر کردند و در آن ضمن محکوم کردن سیاست‌های نفاق‌افکنانه لیبرال‌ها بر ضرورت وحدت میان نیروهای ضدامپریالیستی تاکید داشته‌اند.

در قسمتی از اعلامیه ضمن افشاء لیبرال‌ها و ضدانقلابیون در میناب آمده است:

"... ضدانقلابیون و لیبرال‌ها در دهات و بخش‌ها مشغول توطئه هستند. در "سیریک" دارو دسته "مراد انوشیروانی" (افسر سلطان قابوس) و "حسن رستمی" ساواکی معروف با "منگلی زاده" فرمانده گروهان ژاندارمری سیریک که فردی شاهدوست است، مشغول توطئه علیه جمهوری اسلامی هستند و حتی از کشور عمان اسلحه وارد می‌کنند.

در "جاسک" نیز تمام رستاخیزی‌ها و ساواکی‌ها در پست‌های شهر قرار دارند و علیه مردم زحمتکش و انقلاب توطئه‌چینی می‌کنند."

### افشای ضدانقلاب در جاسک

\* - هواداران سازمان در "بندر جاسک" اعلامیه‌ای افشاگرانه منتشر کردند و همراه با این اعلامیه اسناد و مدارکی علیه "سیدامین هاشمی پور" شهردار بندر جاسک که از سرسپردگان به رژیم گذشته است ضمیمه شده است.

### بهداشت در جبهه

\* - هواداران سازمان در منطقه کرمانشاهان نشریه‌ای با عنوان "بهداشت در جبهه" منتشر کردند در مقدمه این نشریه ضمن اشاره به امر بهداشت در جبهه‌های جنگ و خسارات ناشی از عدم رعایت مسائل بهداشتی و درمانی در جبهه‌ها یادآور شده‌اند:

"... ما بر آن شدیم که در حد توان خود با انتشار این جزوه گامی هرچند کوچک در جهت آموزش توده‌ها بخصوص در جبهه‌های جنگ برداریم و از آنجایی که امر امداد و کمک‌های اولیه در ارتباطی تنگاتنگ با بهداشت در جبهه قرار دارد، ما خواندن کتاب امداد در جنگ نوشته عده‌ای از پزشکان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) را به کلیه نیروهای رزمنده و انقلابی که در جبهه‌های جنگ هستند و یا در گروه‌های امداد پشت جبهه فعالیت می‌نمایند و یا آموزش می‌بینند، پیشنهاد می‌کنیم."

### از میان نامه‌ها

## حرف‌های زحمتکشان

### نامه گروهی از دستفروشان کرج

● روزنامه محترم "کار" اکثریت پیروزی انقلاب خلق قهرمان ایران ضربه‌ای بود بر پیکر امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن یعنی سرمایه‌داران بزرگ و لیبرال‌های سازشکار. پیروزی که خلق ما مصمم و متحد آن را بدست آورد و می‌رود تا تمام وابستگی‌ها اعم از نظامی اقتصادی، سیاسی و ... را از هم بگسلد و استقلال و آزادی را که شایسته آن است، بدست آورد. می‌رود تا درس عبرتی به آمریکا و ایادی آن بدهد و نشان دهد که خلق قهرمان ما هرگز زیر بار امپریالیست‌ها نخواهد رفت و تا نابودی آن مبارزه خواهد کرد. نوکران امپریالیسم کوشش می‌کنند تا خلق ما را از مبارزه‌شان منحرف کنند و جبهه دوست و دشمن را در بین خلق‌های زحمتکش ما به هم بریزند.

اما زحمتکشان ایران این دوستان آمریکا را مانند خلق مسلمانی‌ها، لیبرال‌های سازشکار و سرمایه‌داران بزرگ و ملاکین بزرگ را می‌شناسند و در همه جا آنها را افشاء و طرد می‌کنند.

ما ایران را گورستان این یاوه‌گویان و نوکران امپریالیسم خواهیم کرد.

زمانی که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، ایران را به محاصره اقتصادی و ... گرفت برای نوکران داخلی (سرمایه‌داران بزرگ و زمینداران بزرگ) بهانه‌ای درست شد تا به انواع مختلف کارگران را اخراج کنند و چرخ کارخانه‌ها را بخوابانند و از این طریق تیشه به ریشه انقلاب بزنند. بعضی از کارگران و زحمتکشانی که بدین طریق بیکار شدند به ناچار به دستفروشی پرداختند تا بتوانند خرج زندگی زن و بچه خود را بدهند. این بود که روز به روز بر تعداد دستفروشان افزوده می‌شد به هر حال ما دستفروشان خود از این بابت ناراحت و نگران هستیم، چرا که می‌دانیم وجودمان در کارخانه بیشتر موثرتر و لازم‌تر است. اما چه کنیم؟

ما از مسئولان دولت می‌خواهیم که به جای اینکه هرچند یکبار عده‌ای را به سراغمان بفرستند و بساطمان را خراب کنند، فکری منطقی برایمان بکنند. آخر شکم گرسنه فرزندانمان را چگونه باید سیر کنیم؟ ما خودمان می‌دانیم که دستفروشی کاری نیست که دردی از جامعه‌دوا کند ولی چه باید کرد؟ باید ریشه این کار را پیدا کرد. باید دید که چه کسانی و با چه نیتی ما را مجبور به این کار کردند. آنها سرمایه‌داران و کارفرمایان زورگو هستند که بدین طریق می‌خواهند منافع ارباب خود یعنی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را تامین کنند.

با درود به همه کارگران و زحمتکشان گروهی از دستفروشان شهرستان کرج

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

## لیبرال‌ها امید ریگان

● تمامی شواهد حاکی از آن است که امپریالیسم در تدارک بسیجی نوین است. آماج اصلی این بسیج نوین امپریالیستی در منطقه خاورمیانه و نزدیک، قبل از هر چیز سرکوب مبارزات آزادیبخش خلق‌های منطقه تهدید حق حاکمیت دولت‌های مستقل و ترقیخواه و در درجه اول انقلاب میهن ما است. بازتاب این "بسیج امپریالیستی" نوین را می‌توان به‌وضوح در نشریات گوناگون امپریالیستی منجمله مجله "اکونومیست" چاپ لندن روزنامه "کنترل انسایکر" پابلیک‌مجر" چاپ آلمان باز یافت. نتیجه مذاکرات مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلستان و "ژان فرانسوا پونه" وزیر امور خارجه فرانسه با "رونالد ریگان" در واشنگتن بر سر تشکیل یک نیروی نظامی چند ملیتی برای دفاع از "منافع استراتژیکی غرب" در منطقه خلیج فارس نیز بیانگر این واقعیت است. در این باره خود "ریگان" گفته است:

"اولین عامل ضروری برای تامین ثبات در آن منطقه (خلیج فارس) آن است که در ایران دولتی بوجود آید که اختیارات یک‌دولتی واقعی را داشته باشد و نمایندگی آن کشور را عهده‌دار گردد".

برای تحقق این آرزو! امپریالیسم از سوی، به قول "تاچر" به همکاری همه کشورهای منطقه (بخوان همه مرتجعین منطقه) و از سوی دیگر به سرمایه‌داران لیبرال، این جاده صاف‌کن‌های امپریالیسم چشم امید دوخته است.

بینید امپریالیسم آمریکا تا چه حد دل‌نگران سرنوشت این "دوستان لیبرال" است "سایروس ونس" وزیر امور خارجه "کارتر" در تاریخ بیست‌وششم فروردین ماه ۵۸ طی سئوالاتی از جاسوس‌خانه آمریکا در مورد آقای "یزدی" با نگرانی مشحون از علاقه می‌پرسد:

"یزدی در چه سلسله مراتبی قرار گرفته است بعد از تغییر مکانش (به وزارت امور خارجه) آیا او قدرت به دست آورده است یا اینکه

از قدرت او کم شده است. عکس‌العمل کارکنان وزارت امور خارجه در برابر او چه بوده است و آیا هیچ اثر قابل پیش‌بینی در سیاست بوجود آمده است".

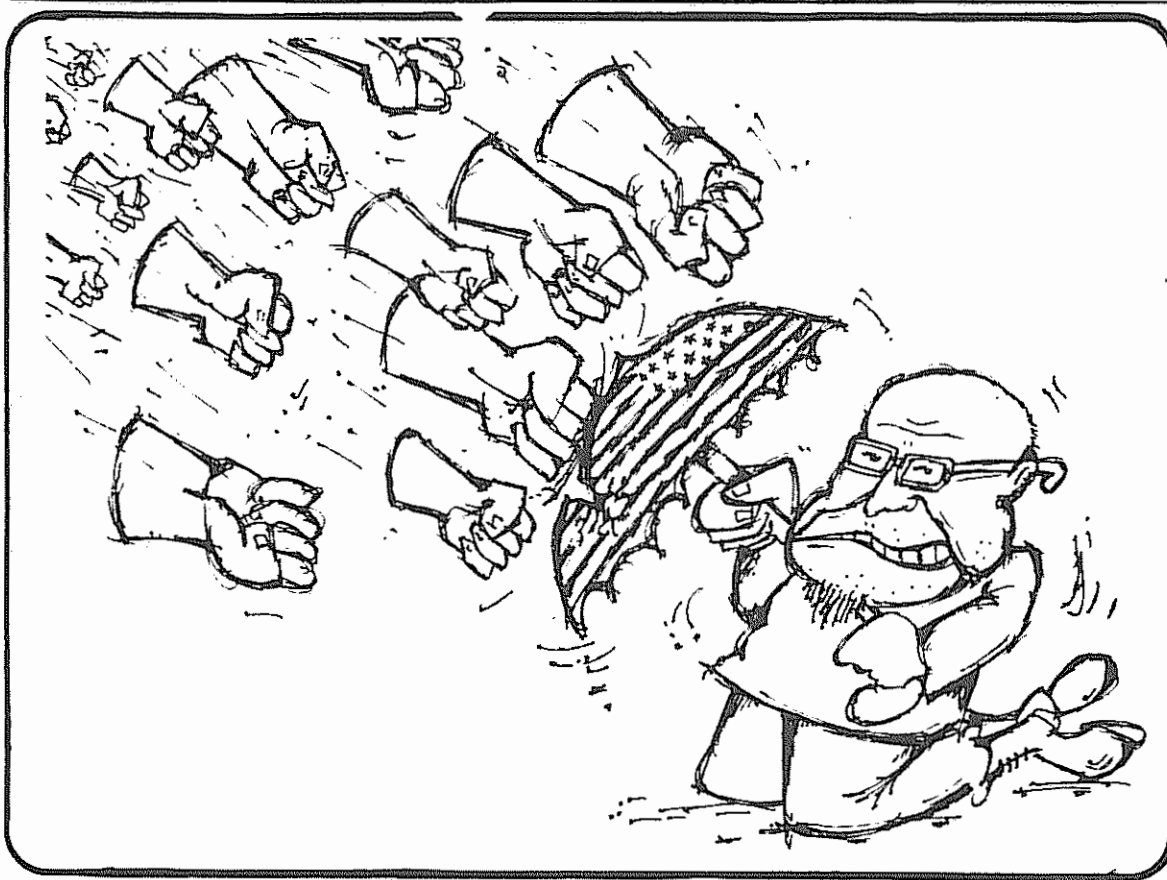
لیبرال‌ها نیز، حفاکه در برآورد خواست‌های "دوست‌های جهانی‌شان" امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا تاکنون کوتاهی نکرده‌اند. نه! بسیار هم فعالانه عمل نموده‌اند. جار و جنجال سرمایه‌داران لیبرال و تجار عمده را که پشت سر "لباسچی" و "دستمالچی" به سقوط دولت موقت برخاستند مقایسه‌کنید با این دستورالعمل "دوستان آمریکایی" که می‌گویند:

ضدانقلاب باید از خیابان‌ها و از درون بازار و در داخل ایران قذف‌افرازد؛

از بازرگانان ایرانی و دیگر افراد فعال در بخش‌های اقتصادی خواسته شده است که به یک اعتصاب همگانی دست بزنند و...

خود به "میزان" همکاری و همگامی آنها با "بسیج امپریالیستی" پی خواهید برد. در این میان آموزنده است که چگونه کسانی از جمله آقای رئیس‌جمهور، از جمله اطرافیان ایشان در روزنامه انقلاب اسلامی، با وجود واقعیات صریح فوق هنوز سنگ آزاد - منشی و دمکرات مابی امپریالیست‌های غیر آمریکایی را به‌ویژه امپریالیسم "متمدن" فرانسه را به‌سینه می‌زنند و عملاً در کنار آنان قرار می‌گیرند. آموزنده است که چگونه زیر پرده دفاع از

● سرمایه‌داران لیبرال با "شعار آزادی!" علیه آزادی واقعی از یوغ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا قیام می‌کنند.



فزاینده علیه انقلاب ایران فعال می‌شوند. صف انقلاب در برابر این "بسیج" تازه باید دوسدچندان بر توان خویش بیفزاید. تقویت پشتوانه توده‌ای انقلاب در داخل کشور و تحکیم توان آن در عرصه روابط بین‌الملل وظیفه‌گرمی است که در این زمینه در برابر همه انقلابیون و ترقیخواهان میهن ما قرار دارد. در داخل کشور، انقلاب باید موانع راه خود، سرمایه‌داران لیبرال، بزرگ مالکان و تجار عمده را از سر راه بردارد. انحصارطلبی کوتاه‌نگری و هرگونه تبعیض "عقیدتی" باید سریعاً به کناری گذاشته شود، تا پشتوانه توده‌ای انقلاب تقویت شود. تا وحدت واقعی خلق همه‌جانبه و سراسری متحقق گردد. تا جبهه واحد و گسترده نیروهای ضدامپریالیست در داخل پایه وجود گذارد.

در عرصه بین‌المللی اتحاد یک سیاست خارجی فعال، ضدامپریالیستی و مترقی انچنان که در شان انقلاب ایران است، از اساسی‌ترین گام‌هاست. انقلاب، اردوگاه سوسیالیسم دول ضدامپریالیست، نیروهای رهایی‌بخش خلق‌ها و طبقه کارگر کشورهای - امپریالیستی، به علاوه تدبیر لازم در برقراری هر گونه رابطه با دشمنان انقلاب مضمون اساسی چنین سیاست خارجی است. باید در عرصه بین‌المللی نیز دورنمای تشکیل جبهه واحد ضدامپریالیستی را پیش‌روی خود قرار داد انتخاب سرپرست ضدامپریالیست و مردمی برای وزارت امور خارجه در لحظه کنونی، از نخستین گام‌هایی است که در این راه می‌توان برداشت. این گام‌ها باید سریع، قاطع و با تمام قوا برداشته شود. اگر چنین شود دیگر توطئه "بسیج امپریالیستی - لیبرالیستی" علیه انقلاب شکوهمند ما، تنها غلط‌زیادی امپریالیست‌ها است که بی‌شک ره به جایی نمی‌برد!

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا



نیمه از صفحه ۴

## سرود پیروزی...

می‌ریختیم تا دنیا برایشان  
جهنم بشود."  
در جوابش می‌گویم:  
"بگذار امروز، جشن  
انقلاب را در میان مردم  
باشیم و در شادیشان شرکت  
کنیم"

جمله‌ام هنوز تمام نشده  
است که از بالای سرمان  
صدای سفیر گلوله شنیده  
می‌شود. بلافاصله دراز  
می‌کشیم چند لحظه بعد از  
آن طرف شط صدای انفجار  
می‌آید. آنقدر این صداها و  
انفجارها تکرار می‌شود که  
دیگر کنجکاویمان را هم  
بر نمی‌انگیزد. بلند می‌شویم  
و به راه ادامه می‌دهیم. هر  
جا که می‌رسیم سالگرد  
انقلاب را به ما تبریک  
می‌گویند. در شهر نمایشگاه  
عکسی برپاست. بسیاری از  
برادران پاسدار، بسیج  
و سرباز را که می‌شناسیم،  
آنجا حضور دارند. همدیگر  
را در آغوش می‌گیریم و  
سالگرد انقلاب را به هم  
تبریک می‌گوییم. نمایشگاه  
به معرفی انقلابات کوبا،  
ویتنام، و نیکاراگوئه  
اختصاص دارد. تعداد  
زیادی از زحمتکشان آبادان  
با شادی به دیدار نمایشگاه  
آمده‌اند. کنار نمایشگاه  
گوشه‌ای از خیابان روی یک  
گاری دستی مقداری شیرینی و  
میوه گذاشته‌اند. مسئول  
نمایشگاه نمی‌گذارد، بدون  
برداشتن شیرینی از آنجا  
برویم.

در سالن یکی از  
دبیرستان‌های شهر فیلمی را  
نمایش می‌دهند. سالن تا  
کنار درش پر از سرباز،  
پاسدار و بسیجی است.  
داستان فیلم مربوط به  
مبارزات رهایی‌بخش خلق  
ویتنام است. سکوتی که  
در سالن حکمفرماست،  
آشکارا حکایت از شوق  
بینندگان دارد.

روبروی سالن نمایش فیلم  
بر روی سیم برق چند کیوتر  
نشسته‌اند. لحظه بعد آرام  
بلند می‌شوند و با بال‌های  
گشوده در آسمان آبی به  
پرواز درمی‌آیند و من که از  
شادی زحمتکشان، روحیه  
تازه‌ای یافته‌ام بی‌اختیار  
فریاد می‌زنم:

"زنده باد انقلاب"  
نامه یک سرباز فدایی  
از آبادان

پیر زن دستش را سایبان  
چشمش می‌کند و بی‌مقدمه  
می‌گوید:  
"لعنت به این جنگ  
یکی از همین شب‌ها کلک ما  
هم‌کنده می‌شود."  
باز بی‌مقدمه می‌گوید:

"بیایید سربازها  
سرشیرهای امروز خیلی خوب  
شده"

بازار را دور می‌زنم و باز  
در شهر به گردش درمی‌آیم.  
در یکی از خیابان‌ها  
جنب‌وجوشی به چشم  
می‌خورد بی‌اختیار  
دوچرخه‌ام را به آن طرف  
می‌رانم تعدادی زن و مرد  
دارند از یک وانت بار پیاده  
می‌شوند صدایشان می‌زنم:  
"آمده‌اید، بمانید؟!"

با غرور جواب می‌دهند:  
"آره آمده‌ایم... بمانیم  
شوق سراسر وجودم را  
می‌گیرد. از شادی می‌خواهم  
به پرواز درآیم. با قدرت  
به دوچرخه‌ام رکاب زده و  
سرود خوانان به راه ادامه  
می‌دهم."

تلاش خستگی‌ناپذیر  
زحمتکشان این سازندگان  
واقعی زندگی بر همه چیز  
غلبه خواهد کرد. بهمنشیر  
مواج و سرزنده به روی ما  
لیخنند می‌زند.

نامه یک سرباز فدایی  
از آبادان

## زنده باد انقلاب

۲۲ بهمن است. بر  
آسمان آبی آبادان، هیچ  
پرنده‌ای در حال پرواز نیست  
در خیابان‌های شهر که قدم  
می‌زنی، صدای شلیک و  
انفجار، رگبار و بازهم رگبار  
یک لحظه قطع نمی‌شود. با  
یکی از سربازها که باهم  
هم‌سنگر هستیم برای مرخصی  
به شهر آمده‌ایم. در  
خیابان‌های شهر اکنون  
عابراتی عجول، خسته اما  
امیدوار دیده می‌شوند.  
رفیق همراهم می‌گوید:

"ای‌کاش در جبهه بودیم  
و سالگرد انقلاب را در برابر  
چشمان دشمن متجاوز جشن  
می‌گرفتیم کاش آنجا بودیم  
و آنقدر گلوله بر سرشان

## گرامی باد خاطره رفیق فدائی سیدطه محدث



بدنم به شدت سیخ شده و  
قلیم می‌زند، در درونم  
شعله‌ای می‌جوشید. دنیای  
جدیدی به رویم باز شده بود  
برادرم می‌گفت اگر این راه را  
قبول داری باید تا آخرش  
بیایی. من هر کجا که  
می‌رفتم درباره آن کتاب  
صحبت می‌کردم. یک روز  
برادرم به من گفت آخه  
می‌دونی جامعه ما برای  
شنیدن اینجور حرف‌ها  
آمادگی ندارد و تو نباید هر  
جایی بیپوده از این  
صحبت‌ها بکنی. تو تا آنجا  
که می‌توانی باید علیه نظام  
سرمایه‌داری تبلیغ کنی و همه  
جا آن را بکوبی. تو باید از  
نظام سوسیالیستی دفاع کنی  
برادرم خودش ساعت‌ها  
می‌نشست و با مادر بیسوادم  
صحبت می‌کرد. می‌گفت  
بیسوادی تو تقصیر  
سرمایه‌داری است و مادرم هم  
که ترک بود می‌گفت: "نه  
بولوم" یعنی چه میدونم.  
خلاصه روزها می‌گذشت.  
درست یادم هست روزی که  
ستاد سازمان را گرفتند و ۵  
روز به خانه نیامد، بعد هم  
که آمد سرش باندپیچی شده  
بود... هفته‌ها گذشت کار  
از ۵۹ گذشت ۶۰ بود یا ۶۱  
که نیامد طول کشید تا اینکه  
یک روز برادرم با ورقه‌ای که  
عنوان آن "مذاکرات با  
کمیته مرکزی..." بود آمد  
مال "اقلیت" بود آنها  
اعلامیه دادند که مثلاً بگویند  
ما حق هستیم. کار اقلیت  
بود ولی اکثریت نبود،  
یادم نیست بعد از چقدر  
کار "اکثریت" به دستمان  
رسید دوباره حال گرفتیم.  
بعد رژیم صدام حمله کرد  
به ایران از آن موقع به قول  
برادرم "آمر" ما بالا رفت  
من و برادرم به گفته سازمان  
خودمان رابه بسیج معرفی  
کردیم. ۱۹ دی رسید و  
برادرم بدون دستور و خبر  
سپاه و بسیج به طرف آبادان  
و اهواز به راه افتاد. آنها  
چون درس داشت او را  
نمی‌بردند. هرچقدر اصرار  
کردم که وصیت‌نامه‌ای بنویس  
ننوشت می‌گفت من که نمی‌رم

● اوایل بهمن‌ماه بود که  
راهپیمایی‌هایی در تهران  
برگزار می‌شد. من و برادرم  
(سیدطه) و خواهرم... در  
آن شرکت می‌کردیم. چندم  
بهمن بود که در میدان  
آزادی راهپیمایی عظیمی  
صورت گرفت که در آن ما هم  
شرکت کردیم. در آن موقع  
به قول برادرم ما داشتیم  
تولد پیدا می‌کردیم. از  
کارهای سیاسی چیزی  
نمی‌دانستیم. برادرم  
چندگاه یک مرتبه اعلامیه‌های  
"آیت‌الخمینی" را می‌آورد  
و بعد از خواندن اگر  
می‌توانست درجایی تکثیرش  
می‌کرد... خلاصه روزها  
می‌گذشتند. انقلاب در حال  
پیروزی بود، حکومت نظامی  
۴/۵ شده بود ما به میدان  
آزادی و از آنجا به میدان  
انقلاب رسیده و شعار  
می‌دادیم. تیراندازی که  
شروع شد برادرم پایش گلوله  
خورد خواستیم او را با  
آمبولانس به بیمارستان ببریم  
در وسط راه یک ارتشی ما را  
به زور پیاده کرد مجبور شدم  
او رابه دوش گرفته و تا خانه  
ببرم... آن روزها گذشت و  
انقلاب پیروز شد. شب رفت  
و سپیده زد، جلگه خون  
شروع به روییدن کرد و  
ابره‌های سیاه‌خشم از دل‌ها  
خروشیدند.  
روزی برادرم به خانه آمد  
و نشریه‌ای به من داد. من  
تعجب کردم تا به حال چنین  
نشریه‌ای را ندیده بودم.  
شروع کردم به خواندن بالای  
آن نوشته بود "کار" از  
برادرم پرسیدم که این چیه؟  
گفت این نشریه متعلق به  
سازمان چریکهای فدایی خلق  
ایران است... یک روز  
دیگر با خود کتابی آورد و به  
من داد و گفت فقط بخون،  
نه یکبار، نه دوبار، نه سه  
بار بلکه هرچی می‌تونی  
بخون و خوب بفهم. اسم  
کتاب "اصول مقدماتی  
فلسفه" بود با هم شروع  
به خواندن کردیم، چند روز  
به آخر کتاب که رسیدیم  
من احساس کردم موهای

شهادت بشم. من میرم پیروز  
بشم از وقتی او رفت پدر و  
مادرم حالشان بد بود، من  
هم حالم بد بود تقریباً ۱۶  
یا ۱۷ بهمن بود که شبش در  
تلویزیون اسامی شهدا را  
خواندند. اسم (سیدطه) به  
واضحی تمام شنیده شد.  
مادرم از حال رفت... به  
یاد خاطرات خودم با او  
افتادم از اول قیام تا  
شهادتش. بی‌اختیار موهایم  
سیخ شد و لرزه‌ای بر پشتم  
افتاد قلبم تیر کشید.  
جریان شهادت او را که  
بعدا شنیدم از این قرار بود  
در آبادان وقتی می‌فهمد او  
بدون اجازه بسیج آمده، او را  
به دست یک ارتشی می‌دهند  
که او را به محلی امن برده و  
از آنجا به تهران بیاورند.  
نصفه شب با کمک یک پاسدار  
فرار کرده و به همراه آن  
پاسدار از طریق فاضل‌آب به  
پشت دشمن می‌روند (آن  
پاسدار به برادرم اسلحه  
داده بود) آنها ۳ عراقی را  
می‌کشند. در حال بازگشت  
آن پاسدار جلو بوده و بعد  
برادرم از طرف سپاه  
پاسداران درون مسجد آنها  
را به جای دشمن گرفته و به  
رگبار می‌بندند... خمپاره  
به ستون فقرات برادرم  
خورده بود.  
دوقطعه عکس که برایتان  
فرستاده‌ام متعلق به  
(سیدطه محدث) (اگر شما  
اجازه بدهید با غرور رفیق  
شهادت فدایی سیدطه محدث)  
است.

دراختزار باد پرچم  
سرختان. در راهتان پیروز  
باشید.

به همراه نامه چند  
نمونه‌ای از کارهای هنری  
رفیق شهید نیز به دست ما  
رسید.

## چاره گرانی

### کنترل دولت بر توزیع کالاها

قیمت سوه نسبت به سال پیش  
تا ۱۵۰ درصد افزایش  
یافته است

در غیراین صورت هرگونه راه حل دیگر که متضمن مقابله جدی با سرمایه داران و عمده فروشان و سلف خران حاکم بر بازار میوه و تره بار نباشد، باز همچنان افزایش قیمت را به دنبال خواهد داشت، که در کنار آن روز به روز زحمتکشان هرچه بیشتری از دسترسی به میوه و تره بار محروم خواهند شد. اما با فرارسیدن نوروز، بیش از هر زمان دیگر قیمت کمرشکن میوه و تره بار بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند و خوشبختانه دولت به این مسئله توجه داشته و توزیع میوه و تره بار نوروز مردم را خود به عهده گرفته است. جدیت و پیگیری اجرای این برنامه ضربتی به نفع زحمتکشان است و دولت برای انجام هرچه موفق تر آن باید تمامی امکانات و اهرم های لازم دولتی و نهادهای مردمی را بکار گیرد.

میوه از دست یک واسطه دیگر میلیتی به قیمت آن افزوده می شود. وضع ادامه دارد، قیمت میوه و تره بار کاهش نخواهد یافت. بنابراین باید گفت، اعمال کنترل دولتی بر قیمت ها و جلوگیری از افزایش آن، بدون پایان دادن به نقش غارتگرانه و انگلی میدانداران، عمده فروشان سلف خرها و واسطه ها میسر نخواهد بود. برای این منظور نیز دولت پیش از هر چیز باید با کنترل توزیع عمده میوه و تره بار در دست خود محصولات باغداران زحمتکش شهر و روستا را به قیمت مناسب خریده، آن را از طریق شرکت های تعاونی با کمک میوه فروشان خرد، با قیمت رسمی و مناسب در سطح جامعه، عرضه نماید. تنها در این صورت است که می توان قیمت های میوه و تره بار را مهار کرده و از افزایش آن جلوگیری نمود.

ریال تا ۱۷۰ ریال، سیب از کیلویی ۵۰ ریال ۱۰۰ تا ۱۲۰ ریال رسیده است. در حالی که در این مدت نه تنها به دستمزد شوهرم اضافه نشده، بلکه سود ویژه و عیدی هم نداده اند. با این وضع مجبور هستیم در تمام هفته یک روز میوه بخریم که آن هم دست روی هر میوه که می گذاریم، آنقدر گران است که از عهده اش بر نمی آیم. با میوه فروشان نیز که وارد صحبت می شویم، آنها نیز عموماً از گرانی روزافزون میوه شکایت داشته و مثل تمام زحمتکشان دیگر به عدم مقابله قاطع دولت با میدانداران بزرگ معترض هستند. یک میوه فروش در میدان گرگان می گفت: "میدانداران بزرگ بدون نظارت و کنترل، قیمت ها را تعیین می کنند و بر اساس شرایط روز نرخها را بالا می برند، برای نمونه همینکه نرخ تره بار اعلام شد (۷ اسفند) قیمت ها افزایش یافت، ضمن آنکه بارفروشان با استفاده از این فرصت که دولت برای هر نوع میوه بدون در نظر گرفتن مرغوبیت آن یک نرخ تعیین کرده بود، از عرضه میوه های درجه ۱ و ۲ خودداری کرده در انبارها و سردخانه های خود انبار کرده اند. و تنها میوه های درجه ۳ را به بازار می فرستند." در میدان بارفروشان امین السلطان نیز که یکی از مراکز عمده فروش میوه است با کارگران میدان که گفتگو داشتیم، یکی از آنها درباره علت گرانی می گفت: "وقتی میوه از باغدار خرید می شود هفت دست می چرخد تا به دست یک میوه فروش برسد. زیرا اوایل بهار میدانداران و سلف خرها راه می افتند و میوه ها را با قیمت نازلی از باغداران پیش خرید می کنند سپس آن را با قیمت گزاف در بازار عرضه می کنند. تازه باز هم باید از چند دلال و واسطه رد شود تا به میوه فروشان دستفروش و مغازه دار برسد که با انتقال

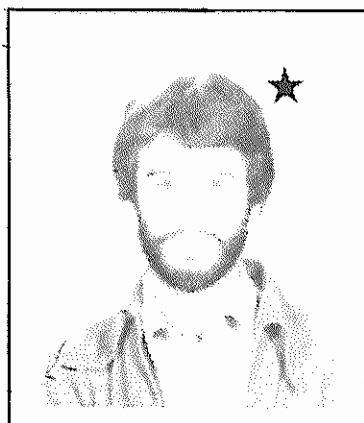
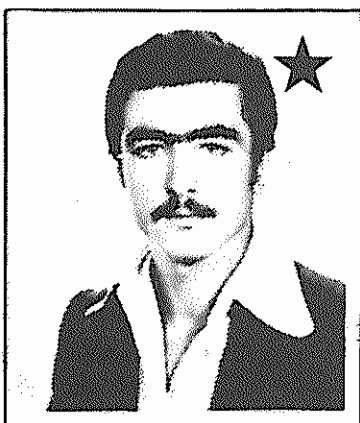
تره بار را در دست دارند تنها انواع میوه های درجه سه را با قیمت رسمی به بازار عرضه کنند، درحالی که میوه های مرغوب را برای فروش در ایام عید در انبارها و سردخانه های خود ذخیره کرده و بتدریج با قیمت دلخواه به میوه فروشی های شمال شهر می فروشند. بنابراین باید گفت اقدام اخیر دولت مبنی بر نرخ گذاری بر میوه و بدون تعیین درجه مرغوبیت آن، تغییری در وضع بازار میوه به نفع زحمتکشان نداده است بطوری که همچنان انواع میوه های مرغوب در شمال شهر فراوان و در مناطق مختلف جنوب شهر میوه ها از نوع درجه سه و نامرغوب است. در گفتگویی در میدان شوش خانم خاندادی هنگام خرید میوه چنین گفت: "قیمت میوه روز به روز افزایش می یابد. پرتقال از کیلویی ۹۰ ریال به ۱۵۰

● با نزدیک شدن ایام عید، قیمت میوه و تره بار هم به نحو سرسام آوری افزایش یافته، نرخ انواع آن در دو هفته اخیر به دو تا سه برابر سال گذشته رسیده است. بدین ترتیب در حالی که بارفروشان و سرمایه داران حاکم بر بازار میوه و تره بار، با سلف خرها، همچنان مطابق شرایط روز "به میل خود" قیمت را بالا برده و میزان عرضه میوه را تعیین می کنند، دولت تاکنون با سهل انگاری های خود در برابر سودجویی های این غارتگران، نتوانسته است گام موثری در مقابله با گرانی روزافزون میوه و تره بار بردارد. اقدام اخیر دولت نیز در تعیین قیمت های رسمی میوه و تره بار از آنجا که نوع مرغوبیت آنها در نظر گرفته نشده، نه تنها با کاهش قیمت ها همراه نبوده بلکه موجب شده است تا سرمایه داران، بارفروشان بزرگ که توزیع عمده میوه و

### در هر رگِ برگ، خون یاران رفته است

در پی تقاضای سازمان مبنی بر ارسال اسامی و شرح حال رفقای شهیدی که تاکنون در کار درج نشده است، اسامی متعددی طی نامه هایی به ما رسیده است که ضمن گرامیداشت خاطره پرشکوه شان، اسامی زیر به لیست شهدای پرافتخار سازمان مان افزوده می گردد. رفقای شهید:

پری فروزی، فرانکیغمائی، محمد اسماعیل زاده، محسن نیکرآم، عباس تبریزی، اسدالله مفتاحی، پرویز حقگو (تاریخ شهادت ۲۵ تیر ۵۸)



فدائی شهید رفیق عباس تبریزی که در روز تاریخی ۲۲ بهمن ۵۷ در حملۀ مسلحانه به کلانتری ۶ به شهادت رسید.

فدائی شهید رفیق محسن نیکرآم که در روز ۲۱ بهمن ۵۷ در جریان تصدیف کلانتری بخش ۳ رشت هدف گلوله دژخیمان محمدرضا شاهی قرار گرفت و شهید شد.

جدول مقایسه نرخها با سال گذشته

نرخ بعضی میوه و تره بار	قیمت روز	قیمت سال قبل
	به ریال	به ریال
سیب لبنان درجه ۱	۱۵۰	۷۰-۸۰
سیب لبنان درجه ۲	۱۲۰	۶۰-۷۰
سیب شمیران درجه ۲	۹۰-۱۰۰	۴۰-۶۰
پرتقال درجه ۱	۱۷۰-۲۰۰	۱۰۰-۱۱۰
پرتقال درجه ۲	۱۲۰	۴۰
نارنگی	۳۰۰	۱۰۰-۱۲۰
لیموشیرین	۲۷۰	۸۰-۱۰۰
کاهو	۵۰	۲۵
کلم	۴۰	۲۵
هویج	۴۰	۲۵
سبزی خوردن	۵۰	۴۰
کرفس	۵۰	۲۵

نرخ های جدول در مناطق جنوب شهر و به ویژه میدان شوش و گرگان تهیه شده است.

مسئول ایجاد ناامنی و...

بقیه از صفحه ۲۸

آن را به نابودی کشانند. رویدادهای لاهیجان برخلاف آنچه که مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی ادعا کرده اند، تنها به تحریکات و اقدامات ضد انقلاب مربوط نمی شود. سیاست نفاق افکنانه، انحصارطلبانه و ماجرا - جویانه مقامات و مسئولان منطقه در شکل گیری فجایعی نظیر آنچه که در لاهیجان و سایر مناطق ایران اتفاق می افتد نه تنها سهم چشم گیری دارد بلکه تا آنجا که به وقایع لاهیجان مربوط می شود، تأثیر عمده داشته است.

زمانی که اوباشان استاندار، دادستان استان و حاکم شرع که به نام کمیته "باقرآباد" و "شهر سبز" انجام وظیفه می کنند، از سخنرانی نماینده لاهیجان در مجلس شورای اسلامی در مسجد جامع شهر جلوگیری به عمل می آورند، وقتی از هتاکی به نماینده مجلس نیز در نمی گذرند و آنگاه رئیس مجلس بدون کوچک ترین استفساری از نماینده شهر لاهیجان از تریبون مجلس به تحریف وقایع پرداخته و بطور یک جانبه به دفاع از حاکم شرع و دیگر مسئولان منطقه برمی خیزند، چگونه می توان انتظار داشت که فجایعی نظیر آنچه اتفاق افتاد، دیگر بار تکرار نشود.

ما ضمن محکوم کردن حوادثی که در شهر لاهیجان اتفاق افتاد، از مجلس شورای اسلامی می خواهیم که هیئتی رامامور رسیدگی به حوادث شهر لاهیجان و استان گیلان بکند. ما هرگونه بی توجهی به مسائلی را که در سطح استان می گذرد، خطر بزرگی برای انقلاب ایران دانسته و مسئولانه نسبت به آن هشدار می دهیم.

طبق آخرین اخباری که به دستمان رسیده است، شهر هم اکنون نسبتاً آرام است. لیکن این آرامش در صورتی که به هشدارهای مسئولان ما توجه کافی نشود، می تواند آستان حوادث ناگوارتری باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) - شاخه گیلان در ارتباط با وقایع لاهیجان تاکنون بیانیه و اعلامیه های متعددی صادر

کرده است که به علت تراکم مطالب از درج تمامی آنها خودداری می کنیم و تنها به ذکر نکاتی از آخرین اعلامیه مورخ ۱۶ اسفند ۵۹ که به دستمان رسیده است، می پردازیم.

حوادث چند روز اخیر که باعث مختل شدن زندگی عادی مردم شهر شده است، نگرانی های زیادی را در میان همشهریان عزیز ایجاد نموده است از مدت ها پیش ما شاهد درگیری های زیادی بین چماقداران (به نام کمیته باقرآباد، کمیته شهر سبز و افراد بسیج عمل می کنند) و مجاهدین بر سر فروش نشریه مجاهد بوده ایم. بروز چنین حوادثی که طبعاً نه اولین است و نه آخرین خواهد بود، از موضوع نادرست مقامات دولتی نسبت به آزادی های سیاسی نیروهای ضدامپریالیست از یک سو و حرکات ماجراجویانه مجاهدین - و گروه های چپ رو از سوی دیگر نشئت می گیرد.

حجت الاسلام قربانی (حاکم شرع) قصد داشت به هر شکل ممکن از فروش نشریات گروه های سیاسی از جمله مجاهدین جلوگیری به عمل آورد. مجاهدین نیز بنا به سیاست نادرستان در قبال جمهوری اسلامی سعی می کردند روزنامه مجاهدرا به شکل تحریک - آمیزی به فروش رسانند. چماقداران هم طبق معمول به فروشندگان روزنامه مجاهد حمله برده و به ضرب و شتم آنان می پرداختند. مغازه داران اطراف هم بخاطر نداشتن امنیت کرکسره مغازه هایشان را به زیر کشیده و قبل از آنکه روز را به شام برسانند، به خانه هایشان می رفتند. سرانجام آقای قربانی برای آنکه این درگیری ها را از بن بست بدر آورد به تاکتیک جدیدی متوسل می شود. او سعی می کند که مغازه داران را در مقابل مجاهدین قرار دهد و از طریق آنها مانع فروش نشریه ها گردد.

لهذا در تاریخ ۱۲ اسفند ۵۹ طی اطلاعیهای شدیداً به فروشندگان نشریهات و گروه های سیاسی حمله نموده و اعلام می کند که از روز بعد

قاطعانه از فروش روزنامهها جلوگیری به عمل خواهد آورد. روز بعد عده ای از چماقداران که از سوی کمیته شهر سبز توسط جناحی از پاسداران انقلاب سازماندهی شده بودند، به فروشندگان روزنامهها حمله می برند.

آنها در ادامه حملات خود به مغازهها هجوم برده و خسارات زیادی به مردم وارد می آورند. در این روز حداقل ۲۰ باب مغازه توسط افراد کمیته "باقرآباد" و "شهرسبز" غارت می شود.

روز بعد یعنی در تاریخ ۱۴ اسفند ۵۹ برخلاف خیال باطل آقای قربانی بازاریان به عنوان اعتراض نسبت به عمل چماقداران مغازه های خود را تعطیل نموده و به فرمانداری می روند.

فرماندار بدون توجه به حرف های آنها، گروه های سیاسی را عاملین حوادث اخیر دانسته و از بازاریان می خواهد که جلوی آنها را بگیرند. بازاریان که از فرماندار پاسخ درستی نشنیده بودند، برای پیگیری خواسته های خود متن تلگرامی را برای مقامات عالی رتبه دولت جمهوری اسلامی ایران ارسال نمودند.

در روز بعد ضمن تعطیل بازار، بازاریان با آقای انصاری نماینده مردم لاهیجان در مجلس صحبت می نمایند. آقای انصاری از آنان می خواهد در بعد از ظهر همان روز در سخنرانی مسجد جامع شهر شرکت نمایند. لازم به تذکر است که از سخنرانی آقای انصاری با اسلحه جلوگیری می نمایند.

در بعد از ظهر همان روز، مجدداً چماقداران که توسط کمیته باقرآباد رشت همراهی می شدند، به فروشندگان روزنامه و مردم حمله برده و درگیری گسترش یافته و منجر به تیراندازی از طرف مهاجمین می شود که چندین زخمی برجای می گذارد.

صبح فردای آن روز درگیری ادامه یافت و سرانجام باعث شهادت یکی از هواداران مجاهدین خلق می شود. یک پیرمرد نیز در حوادث لاهیجان به شهادت رسید.

با توجه به مطالب فوق برای جلوگیری از تکرار چنین حوادثی می باید نکات زیر دقیقاً مورد توجه قرار گیرد:

۱- ما آقای قربانی و شرکاء را به عنوان مسئول حوادث چند روز اخیر دانسته و اعتقاد داریم که ایشسان

نمی توانند به وظایفی که اشاره کردیم عمل نمایند. لهذا از دولت جمهوری اسلامی می خواهیم که عناصر دلسوز و مومن به انقلاب را به جای آنان بگمارند.

۲- از مجاهدین خلق می خواهیم که با توجه به شرایط حساس کنونی از لجاجت های کودکانه دست بردارند و توان و انرژی خود را در خدمت آگاهی توده ها و معرفی دوستان و دشمنان انقلاب به آنان به کار گیرند و برای مشکلات مردم راه حل و برنامه ارائه دهند.

کمکهای مالی دریافت شده

Table with multiple columns listing financial aid received from various sources, including individuals and organizations, with amounts in Rials.

حالت تعطیل درآمد و یک مبارزه اصولی و قانونی را ادامه دهند. تاخیر در باز کردن مغازهها موجب بروز مشکلاتی برای مردم می گردد که می تواند مورد بهره برداری ضدانقلابیون قرار گیرد.

۳- از خواهشهای برحق بازاریان و کسبه حمایت نموده و معتقدیم که برای دستیابی به خواسته های اصولی خود می بایست مغازهها را باز نموده (طبق آخرین اخبار از روز شنبه و یکشنبه مغازهها به تدریج باز شد و بازار از

۴- به مردم و دولت هشدار می دهیم که با برخوردی اصولی و انقلابی نسبت به حوادث چند روز اخیر مانع بهره برداری لیبرالها و ضدانقلابیون شده و از گسترش درگیریها جلوگیری به عمل آورند.

۵- از آقای انصاری نماینده لاهیجان در مجلس شورای اسلامی می خواهیم که خواسته های مردم لاهیجان را به اطلاع مجلس و مقامات ذیصلاح رسانده و در جهت برآورده شدن خواسته های آنان تلاش جدی به عمل آورند.

## مسئول ایجاد ناامنی و هرج و مرج در لاهیجان چه کسانی هستند؟

در هفته‌ای که گذشت از حمله مناطق ناآرام و پرتشنج کشور، شهر لاهیجان گزارش شده است. مقامات بالارته جمهوری اسلامی و رئیس مجلس، رئیس دولت و رضائی فرمانده سپاه پاسداران نیز در سخنان خود پیرامون وقایع دانشگاه تهران از شهر لاهیجان و "توطئه ضدانقلاب" در آنجا یاد کرده و چنین وانمود کردند که حوادث لاهیجان در ارتباط با وقایع دانشگاه تهران و توطئه براندازی دولت جمهوری اسلامی ایران است. بدون تردید ما قصد آن را نداریم که وقایع لاهیجان را جدا از وضعیت عمومی مملکت و به عنوان تافته جداافتاده

مورد ارزیابی قرار دهیم. این روشن است که دشمنان انقلاب ایران و همه آن کسانی که در راه سرنگونی دولت جمهوری اسلامی ایران گام برمی دارند، بیشترین استفاده را از رویدادهای لاهیجان می‌برند و در ایجاد حوادثی نظیر آنچه که در لاهیجان اتفاق افتاد، ذینفع و به شکلی نیز دخالت دارند بسیار آسان می‌توان گفت و نوشت که "ضدانقلاب شهر را به آشوب کشاند" لیکن این نحوه برخورد از نظر ما نه تنها برخورد مسئولانه با سرنوشت انقلاب مردم نیست بلکه صرف نظر از نیاتی که در سر داشته باشیم، راه را برای عوام فریبی ضدانقلاب

در صفحه ۲۷

## تسلیت به بازماندگان حادثه سقوط بهمن

روز سه‌شنبه دوازدهم اسفند ماه، بهمن عظیمی در دهانه جنوبی تونل کندوان (جاده تهران - چالوس) سقوط کرد. کوه عظیم برف دهها وسیله نقلیه را به همراه سرنشینان آنها، به کام خود کشید و به قعر دره فرستاد. در این حادثه دهها تن از هم‌میهنان ما جان خود را از دست دادند و عده زیادی نیز زخمی شدند. ما فقدان قربانیان این فاجعه را به هم‌میهنانمان و به‌ویژه به بازماندگان آنان عمیقاً تسلیت می‌گوییم.

در صفحه ۴

## از یادداشت‌های فدائیان خلق در جبهه‌های جنگ

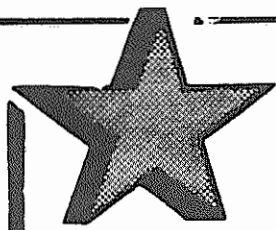
# سرو و پیروزی در ارتفاعات هیمک

در صفحه ۴

## شادی عید را با آوارگان جنگ تقسیم کنیم

در عید امسال جنگ تحمیلی رژیم صدام به تشویق امپریالیسم آمریکا خانواده‌های بسیاری را به سوگ عزیزانشان نشانده است. در عید امسال جنگ تحمیلی رژیم صدام به تشویق امپریالیسم آمریکا میلیونها هم‌میهن ما را آواره کرده است. شادی عید را با آنان تقسیم کنیم و فضای اردوگاه‌های آوارگان جنگ را با شادمانی وحدت و پیروزی سرشار نماییم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)



## سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران

### از خون رفیقان ما لاله‌گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پرافتخار طف گارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرصه‌ای از بیکار تاریخساز خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب نثار می‌کنند. خون پاک رفقا، دشتها و دره‌های میهن را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دمکراتیک فردای پیروزی زحمتکشان بر آن بنا می‌نهد.

فدائیان خلق، رفقای شهید، سنگرهای بیکار با تجاوزگران

- |                  |                             |                  |
|------------------|-----------------------------|------------------|
| اکبر بدلی        | عالم عباس بخرد              | اکبر بدلی        |
| اکبر فخور        | عمادالله رنسی               | اکبر فخور        |
| امیر آقایی       | محمد رضا آذربان             | امیر آقایی       |
| علی مصاف         | سپهناستان راده              | علی مصاف         |
| جواد کجی         | حسب‌الله فرجبخش             | جواد کجی         |
| البرز یوسفی      | ابراهیم شکرچی               | البرز یوسفی      |
| مریم رئیسی       | عبدالحسن ساه میر            | مریم رئیسی       |
| رحیم سفلی        | محمود اسرف آبادی            | رحیم سفلی        |
| سعد کوشش         | فریدون مرعشی راده           | سعد کوشش         |
| بهرام وزابینی    | محمد قاسم فلاح بیک          | بهرام وزابینی    |
| محمود ابخو       | محمد مهدی نیت‌اندام         | محمود ابخو       |
| خسرو کریمی       | محمد سیداله نژاد رودینه     | خسرو کریمی       |
| حسین سزیمی       | محمد حسن صدر آبادی          | حسین سزیمی       |
| عبدالله مرادی    | رحمت‌الله (امیر) انصاری پور | عبدالله مرادی    |
| محمد سزادار      | نوری نیکان                  | محمد سزادار      |
| قی اسکویی        | سعید (عباس) آقاپور          | قی اسکویی        |
| حسن صالحی        | علیرضا خلیلی                | حسن صالحی        |
| کاظم عدی         |                             | کاظم عدی         |
| علیرضا کاظمی     |                             | علیرضا کاظمی     |
| علی خام‌رازه     |                             | علی خام‌رازه     |
| ابرج حسین‌با     |                             | ابرج حسین‌با     |
| لطیف علیراده     |                             | لطیف علیراده     |
| بروین کریمیان    |                             | بروین کریمیان    |
| اسحاق بابازاده   |                             | اسحاق بابازاده   |
| مریضی دارایی     |                             | مریضی دارایی     |
| رهبره موسویان    |                             | رهبره موسویان    |
| وحید نکسیر       |                             | وحید نکسیر       |
| ستاره باقرزاده   |                             | ستاره باقرزاده   |
| کورس پاک‌بین     |                             | کورس پاک‌بین     |
| حمید ولادوست     |                             | حمید ولادوست     |
| غلامرضا صفر نژاد |                             | غلامرضا صفر نژاد |
| محمد رضا جعفری   |                             | محمد رضا جعفری   |
| منصور دهقانی     |                             | منصور دهقانی     |
| سید طه محدث      |                             | سید طه محدث      |

## پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

## سالروز شهادت کریمپور شیرازی روزنامه نگار قهرمان گرامی باد

۲۴ اسفند سالروز شهادت روزنامه‌نگار مبارز "کریمپور شیرازی" است. "کریمپور شیرازی" که سردبیر روزنامه "شورش" بود با نوشتن مقالات روشنگرانه و انقلابی، جنایات دربار و عوامل مزدور وابسته به غرب را افشا می‌کرد. پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، کریمپور شیرازی دستگیر شد و تحت سخت‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفت. سرانجام در ۲۴ اسفند ۱۳۳۲ به دستور شاه و خواهر جنایتکارش اشرف پهلوی، او رازنده زنده سوزانده شد. یاد این قهرمان استقلال و آزادی گرامی باد.

# لیبرال‌ها

# امید ریگان

در صفحه ۲۴

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر